



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عَلَّمَ الْقُرْآنَ  
عَلَّمَ الْقُرْآنَ

WWW. **Ghaemiyeh** .com  
WWW. **Ghaemiyeh** .org  
WWW. **Ghaemiyeh** .net  
WWW. **Ghaemiyeh** .ir

# اتباعنا

زیارت عاشورا

آل یاسین

حدیث کساء

دعاهای توسل

کنعیل ، نهدیه

فوج ، عهد

انتشارات مسجد مقدس جمکران

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# ارتباط با خدا (منتخب ادعیه)

نویسنده:

جمعی از نویسندگان

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

# فهرست

۵	فهرست
۷	ارتباط با خدا (منتخب ادعیه)
۷	مشخصات کتاب
۷	پیشگفتار
۸	دعای فرج
۹	دعای عهد
۱۴	دعای حضرت مهدی
۱۵	استغاثه به صاحب الزمان
۱۸	زیارت آل یس
۲۷	زیارت امین الله
۳۰	زیارت عاشورا
۳۸	دعای علقمه
۴۹	دعای توسل
۵۶	دعای کمیل
۵۶	قسمت اول
۶۵	قسمت دوم
۷۳	دعای ندبه
۷۳	قسمت اول
۸۳	قسمت دوم
۹۳	دعای سمات
۹۳	قسمت اول
۹۹	قسمت دوم
۱۰۵	حدیث کساء
۱۱۴	تاریخچه ی مسجد مقدس جمکران



### مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: ارتباط با خدا مشخصات نشر: قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۴. مشخصات ظاهری: ۱۶۸ص؛ ۱۷×۱۲س م. وضعیت فهرست نویسی: توصیفی یادداشت: چاپ دهم یادداشت: عنوان روی جلد: زیارت عاشورا، آل یاسین، حدیث کساء، دعاهای توسل، کمیل... عنوان روی جلد: ارتباط با خدا: زیارت عاشورا، آل یاسین، حدیث کساء، دعاهای توسل، کمیل... شناسه افزوده: مسجد جمکران، قم شماره کتابشناسی ملی: ۶۱۸۹۵۲۱

### پیشگفتار

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَابْتَئِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ فَلْيَسِّرْ تَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ»

«وهنگامی که بندگان من درباره من از تو سؤال کردند، من به آنان نزدیکم و اجابت می کنم دعای کسی را که مرا بخواند، پس بندگان ما از من طلب اجابت کنند و به من ایمان آورند باشد که به مقام رشد نایل گردند».

«ما مفتخریم که ادعیه حیات بخش که او را قرآن صاعد می خوانند از ائمه معصومین ماست.» این کلام بخشی از وصیتنامه سیاسی الهی حضرت امام خمینی رحمه الله بنیانگذار جمهوری اسلامی و احیاگر اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله در عصر حاضر است. هم او که آثار روحانی دعا را در وجود خویش کاملاً متبلور ساخته بود و به رهروانش سفارش می نمود که با تمسک به این دو وسیله (قرآن نازل) کلام خدا و (قرآن صاعد) گفتار اهل بیت علیهم السلام به خصوص دعای شعبانیه و زیارت جامعه، راه صحیح زندگی را دریافته و از خود موجودی بسازند با روح بلند الهی و اراده قوی، مصمم و شکست ناپذیر «وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ».

اینک که به یاری خداوند منان در سال پیامبر اعظم صلی الله علیه

وآله توفیق آماده سازی این منتخب را در راستای اشاعه و ترویج فرهنگ و معارف پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و اهل بیت طاهرینش علیه السلام داشته ایم ضمن تقدیم این کتاب به شما رهروان صادق اهل بیت علیهم السلام از خداوندی که «محبیب دعوه المضطربین» است عاجزانه درخواست می کنیم در ظهور منجی عالم بشریت حضرت مهدی موعود(عجل الله تعالی فرجه) تعجیل فرماید و ما را از بهترین اعوان و انصار آن حضرت قرار دهد. آمین یا رب العالمین.

اللهم صل علی محمد و آل محمد و عجل فرجهم ستاد فجر آفرینان عاشورایی استان سمنان

## دعای فرج

إِلٰهِ عَظُمَ الْبَلَاءُ، وَ بَرِحَ الْخَفَاءُ، وَ انْكَشَفَ الْغِطَاءُ، بار الها! گرفتاری بزرگ گشت، و پنهانی ها آشکار شد، و پرده از رازها برداشته شد، وَ انْقَطَعَ الرَّجَاءُ، وَ ضَاقَتِ الْأَرْضُ وَ مُنِعَتِ السَّمَاءُ، و امید گسسته شد، و پهنای زمین تنگ شد، و از ریزش رحمت آسمان دریغ ورزیده شد، وَ أَنْتَ الْمُسْتَعَانُ وَ إِلَيْكَ الْمُسْتَكِي، وَ عَلَيْكَ وَ تَوِيبي یاور ما و به سوی توست گلایه ها و شکایت ها، و بر توست الْمُعْوَلُ فِي الشَّدَّةِ وَ الرَّخَاءِ. اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی اعْتِمَادِ وَ تَكِيه ما چه در سختی و چه در آسانی. بار الها! درود فرست بر مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، اُولٰٓئِ الْأَمْرِ الَّذِيْنَ فَرَضَتْ مُحَمَّدٌ وَ خاندان محمد، آن زمامدارانی که واجب کرده ای عَلَيْنَا طَاعَتَهُمْ، وَ عَرَفْنَا بِذَلِكَ مَنَزِلَتَهُمْ، فَفَرَّجْ عَنَّا بِر ما فرمان برداریشان را، و بدین سبب جایگاه شان را به ما شناساندی، پس گشایش ده بر ما بِحَقِّهِمْ فَرَجًا عَاجِلًا قَرِيبًا، كَلِمَحِ الْبَصْرِ أَوْ هُوَ بِهِ حَقَّ اِيشَانِ گشایشی فوری



و نزدیک ، همچون برهم زدن چشم یا اَقْرَبُ ، یا مُحَمَّدُ یا عَلِيُّ یا عَلِيُّ یا مُحَمَّدُ! زودتر (از آن) ، ای محمد ای علی! ای علی ای محمد! اِكْفِيَانِي فَاِنَّكُمَا كَافِيَانِ ، وَاَنْصُرَانِي فَاِنَّكُمَا نَاصِرَانِ. مرا ننگه دارید که شما یید ننگه دارندگان من ، و مرا یاری کنید که شما یید یاوران من یا مَوْلَانَا یا صَاحِبِ الزَّمَانِ ، الْعَوْثُ الْعَوْثُ الْعَوْثُ. ای سرور ما! ای صاحب اختیار جهان! به فریادم برس! به فریادم برس! به فریادم برس . اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي اَدْرِكْنِي . السَّاعَةَ السَّاعَةَ السَّاعَةَ . دریاب مرا دریاب مرا دریاب مرا! همین ساعت، همین ساعت، هم اکنون . الْعَجَلُ الْعَجَلُ الْعَجَلُ . يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ! فوری فوری زود! ای خدا ای مهربان ترین مهربانان! بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ.

به حق محمد و خاندان پاکیزه اش (بر آورده کن دعای مرا).

### دعای عهد

اَللّٰهُمَّ رَبَّ النُّوْرِ الْعَظِيْمِ ، وَ رَبَّ الْكُرْسِيِّ الرَّفِيْعِ ، بار الها! ای پروردگار روشنی بزرگ ، و پروردگار سریر بلند وَ رَبَّ الْبَحْرِ الْمَسِيْجُوْرِ ، وَ مُنْزِلَ التَّوْرَةِ وَ الْاِنْجِيْلِ وَ پروردگار دریای جوشان ، و فرو فرستنده کتاب تورات و انجیل وَ الزُّبُوْرِ ، وَ رَبَّ الظُّلِّ وَ الْحُزُوْرِ ، وَ مُنْزِلَ الْقُرْآنِ وَ زُبُوْرِ ، و پروردگار سایه و آفتاب داغ ، و فرو فرستنده قرآن الْعَظِيْمِ ، وَ رَبَّ الْمَلٰئِكَةِ الْمُقَرَّبِيْنَ وَ الْاَنْبِيَاءِ بَرِيْغِ ، و پروردگار فرشتگان نزدیک درگاه خدا و پیامبران وَ الْمُرْسَلِيْنَ . اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَسْتَلْجِئُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيْمِ ، و فرستادگان . خدایا! از تو می خواهم به حق ذات بزرگوارت ، وَ بِنُوْرِ وَجْهِكَ الْمُنِيْرِ وَ مُلْكِكَ الْقَدِيْمِ ، یا حَيُّ وَ به حق نور

جمال تابانت و فرمانروایی دیرینه ات ، ای زنده ، ای پاینده ! يَا قَيُّوْمُ اَسْئَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي اَشْرَقْتَ بِهِ السَّمَوَاتُ از تو می خواهم به حق آن نامت که روشن شد بدان آسمان ها وَ الْاَرْضُونَ ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي يَصْلُحُ بِهِ الْاَوْلُوْنَ و زمین ها ، و به حق آن نامت که صالح و شایسته گشتند بدان پیشینیان وَالْاٰخِرُونَ، يَا حَيًّا قَبْلَ كُلِّ حَيٍّ و يَا حَيًّا بَعْدَ كُلِّ حَيٍّ ، ای زنده پیش از هر موجود زنده ای ، و ای زنده پس از هر موجود زنده ای ، وَ يَا حَيًّا حِيْنَ لَا حَيٍّ ، يَا مُحْيِيَ الْمَوْتِ وَ مُمِيتَ و ای زنده در آن هنگام که زنده ای وجود نداشت ، ای زنده کننده مردگان و ای میراننده الاحیاء ، يَا حَيُّ لَا اِلَهَ اِلَّا اَنْتَ . اَللّٰهُمَّ بَلِّغْ مَوْلَانَا زندگان ، ای زنده ای که معبودی جز تو نیست . خدایا ! برسان به مولای ما الْاِمَامَ الْهَادِيَ الْمَهْدِيَّ الْقَائِمَ بِاَمْرِكَ صَلَوَاتُ اللّٰهِ آن امام راهنمای راه یافته و قیام کننده به فرمان تو - که درودهای خدا عَلَيْهِ وَ عَلٰى اَبَائِهِ الطَّاهِرِينَ ، عَنْ جَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ بر او و پدران پاکش باد - ، از طرف همه مردان وَ الْمُؤْمِنَاتِ فِي مَشَارِقِ الْاَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، سَهْلِهَا وَ زَنَانِ با ایمان در مشرق های زمین و مغرب های آن ، هَمُوَارِ اَنْ وَ جَبَلِهَا، وَ بَرِّهَا وَ بَحْرِهَا، وَ عَنِّي وَ عَنِّ الْاِتْدَى مِنْ وَ كَوْهَشِ ، خَشْكِ اَنْ وَ دِرْيَاشِ ، وَ اَزْ طَرْفِ مَنْ وَ پَدْرِ وَ مَادِرْمِ الصَّلَوَاتِ زَنَهُ عَرْشِ اللّٰهِ وَ مِدَادِ كَلِمَاتِهِ، وَ مَا اَحْصَاهُ دَرُودِهَائِي هَمُوَزْنَ عَرْشِ خدَا وَ شَمَارَه سَخْنَانِ اُو ، وَ اَنْجَه را

شمارش کرده علمه، و احاط به كتابه. اللهم اني احيدد له في دانشش، و كتاب و دفترش بدان احاطه دارد. خدايا من تجديد و تازه مي كنم در صبيحه يومى هذا، و ما عشت من ايامى، عهداً بامداد اين روز، و هر چه زندگى كنم از روزهاى ديگر، عهد و عقداً و بيعه له في عنقى لا حول عنها، و پيمان و بيعتى براى آن حضرت در گردنم كه هرگز از آن سريپچى نكنم، و لا ازول ابداً. اللهم اجعلنى من انصاره و اعوانه و دست نكشم هرگز. خدايا قرار ده مرا از ياران و كمك كارانش و الذابين عنه، و المسارعين اليه في قضاء و دفاع كندگان از او، و شتابندگان به سوى او در برآوردن حوائج، و الممثلين لآوامره و المحامين عنه، خواسته هايش، و انجام دهندگان به دستورات و اوامرش و حمايت كندگان از آن حضرت، و السابقين الى ارادته، و المستشهدين بين يديه. و پيشى گيرندگان به سوى خواسته اش، و شهادت يافتگان پيش رويش. اللهم ان حال بينى و بينه الموت الذى جعلته خدايا اگر فاصله افتد بين من و او آن مرگى كه قرار داده اى آن را على عبادك حتماً مقضياً، فاخرجنى من قبرى بر بندگان حتمى و مقرر، پس بيرون آور مرا از گورم مؤتزراً كفى، شاهراً سيفى، مجرداً قناتى، ملبياً در حالى كه كفن به خود پيچيده، با شمشير آخته، و نيزه برهنه، پاسخ گويان دعوه الداعى فى الحاضر و البادى. اللهم ارنى

به فراخوانی آن دعوت کننده بزرگوار در شهر و بیابان . خدایا نشان بده به من الطَّلَعَةَ الرَّشِيدَةَ وَ الْعُرَّةَ الْحَمِيدَةَ ، وَ اَكْمُلْ نَاظِرِي  
آن جمال ارجمند و آن دارای پیشانی نورانی پسندیده را ، و بکش دیده ام را بِنَظَرِهِ مِنِّي اِلَيْهِ ، وَ عَجِّلْ فَرَجَهُ ، وَ سَهِّلْ مَخْرَجَهُ ،  
به سرمه وصال دیدارش به یک نگاه ، و شتاب کن در ظهورش ، و آسان گردان خروجش را ، وَ اَوْسِعْ مِنْهَجَهُ ، وَ اَسِئِلْكَ بِي  
مَحَجَّتَهُ ، وَ اَنْفِذْ اَمْرَهُ ، و بگستران راهش را ، و مرا به راه او در آور ، و دستورش را نافذ گردان ، وَ اَشْدُدْ اَزْرَهُ ، وَ اَعْمِرِ اللّٰهُمَّ بِه  
بِلَادَكَ ، وَ اَحْيِ بِه و پشتش را محکم کن ، و آباد گردان خدایا به دست او شهرهایت را ، و زنده گردان بوسیله اش عِبَادَكَ ،  
فَاِنَّكَ قُلْتَ وَ قَوْلِكَ الْحَقُّ ، ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي بِنْدِگانت را ، زیرا که تو فرمودی و گفته ات عین حقیقت است ، (که): «آشکار شد  
تبه کاری در البرِّ وَ الْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ اَيْدِي النَّاسِ . فَاطْهَرِ اللّٰهُمَّ خَشْكِ و دریا به خاطر کرده های مردم» . پس آشکار کن خدایا  
لَنَا وَ لِيَّكَ وَ اِنَّ بِنْتِ نَبِيِّكَ الْمَسِيْمِي بِاسْمِ رَسُوْلِكَ ، برای ما نماینده ات را و فرزند دختر پیامبرت که همانم فرستاده توست ،  
حَتَّى لَا يَظْفَرَ بِشَيْءٍ مِّنَ الْبَاطِلِ اِلَّا مَزَقَهُ ، وَ يُحَقِّقْ تا دست نیابد به هیچ باطلی جز آنکه از هم بدراند ، و پابرجا کند الْحَقَّ وَ  
يُحَقِّقَهُ . وَ اجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مَفْرَعًا لِمَظْلُوْمٍ حَقِّ را و ثابت کند آن را ، و قرار بده

آن بزرگوار را خدایا پناه گاه ستمدیدگان عبادک ، وَ نَاصِرًا لِمَنْ لَا يَجِدُ لَهُ نَاصِرًا غَيْرَكَ ، بندگان تو ، و یاور کسی که جز تو یآوری برایش یافت نشود ، وَ مُجِدِّدًا لِمَا عَطَلَ مِنْ أَحْكَامِ كِتَابِكَ ، وَ مُشِيدًا وَ تَازِهَ كُنْنِدِهٖ اَنْ اَحْكَامِي كِه اَز كِتَابِ تُو تَعَطِيلِ مانده ، و محکم کننده لِمَا وَرَدَ مِنْ اَعْلَامِ دِينِكَ وَ سَيِّئِنِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ اَنْجِهٖ رَسِيْدِهٖ اَز نِشَانِهٖ هَاي دِيْنِ وَ اَيِّنْتِ وَ دَسْتُوْرَاتِ پيامبرت - كِه دَرُوْدِ خُدَاوَنْدِ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ . وَ اَجْعَلْهُ اللّٰهُمَّ مِمَّنْ حَصَّنْتَهُ مِنْ بَأْسِ بَرَاوِ وَ اَلَشِّ بَادِ - ، وَ قَرَارِشِ دِهٖ خُدَايَا اَز اَنَانِ كِه نِگَاهَشِ دَاْرِي اَز صَوْلَتِ وَ حَمَلِهٖ الْمُعْتَدِيْنَ . اَللّٰهُمَّ وَ سَيَّرَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ زُوْرْگُوْيَانِ . خُدَايَا شَادْگِرْدَانِ (دَل) پيامبرت محمد - كِه دَرُوْدِ خُدَاوَنْدِ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ بَرُوْئِيْتِهٖ وَ مَنْ تَبِعَهُ عَلٰى دَعْوَتِهٖ ، وَ اَرْحَمَ بَرَاوِ وَ اَلَشِّ بَادِ - رَا بِهٖ دِيْدَارِشِ ، وَ نِيْزِ هَرْ كِه دَرِ دَعْوَتِشِ اَز اَنْ حَضْرَتِ پِيْرُوِي كَرْدِ ، وَ رَحْمِ كُنِ اَسْتِيْكَانَتِنَا بَعِيْدَهٗ . اَللّٰهُمَّ اَكْشِفْ هَذِهِ الْعُمَّةَ عَنْ هَذِهِ بِيْجَارْگِي مَآ پَسِ اَز اَنْ حَضْرَتِ . خُدَايَا بَرَطْرَفِ كُنِ اَيْنِ اَنْدُوْهٖ رَا اَز اَيْنِ الْاُمَّهٖ بِحُضُوْرِهِ ، وَ عَجَّلْ لَنَا ظُهُوْرَهٗ ، اَنْهُمْ يَرُوْنَهُ اُمَّتٌ بِهٖ حَضُوْرِ اِمَامِ زَمَانِ ، وَ شَتَابِ كُنِ بَرَايِ مَآ دَرِ ظُهُوْرِ اَنْ جَنَابِ ، كِه اَنَانِ پِنْدَارِنْدِ ظُهُوْرِشِ رَا بَعِيْدًا وَ نَرَاهٗ قَرِيْبًا ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ .

بسیار دور ولی ما آن را نزدیک می دانیم ، به مهرت ای مهربان ترین مهربانان. پس سه مرتبه دست راست را بر ران راست خود زده و

می گویی:

الْعَجَلُ الْعَجَلُ يَا مَوْلَايَ يَا صَاحِبَ الزَّمَانِ.

بشتاب ، بشتاب ! ای سرور من ! ای صاحب الزمان !

### دعای حضرت مهدی

اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ ، وَ بُعِيدَ الْمَعْصِيَةِ ، بار الها! روزی ما کن کامیابی بر فرمان برداری را ، و دوری از گناه را ، وَ صِدْقَ النَّيِّهِ ، وَ عِزْفَانَ الْحُرْمَةِ ، وَ اَكْرِمْنَا بِالْهُدَى وَ رَاسْتَى در نیت را ، و شناختن آنچه حرمتش لازم است ، و گرمی دار ما را به وسیله راهنمایی وَ الْاِسْتِقَامَةِ ، وَ سِدِّدْ اَلْسِنَتَنَا بِالصَّوَابِ وَ الْحِكْمَةِ ، و پایداری ، و استوار کن زبان های ما را به درست گویی و فرزنگی ، وَ اَمَلْنَا قُلُوبَنَا بِالْعِلْمِ وَ الْمَعْرِفَةِ ، وَ طَهَّرْ بَطُونَنَا وَ لَبْرِيْزْ كِرْدَانَ دِلْ هَايْ مَا رَا از دانش و شناخت خود ، و پاک کن اندرون ما را مِنْ الْحَرَامِ وَ الشُّبْهَةِ ، وَ اَكْفِفْ اَيْدِيَنَا عَنِ الظُّلْمِ از غذاهای حرام و شبهه ناک ، و بازدار دست های ما را از ستم وَ السَّرِقَةِ ، وَ اغْضُضْ اَبْصَارَنَا عَنِ الْفُجُورِ وَ الْخِيَانَةِ ، و دزدی ، و بیوشان چشمان ما را از هرزگی و خیانت ، وَ اَسِدِّدْ اَسْمَاعَنَا عَنِ اللَّغْوِ وَ الْغِيْبَةِ ، وَ تَفَضَّلْ عَلَيَّ وَ بِنْدِ كُوشِ هَايْ مَا رَا از شنیدن سخنان بیهوده و عیب جویی دیگران ، و نیکویی کن بر عُلَمَائِنَا بِالزُّهْدِ وَ النَّصِيْحَةِ ، وَ عَلَيَّ الْمُتَعَلِّمِينَ دانشمندان ما به پارسایی و خیرخواهی کردن ، و بر دانش آموزان بِالْجُهْدِ وَ الرَّغْبَةِ ، وَ عَلَيَّ الْمُسْتَمْعِينَ بِالِاتِّبَاعِ به کوشش و اشتیاق ، و بر شنوندگان به پیروی کردن وَ الْمُؤَعِّظَةَ ، وَ عَلَيَّ مَرْضَى الْمُسْلِمِينَ بِالشِّفَاءِ و پند گرفتن ، و بر بیماران مسلمان به بهبودی یافتن وَ

الرَّاحِ، وَعَلَى مَوْتَاهُمْ بِالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَعَلَى وَآسُودَ كِي، وَبِرْ مَرْدُكَانِ أَنَّهُمَا بِدَلْسُوزِي وَمَهْرَبَانِي كَرْدَن، وَبِرْ مَشَايَحِنَا بِالْوَقَارِ وَالسَّكِينَةِ، وَعَلَى الشَّبَابِ پِيرَانِ مَا بِهِ وَقَارِ وَآرَامَش، وَبِرْ جَوَانَانِ بِالْإِنَابَةِ وَالتَّوْبَةِ، وَعَلَى النِّسَاءِ بِالْحَيَاءِ وَالْعِفَّةِ، بِهِ پَشِيمَانِي وَتُوبِهِ، وَبِرْ زَنَانِ بِهِ شَرْمِ وَپَاكَ دَامَنِي، وَعَلَى الْأَغْنِيَاءِ بِالتَّوَضُّعِ وَالسَّعَةِ، وَعَلَى الْفُقَرَاءِ وَبِرْ تَوَانِكَرَانِ بِهِ فِرُوتَنِي وَبِخَشَشِ كَرْدَن، وَبِرْ مَسْتَمْدَانِ بِالصَّبْرِ وَالْقَنَاعَةِ، وَعَلَى الْغُرَاهِ بِالنَّصْرِ وَالْغَلْبَةِ، بِهِ شَكِييَابِي وَقِنَاعَتِ، وَبِرْ جَنُجُويَانِ بِهِ يَارِي وَپِيرُوزِي، وَعَلَى الْأَسْرَاءِ بِالْخَلَاصِ وَالرَّاحَةِ، وَعَلَى الْأَمْرَاءِ وَبِرْ أَسِيرَانِ بِهِ رَهَائِي يَافْتَنِ وَآسُودَ كِي، وَبِرْ زَمَامْدَارَانِ بِالْعَدْلِ وَالشَّفَقَةِ، وَعَلَى الرَّعِيَّةِ بِالْإِنصَافِ بِهِ دَادْكَرِي وَدَلْسُوزِي، وَبِرْ مَلَّتْ بِهِ أَنْصَافِ دَرْ كَارِهَا وَحُسْنِ السِّيَرَةِ، وَبَارِكْ لِّلْحُجَّاجِ وَالزُّوَارِ فِي وَخُوشِ رِفْتَارِي، وَبِرْ كَتِ دِهْ بَرَايِ حَاجِيَانِ وَزِيَارَتِ كَنَنْدِگَانِ دَرِ الزَّادِ وَالنَّفَقَةِ، وَاقْضِ مَا أَوْجَبَتْ عَلَيْهِمْ مِنَ الْحَجِّ تَوْشِهِ وَخَرْجِي رَاهِ، وَبِهِ أَنْجَامِ رَسَانِ أَنْجَهْ رَا بَرِ إِيشَانِ وَاجِبِ كَرْدِي أَزْ أَعْمَالِ حَجِّ وَالْعُمْرَةِ، بِفَضْلِكَ وَرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. وَعَمْرِهِ، بِهِ وَسِيلَهُ إِحْسَانِ وَمَهْرَبَانِي اتِ أَيِ مَهْرَبَانِ تَرِينِ مَهْرَبَانَانِ!

### استغاثه به صاحب الزمان

سَلَامُ اللَّهِ الْكَامِلِ التَّامِّ، الشَّامِلِ الْعَامِّ، وَصَلَوَاتُهُ دَرُودُ كَامِلٍ وَتَمَامٍ وَهَمَّهُ جَانِبُهُ وَفِرَاكِبِرِ الْهِي، وَرَحْمَتِ الدَّائِمَةِ، وَبَرَكَاتُهُ الْقَائِمَةُ التَّامَّةُ، عَلَى حُجَّهِ اللَّهِ جَاوِدَانِهِ أَشْ، وَ

برکات پابرجا و تامّ و تمامش بر حجّت خدا و وَلِيِّهِ فِي اَرْضِهِ وَ بِلَادِهِ ، وَ خَلِيفَتِهِ عَلٰى خَلْقِهِ و ولیّ گرامش در کره زمین و تمام کشورهايش ، و جانشین او بر خلائق و عِبَادِهِ وَ سَيِّالِهِ النَّبُوَّةَ ، وَ بَقِيَّتِهِ الْعِتْرَةَ وَ الصَّفْوَةَ ، و بندگانش و نژاد پاک نبوت ، و باقی مانده خاندان رسالت و برگزیده ویژه حق ، صَاحِبِ الزَّمَانِ ، وَ مُظْهِرِ الْاِيْمَانِ ، وَ مُلَقِّنِ اَحْكَامِ حَضْرَتِ صَاحِبِ الزَّمَانِ ، و نمایان گر ایمان ، و تعلیم دهنده احکام الْقُرْآنِ ، وَ مُطَهِّرِ الْاَرْضِ ، وَ نَاشِئِ الْعِدْلِ فِي الطُّوْلِ قُرْآنِ ، و پاک کننده زمین از جور ، و گسترش دهنده عدالت در درازا وَ الْعَرْضِ ، وَ الْحُجَّةِ الْقَائِمِ الْمَهْدِيِّ ، الْاِمَامِ الْمُنْتَظَرِ و پهنای زمین ، و حجّت قائم حضرت مهدی ، پیشوای به انتظار نشسته الْمَرْضَةِ ، وَ ابْنِ الْاَيْمَةِ الطَّاهِرِينَ ، الْوَصِيِّ ابْنِ و پسندیده ، و فرزند امامان پاکیزه ، و جانشین و فرزند الْأَوْصِيَّةِ يَأْتِ الْمَرْضَةَ بَيِّنًا ، الْهَادِي الْمَعْصُومِ ابْنِ الْاَيْمَةِ جَانَشِينِ پسندیده حق ، و رهنمای معصوم و فرزند پیشوایان الْهُدَاةِ الْمَعْصُومِينَ . اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُعَزَّ الْمُؤْمِنِينَ هِدَايَتِ گر و معصوم . درود بر تو ای عَزَّتْ بَخْشِ مَرْدَمِ مُؤْمِنِي الْمُسْتَضْعَفِينَ ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُيَذَّلَ الْكَافِرِينَ که (در اثر ظلم ستم کاران) ضعیف و ناتوان شدند ، درود بر تو ای ذلیل کننده کافران الْمُتَكَبِّرِينَ الظَّالِمِينَ ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مَوْلَايَ گردن کش و ستم پیشه ، درود بر تو ای سرور من یا صَاحِبِ الزَّمَانِ ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، ای صاحب الزمان ! درود بر تو ای فرزند رسول خدا ، اَلْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ابْنَ



أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ درود بر تو ای فرزند امیر مؤمنان ، درود بر تو يَا بَنَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ سَيِّدَةَ الْعَالَمِينَ ، ای فرزند فاطمه زهرا بانوی زنان جهانیان السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ الْأَيْمَةِ الْحُجَّجِ الْمَعْصُومِينَ ، درود بر تو ای فرزند پیشوایان و حجت های معصوم و الإمام عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ یا و امام و پیشوا بر همه خلق ، سلام بر تو ای مَوْلَايَ سَيِّدَا مَخْلُصٍ لَكَ فِي الْوِلَايَةِ . أَشْهَدُ أَنَّكَ سِرُّرُ مَنْ ! سلامی خالصانه به تو در ولایت و پیروی ات . گواهی می دهم که تویی الإمام الْمَهْدِيُّ قَوْلًا وَ فِعْلًا ، وَ أَنْتَ الَّذِي تَمَلَأُ أَنْ بِيْشَوَايَ هِدَايَتِ بِيْشَةٍ ، چه در گفتار و چه در کردار ، و تویی آن بزرگواری که پر کنی الْأَرْضَ قِسِيْطًا وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مَلَأْتَ ظُلْمًا وَ جَوْرًا ، زمین را از عدل و داد، پس از آنکه از ستم و بیدادگری پر شده باشد ، فَعَجَّلَ اللَّهُ فَرْجَكَ ، وَ سَهَّلَ مَخْرَجَكَ ، وَ قَرَّبَ زَمَانَكَ ، پس خدا در فرجت تعجیل ، و قیامت را آسان ، و زمان حکومت را نزدیک فرماید ، وَ كَثَّرَ أَنْصَارَكَ وَ أَعْوَانَكَ ، وَ أَنْجَزَ لَكَ مَا وَعَدَكَ ، و یاران و یاوران تو را بسیار گرداند ، و وفا کند به آن وعده فتح و پیروزی که به تو داده ، فَهُوَ أَصْدَقُ الْقَائِلِينَ : وَ نُرِيدُ أَنْ نُرِيْدَ أَنْ نَمُنَّ عَلَيَّ الَّذِينَ زِيْرَا أَوْ رَاسْتِ كُوْتَرِيْنِ كُوِيْنِدَاگَانِ اسْتِ ، كِهْ فَرْمُوْدَهْ : «و می خواهیم منت نهیم بر آنان که اشتتضِعُوا فِي الْأَرْضِ ، وَ نَجْعَلُهُمْ أَيْمَةً ، وَ نَجْعَلُهُمْ مُسْتَضْعَفِينَ شَدِهْ اَنْدِ ، وَ اَنْاَنْ رَا بِيْشَوَايَانَ خَلْقِ قَرَارِ دِهِيْمِ ، وَ

بگردانیم آنان را الوارثین، یا مَوْلایَ یا صَاحِبَ الزَّمانِ، یَا بَنَ رَسُولِ وَارثانِ رَوی زمین» ، ای سرور من ای صاحب الزمان! ای فرزند رسول الله ، حاجتی کذا و کذا. به جای کذا و کذا حاجات خود را بگو: خدا! ، حاجت من چنین و چنان است. فَاشْفَعْ لِي فِي نَجَاحِهَا، فَقَدْ تَوَجَّهْتُ إِلَيْكَ بِحَاجَتِي، پس شفاعت کن برایم در بر آمدن حاجات ، زیرا که من با حاجت خویش به تو متوجه شده ام ، لِعَلَّمِي أَنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَفَاعَةً مَقْبُولَةً ، وَ مَقَامًا زِيْرًا مِي دانم که شفاعت تو به درگاه خدا پذیرفته می شود ، و دارای مقام مَحْمُودًا ، فَيَحَقُّ مَنِ اخْتَصَّكُمْ بِأَمْرِهِ ، وَ ارْتَضَاكُمْ ارزشمندی هستی ، سوگند می دهم به حق آن که شما را به امر خلافت اختصاص داد ، و برگزید لِسِرِّهِ ، وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ ، بر اسرار خود ، و به حق مقام و منزلتی که شما در نزد خدا، میان خود و او دارید ، سَلِ اللَّهَ تَعَالَى فِي نُجْحِ طَلِبَتِي ، وَ اجابِهِ دَعْوَتِي سوگند می دهم که از خدای تعالی بخواهی که حاجاتم را بر آورد ، و دعایم را اجابت فرماید ، وَ كَشْفِ كُرْبَتِي. حاجات خود را بگو، ان شاء الله بر آورده شود.

و غم و اندوهم را بر طرف نماید. مرحوم محدث قمی بعد از نقل این استغاثه می فرماید: بهتر آن است که در رکعت اول نماز این استغاثه، بعد از سوره حمد، سوره فتح و در رکعت دوم سوره نصر خوانده شود.

## زیارت آل یس

سَلَامٌ عَلٰی آلِ یس ، اَلْسَلَامُ عَلَیْكَ یا دَاعِیَ اللَّهِ درود بر خاندان یاسین ، درود بر تو ای دعوت کننده

به خدا وَ رَبَّانِي آيَاتِهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللّٰهِ وَ دَيَانَ وَ اَشْنَا به نشانه هایش ، درود بر تو ای واسطه خدا و سرپرست دینیه ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللّٰهِ وَ نَاصِرَ حَقِّهِ ، دین او ، درود بر تو ای خلیفه خدا و یاور حق او ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللّٰهِ وَ دَلِيلَ اِرَادَتِهِ ، اَلسَّلَامُ درود بر تو ای حجت خدا و راهنمای اراده اش ، درود عَلَيْكَ يَا تَالِيَّ كِتَابِ اللّٰهِ وَ تَرْجُمَانَهُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ بر تو ای تلاوت کننده کتاب خدا و تفسیر کننده آیات او ، درود بر تو فِي اَنَاءِ لَيْلِكَ وَ اطْرَافِ نَهَارِكَ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ در تمام لحظه ها و دقایق شب و سرتاسر روز ، درود بر تو يَا بَقِيَّةَ اللّٰهِ فِي اَرْضِهِ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللّٰهِ ای ذخیره خدا در روی زمین ، درود بر تو ای پیمان محکم خدا الَّذِي اَخَذَهُ وَ وَكَّدَهُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللّٰهِ که از مردم گرفت و سخت محکمش کرد ، درود بر تو ای وعده خدا الَّذِي ضَمِنَهُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ اَيُّهَا الْعِلْمُ الْمَنْصُوبُ که تضمینش کرده ، درود بر تو ای پرچم برافراشته وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ ، وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ ، و دانش ریزان ، و فریادرس خلق و رحمت گسترده حق ، وَ عَيْدًا غَيْرَ مَكْدُوبٍ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ ، آن وعده ای که دروغ پنداشته نشود ، درود بر تو هنگامی که به پا می ایستی ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْعُدُ ، اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ درود بر تو هنگامی که می نشینی ، درود بر تو هنگامی که

(فرامین حق را) تَقْرَأُ وَ تُبَيِّنُ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ حِیْنَ تُصَلِّیْ وَ تَقْنُتُ ، می خوانی و تفسیر می کنی ، درود بر تو هنگامی که نماز می خوانی و قنوت می گیری ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ حِیْنَ تَرْكَعُ وَ تَسْجُدُ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ درود بر تو هنگامی که رکوع و سجده به جای می آوری ، درود بر تو حِیْنَ تُهَلِّلُ وَ تُكَبِّرُ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ حِیْنَ تَحْمَدُ هنگامی که لا-اله الا-الله و الله اکبر می گویی ، درود بر تو هنگامی که خدا را ستایش می کنی وَ تَسْتَغْفِرُ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ حِیْنَ تُصَبِّحُ وَ تُمَسِّیْ ، و از او آمرزش می خواهی ، درود بر تو هنگامی که صبح می کنی و به شب می رسانی ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ فِی اللَّیْلِ إِذَا یَغْشَى وَ النَّهَارِ إِذَا دَرُودُ بر تو در شب هنگامی که تاریکی اش فرا گیرد ، و در روز هنگامی که تَجَلَّى ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْاِمَامُ الْمَأْمُونُ ، پرده برگیرد ، درود بر تو ای امام امین و محفوظ ، اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا الْمَقْدَّمُ الْمَأْمُولُ ، اَلسَّلَامُ درود بر تو ای پیشی گرفته (بر همه خلق و) مورد آرزو (ای آنان) ، درود عَلَیْكَ بِجَوَامِعِ السَّلَامِ . اَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ بر تو با همه درودها . گواه گیرم تو را ای سرور من اِنِّیْ اَشْهَدُ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیْكَ لَهُ ، که من گواهی می دهم به اینکه معبودی نیست جز خدای یگانه که شریک ندارد ، وَاَنْ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ لَا حَبِیْبَ اِلَّا هُوَ وَاَهْلُهُ ، و نیز (گواهی می دهم که) محمد بنده و رسول اوست و محبوبی نیست جز او و خاندانش ، وَ

أُشْهِدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنْ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ حُجَّتُهُ ، وَ گواه می گیرم تو را ای مولای من که علی امیر مؤمنان حجت خدا است ، وَ  
 الْحَسَنَ حُجَّتُهُ ، وَ الْحُسَيْنَ حُجَّتُهُ ، وَ عَلِيَّ بْنَ وَ حَسَنَ حجت اوست ، وَ حَسِينَ حجت اوست ، وَ علی فرزند الحسین حجتُهُ ، وَ  
 مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتُهُ ، حَسِينَ حجت اوست ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حجت اوست ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ  
 حُجَّتُهُ ، وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حجت اوست ، وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ حجت اوست ، وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتُهُ ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ  
 حُجَّتُهُ ، وَ علی فرزند موسی حجت اوست ، وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حجت اوست ، وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتُهُ ، وَ الْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ  
 حُجَّتُهُ . وَ علی فرزند محمد حجت اوست ، وَ حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حجت اوست . وَ أَشْهِدُ أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ . أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ ، وَ  
 گواهی می دهم که تو حجت خدایی . شما پدید اول و آخر ، وَ أَنَّ رَجَعْتُمْ حَقًّا لَا رَيْبَ فِيهَا ، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا وَ مُسْلِمًا بَازگشت  
 شما حتمی است و شکی در آن نیست ، روزی که سود ندهد کسی را ایمانها ، لَمْ تَكُنْ آمَنْتُمْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إيمَانِهِمْ ،  
 که پیش از آن ایمان نیاورده یا در (مدت) ایمان خویش ایمانها خیراً ، وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقًّا ، وَ أَنَّ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا كَارِ خَيْرِي انجاء  
 نداده ، و اینکه مرگ حق است ، وَ نَاكِرًا وَ نَكِيرًا (دو فرشته سؤال قبر) حَقًّا ، وَ



به خدای یگانه ای که شریک ندارد، و به فرستاده او وَ بِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ بِكُمْ يَا مَوْلَايَ أَوْلَكُمْ وَ آخِرُكُمْ، و به امیر مؤمنان و به شما - ای مولای من - از اول تا آخرتان وَ نُصِرَتِي مُعَيَّدَةً لَكُمْ وَ مَوَدَّتِي خَالِصَةً لَكُمْ، آمین و یاری ام برای شما آماده است، و دوستی ام برای شما خالص و پاک است، برآورده کن آمین. و بعد از آن، این دعا خوانده شود:

خواسته ام را، آمین.

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ نَبِيِّ خَدَايَا از تو می خواهم که درود فرستی بر محمد، پیامبر رَحْمَتِكَ وَ كَلِمَةِ نُورِكَ، وَ أَنْ تَمْلَأَ قَلْبِي نُورَ الْيَقِينِ، رحمت و کلمه نورت، و آنکه پر کنی دل مرا با نور یقین، وَ صَيِّدِرِي نُورَ الْإِيمَانِ، وَ فِكْرِي نُورَ الْتِّيَّاتِ، و سینه ام را با نور ایمان، و اندیشه ام را با نور تصمیم ها، وَ عَزْمِي نُورَ الْعِلْمِ، وَ قُوَّتِي نُورَ الْعَمَلِ، وَ لِسَانِي وَ ارَادَةَ ام را با نور علم، و نیرویم را با نور عمل، و زبانه ام را نُورَ الصُّدْقِ، وَ دِينِي نُورَ البَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ، با نور راست گویی، و دین و مذهبم را با نور بینایی هایی از نزد خودت، وَ بَصِيرِي نُورَ الضِّيَاءِ، وَ سَمْعِي نُورَ الْحِكْمَةِ، و چشمم را با نور روشنایی، و گوشم را با نور فرزاندگی و حکمت، وَ مَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاهِ لِمُحَمَّدٍ وَ آلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و دوستی ام را با نور موالات بر محمد و خاندانش - که درود خداوند بر آنان باد - حَتَّى الْفَاكِ وَ قَدْ وَفَيْتُ بِعَهْدِكَ وَ مِيثَاقِكَ

، فَتَغَشِّنِي تَا تُو رَا دِيدَار كَنَم ، وَ مَن بَه عَهْد وَ يِيمَان تُو وَفَا كَرْدَم ، پَس بِيُوشَان بَر مَن رَحْمَتِكَ يَا وَلِيِّ يَا حَمِيدُ . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰى مُحَمَّدٍ رَحْمَتِ خُودِ رَا اِي سَر پَرَسْت وَ اِي سَتُوْدَه . خُدَايَا دَرُودِ فَرَسْت بَر مُحَمَّدٍ حُجَّتِكَ فِي اَرْضِكَ وَ خَلِيْفَتِكَ فِي بِلَادِكَ ، وَ الدَّاعِي حُجَّتِ تُو دَر رُويِ زَمِيْنَتِ وَ جَانَشِيْنِ تُو دَر شَهْرَهَايْتِ ، وَ دَعُوْتِ كُنْنِدَه اِلَى سَبِيْلِكَ ، وَ الْقَائِمِ بِقِسْطِكَ وَ النَّائِرِ بِاَمْرِكَ ، بَه سُوِي رَاهْتِ ، وَ قِيَامِ كُنْنِدَه بَه عَدَلِ وَ دَادَتِ ، وَ اِنْقِلَابِ كُنْنِدَه بَه دَسْتُوْرَتِ ، وَ لِيِّ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ بُوَارِ الْكَافِرِيْنَ ، وَ مُجَلِّيِ الظُّلْمَةِ دُوَسْتِ مُؤْمِنَانِ وَ نَابُوْدِ كُنْنِدَه كَافِرَانِ ، وَ بَر طَرَفِ كُنْنِدَه تَارِيْكِي وَ مُنِيْرِ الْحَقِّ ، وَ النَّاطِقِ بِالْحِكْمَةِ وَ الصِّدْقِ ، وَ رُوْشَنِ كُنْنِدَه حَقِّ ، وَ گُوِيْنِدَه بَه حَكْمَتِ وَ رَاسْتِي ، وَ كَلِمَتِكَ التِّيَامَةِ فِي اَرْضِكَ ، الْمُرْتَقِبِ الْخَائِفِ ، وَ اَن كَلِمَه (دَسْتُوْر وَ فَرْمَان) كَامَلَتِ دَر رُويِ زَمِيْنِ ، كَه دَر حَالِ اِنْتِظَارِ وَ هِرَاسِ بَه سَر بَرْدِ ، وَ الْوَلِيِّ النَّاصِحِ ، سَيِّفِيْنِهِ النَّجَاهِ وَ عِلْمِ الْهُدٰى ، وَ اَن سَر پَرَسْت خِيْر خَوَاهِ ، وَ كَشْتِي نَجَاتِ وَ پَر چَمِ هِدَايْتِ ، وَ نُورِ اَبْصَارِ الْوَرٰى ، وَ خَيْرِ مَنْ تَقَمَّصَ وَ اَزْتَدٰى ، وَ رُوْشِنِي دِيْدِ گَانِ مَرْدَمِ ، وَ بَهْتَرِيْنِ كَسِي كَه جَامَه وَ رَدَا بَه بَر كَرْدِ ، وَ مُجَلِّيِ الْعَمٰى ، الَّذِي يَمْلَأُ الْاَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطًا وَ زِدَايْنِدَه گَمْرَاهِي ، اَن كَسِ كَه پَر كُنْدِ زَمِيْنِ رَا اَز عَدَلِ وَ دَادِ ، كَمَا مُلِئْتُ ظُلْمًا وَ جَوْرًا ، اِنَّكَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ



قَدِيرٌ . چنان که پر شده باشد از ستم و بیدادگری ، که به راستی تو بر هر چیز توانایی . اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی وَاٰلِكَ وَاٰلِ اَوْلِيَّائِكَ ،  
الَّذِينَ خَدَايَا درود فرست بر بنده مقرب در گاهت و فرزند بندگان مقربت ، آنان که فرضت طاعتت ، و اَوْجِبْتَ حَقَّهُمْ ، وَاذْهَبْتَ عَنْهُمْ  
واجب کردی فرمان برداریشان را ، و واجب گرداندی حَقَّشان را ، و دور کردی از ایشان الرَّجْسَ ، وَاطَهَّرْتَهُمْ  
تَطْهِيراً . اَللّٰهُمَّ اَنْصِرْهُ وَاَنْتَصِرْ بِرِ پلیدی را ، و به خوبی پاکیزه شان کردی . خدایا یاری اش کن و یاری کن به لَدِينِكَ ، وَاَنْصِرْ بِهِ  
اَوْلِيَاءَكَ وَاَوْلِيَاءَهُ وَاَنْصِرْهُ بِرِ دینت را ، و یاری کن به وسیله او دوستان خودت و دوستان او و شعیان و اَنْصَارَهُ ، وَاَنْصِرْ  
اجْعَلْنَا مِنْهُمْ . اَللّٰهُمَّ اَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ وَايُورَانِش را ، و ما را نیز از آنان قرار ده . خدایا پناهش ده از شر هر باغ و طاغ ، و مِنْ شَرِّ  
جَمِيعِ خَلْقِكَ ، وَاخْفِظْهُ مِنْ مِتْجَاوِزِ وَاَسْرِكْشِی ، و از شر همه آفریده هایت ، و نگاهش بدار از بَيْنِ يَدَيْهِ وَاخْفِظْهُ ، وَاخْفِظْهُ  
يَمِينِهِ وَاخْفِظْهُ مِنْ اَنْ يُّوَصَلَ اِلَيْهِ ، و از پشت سرش ، و از سمت راستش و از طرف چپش ، و اَخْرُسْهُ وَاخْفِظْهُ مِنْ اَنْ يُّوَصَلَ اِلَيْهِ  
بِسُوءٍ ، و پاسداری اش کن و نگاهش دار از اینکه گزند و آسیبی بدو برسد ، و (شوکت و عزت) وَاخْفِظْ فِيهِ رَسُوْلَكَ وَاٰلَ  
رَسُوْلِكَ ، وَاظْهَرْ بِهِ رَسُوْلًا وَاٰلًا رَسُوْلًا وَاٰلًا رَسُوْلًا (وجود)

او حفظ فرما ، و آشکار (یا پیروز) گردان به دست او العِدْلَ ، وَ أَيَّدَهُ بِالنَّصِيرِ ، وَ انصُرْ ناصِرِيهِ ، وَ اخذلْ عدل و داد را ، و با یاری ات کمکش کن ، و یاورانش را نیز یاری کن ، و خوار گردان هر که دست خاذلیه ، وَ اقْصِمْ قاصِمِيهِ وَ اقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ ، از یاری اش بردارد ، و درهم شکن شکننده اش را و بشکن بدست او قدرت و شوکت کافران را وَ اقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ وَ الْمُنَافِقِينَ ، وَ جَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ ، و آنان را بدست آن حضرت به خاک هلاکت افکن و هم چنین منافقان و همه بی دینان حَيْثُ كَانُوا مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا ، بَرِّهَا ستیزه جو را در هر جا هستند از خاورهای زمین و باخترهای آن چه در خشکی وَ بَحْرِهَا ، وَ امْلَأْ بِهِ الْأَرْضَ عَدْلًا ، وَ اظْهَرْ بِهِ دِينَ وَ چِه در دریا، و پرکن بوسیله او زمین را از عدل و داد و آشکار (یا پیروز) کن بوسیله اش دین نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ . وَ اجْعَلْنِي اللَّهُمَّ مِنْ پیامبرت را - که درود خداوند بر او و آلش باد - ، و قرار ده خدایا مرا نیز از اَنْصَارِهِ وَ اَعْوَانِهِ ، وَ اَتْبَاعِهِ وَ شَيْعَتِهِ . وَ اَرِنِي فِي يَارَانِ وَ كَمَكِ كَارَانِ وَ پيروان و شیعیانش و به من بنما در مورد آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ ، وَ فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ السَّلَامِ آنچه را آرزو داشتند و در مورد عِدُوِّهِمْ مَا يَحْذَرُونَ ، اِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ يَا ذَا الْجَلَالِ دشمنشان آنچه از آن می ترسند ، مستجاب

گردان ای معبود حق و ای صاحب جلالت و الإکرام ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ.

و بزرگواری ای مهربان ترین مهربانان.

## زیارت امین الله

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ ، وَ حُجَّتَهُ دَرُودٌ بِرِئَاسَةِ تُوِّ أَمَانَتِ دَارِ خُدا فِي زَمِينِ أُو ، وَ حُجَّتِشَ عَلَي عِبَادِهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ ، بِرِئَاسَةِ بِنْدِگَانِ أُو ، دَرُودٌ بِرِئَاسَةِ أَمِيرِ مُؤْمِنَانِ ، أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهِدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ ، وَ عَمِلْتَ گَوَاهِي مِي دَهْمِ كِه تُو دَرِ رَاهِ خُدا جِهَادِ كَرْدِي آن طُورِ كِه بَايِدُ ، وَ رِفْتَارِ كَرْدِي بِكِتَابِهِ ، وَ اتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، بِه كِتَابِ خُدا (قرآن) ، وَ پيروِي كَرْدِي از سُنَنِ هَايِ پيامبرش - كِه دَرُودِ خُدا بِرِئَاسَةِ أُو وَ آلسِ بَادِ - ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ ، فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ ، تَا اَيْنَكِه خُداوند تُو را بِه جِوَارِ خويش دَعَوْتِ فَرَمُودُ ، وَ بِه اخْتِيَارِ خُودِش جَانَتِ رَا قَبْضَ نَمُودُ ، وَ الزَّمَ اَعْيَادَكَ الْحُجَّةَ مَعَ مَا لَمْ يَكَمْ مِنَ الْحُجَجِ وَ مَلْزَمَ كَرْدِ دَشْمَنَانَتِ رَا بِدَلِيلِ وَ بَرَهَانِ از حُجَّتِ هَايِ الْبَالِغَةِ عَلَي جَمِيعِ خَلْقِهِ . اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي رِسَالِي دِيگَرِي كِه بِه تُو بُوْدِ بِرِئَاسَةِ خُودِ . خُدايَا قَرَارِ دِه نَفْسِ مِرَا مُطْمَئِنِّتَهُ بِقَدْرِكَ ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ آرَامِ بِه تَقْدِيرِ ، وَ خُوشنُودِ بِه قَضَايَتِ ، وَ حَرِيصِ بِه ذِكْرِ وَ دُعَائِكَ ، مُجِبَّةً لِصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ ، مَحْبُوبَةً فِي دَعَايَتِ ، وَ دُوسْتَدَارِ بِرِگَزِيدگانِ دُوسْتَانَتِ ، وَ مَحْبُوبِ دَرِ اَرْضِكَ وَ سَمَائِكَ ، صَابِرَةً عَلَي نَزُولِ بَلَائِكَ ، زَمِينِ وَ آسْمَانَتِ ، وَ شَكِيْبَا دَرِ مَوْرِدِ نَزُولِ بَلَايَتِ ، شَاكِرَةً

لِفَوَاضِلِ نِعْمَاتِكَ ، ذَاكِرَةً لِّسَوَابِغِ آلَائِكَ ، وَ سِپَاسِ كَرَامَتِ هَی فِرُونَتِ ، وَ یَادِ كِنْدَه عَطَايَا فِرَاوَانَتِ ، مُشْتَاقَةً إِلَى فِرْزَحِهِ لِقَائِكَ ، مُتَرَوِّدَةً التَّقْوَى لِيَوْمِ وَ مُشْتَاقَةً بِه شَاد كِشْتَن دِيدَارَتِ ، وَ تَوْشَه كِیِر پَرهیز كَارِی بَرَا ی رُوز جَزَائِكَ ، مُسْتَتِنَةً بِسُنَنِ أَوْلِيَآئِكَ ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ پَادَاشْتِ ، وَ پِیروى كِنْدَه رُوش هَاى دُوسْتَانَتِ ، وَ دُورِی كِزینْدَه اخْلَاقِ أَعْيِدَائِكَ ، مُشْغُولَةً عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَ ثَنَائِكَ .

دشمنانت ، و سرگرم از دنیا به ستایش و ثنایت. پس پهلوی خود را بر قبر گذاشت و گفت: اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوْبَ خدایا به راستی دل های الْمُحْتَبِينَ إِلَيْكَ وَاللّٰهُ ، وَ سُبُلَ الرَّاغِبِينَ إِلَيْكَ فِرُوتَنان در گاهت به سوی تو حیران است ، و راه های مُشْتَاقَانِ به جانب تو شَارِعَهُ ، وَ أَعْلَامَ الْقَاصِدِينَ إِلَيْكَ وَاضِحَةً ، وَ أَفْنِدَةَ بَازِ اسْتِ ، وَ نِشَانَه هَاى قَاصِدَانِ كُویْتِ أَشْكَارِ وَ نَمَايَانِ اسْتِ ، وَ قَلْبِ هَاى الْعَارِفِينَ مِنْكَ فَازِعَهُ ، وَ أَصْوَاتِ الدَّاعِينَ إِلَيْكَ عَارِفَانِ از تو ترسان است ، و صداهای خوانندگان به طرف تو صَاعِدَةً ، وَ أَبْوَابِ الْإِجَابَةِ لَهُمْ مُفْتَحَةً ، وَ دَعْوَةَ مَنْ بَلَدِ ، وَ دِرَهَاى اِجَابَتِ به رویشان باز است ، و دعای آن كَسِ كِه نَاجَاكُ مُسْتَجَابَةً ، وَ تَوْبَةَ مَنْ أَنْابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةً ، با تو راز گوید مستجاب است ، و توبه آن كَسِ كِه به درگاه تو باز گردد پذیرفته است ، وَ عَبْرَةَ مَنْ بَكَى مِنْ خَوْفِكَ مَرْحُومَةً ، وَ الْإِعَانَةَ وَ اشك دیده آن كَسِ كِه از خوف تو گرید مورد رحم و مهر است ، و فریادرسى لِمَنْ اسْتَعَاثَ بِكَ مَوْجُودَةً ، وَ الْإِعَانَةَ لِمَنْ اسْتَعَانَ تو برای كَسِ كِه

به تو استغاثه کند آماده است ، و کمک کاری ات برای آن که از تو کمک بِکَ مَبْدُؤَلَهُ ، وَ عِدَاتِكَ لِعِبَادِكَ مُنَجَزَةٌ ، وَ زَلَّلَ مَنْ خَوَاهِدَ رَايْكَانَ اسْت ، وَ وَعِدَهُ هَائِي كِه بَه بِنْدِگَانَتِ دَادِي وَفَائِشِ حَتْمِي اسْت ، وَ لَغْزَشِ كَسِي كِه اسْتِيقَالَكَ مُقَالَهٔ ، وَ اَعْمَالِ الْعَامِلِينَ لَمَدِيكَ مَحْفُوظَةٌ ، از تو پوزش طلبد بخشوده اسْت ، وَ كَارِهَائِي اَنَانِ كِه بَرَايِ تُو كَارِ كَنَنْدِ دَرِ نَزْدِ تُو مَحْفُوظِ اسْت ، وَ اَرْزَاقَكَ اِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ نَازِلَةٌ ، وَ عَوَائِدُ وَ رُوزِي هَائِي كِه بَه اَفْرِيْدِگَانَتِ دِهِي اَزِ نَزْدَتِ رِيْزَانِ اسْت ، وَ بَهْرَه هَائِي الْمَزِيْدِ اِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ ، وَ ذُنُوبِ الْمُسِيْتِغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ ، بِيْشْتَرِي هَم بَه سُوِيْشَانِ مِي رَسْدِ ، وَ گَنَاهِ اَمْرُزَشِ خَوَاهَانِ (از تو) اَمْرُزِيْدَه اسْت ، وَ حَوَائِجِ خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَةٌ ، وَ جَوَائِزُ السَّائِلِينَ وَ حَاجَتِ هَائِي اَفْرِيْدِگَانَتِ نَزْدِ تُو رُوَا شْدَه اسْت ، وَ جَائِزَه هَائِي سَائِلَانِ عِنْدَكَ مُؤَفَّرَةٌ ، وَ عَوَائِدُ الْمَزِيْدِ مُتَوَاتِرَةٌ ، وَ مَوَائِدُ دَرِ پِيْشِ تُو شَائِيَانِ وَ وَاْفَرِ اسْت ، وَ بَهْرَه هَائِي فِرُوْنِ پِيْاِي اسْت ، وَ خَوَانِ هَائِي اِحْسَانِ تُو الْمُسِيْتَطْعِمِينَ مَعِيْدَةٌ ، وَ مَنَاهِلُ الظَّمَاءِ مُتْرَعَةٌ . اَللّٰهُمَّ بَرَايِ طَعَامِ خَوَاهَانِ اَمَادَه اسْت ، وَ حَوْضِ هَائِي اَبِ بَرَايِ تَشْنِگَانِ لَبْرِيْزِ اسْت . خَدَايَا ! فَاسْتَجِبْ دُعَائِي ، وَ اَقْبَلْ ثَنَائِي ، وَ اَجْمَعْ بَيْنِي وَ بَيْنَ پَسِ دَعَائِمِ رَا مُسْتَجَابِ كُن ، وَ بِيْذِيْرِ مَدْحِ وَ ثَنَائِمِ رَا ، وَ كَرْدِ اَوْرِ مِيْاَنِ مِنْ اَوْلِيَائِي ، بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ دُوسْتَانِمِ ، بَه حَقِّ مُحَمَّدِ وَ عَلِيٍّ وَ فَاطِمَه وَ حَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ، اِنَّكَ وَّلِيٌّ نَعْمَائِي ، وَ مُنْتَهَى مُنَايِ ، وَ حَسِيْنِ ، كِه هَمَانَا تُوِيْبِي صَاحِبِ نَعْمَتِ هَائِمِ ، وَ مَنْتَهَائِي

آرزویم ، وَ غَايَهُ رَجَائِي فِي مُنْقَلَبِي وَ مَثْوَايَ .

و سرحدّ نهایی تکیه گاه و بازگشت گاه و اقامت گاهم . در کامل الزیاره آمده است که بگویند: أَنْتَ إِلَهِي وَ سَيِّدِي تَوْبِي مَعْبُود وَ آقَا وَ مَوْلَايَ ! اِغْفِرْ لِأَوْلِيَائِنَا ، وَ كُفِّ عَنَّا أَعْدَاءَنَا ، وَ مَوْلَايَ مِنْ ! بیامرز دوستان ما را ، و باز دار از ما دشمنانمان را ، وَ اشْعَلْهُمْ عَنِّ أَذَانَا ، وَ أَظْهِرْ كَلِمَةَ الْحَقِّ وَ اجْعَلْهَا وَ سِرْگَرْمَشَانِ كُنْ مِنْ آذَارِ مَا ، وَ آشکار کن گفتار حق را و آن را قرار ده العُلْيَا ، وَ اَدْحِضْ كَلِمَةَ الْبَاطِلِ وَ اجْعَلْهَا السُّفْلَى ، برتر ، و از میان ببر گفتار باطل را و آن را پست گردان ، اِنَّكَ عَلَي كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ .

که به راستی تو بر هر چیز توانایی .

## زیارت عاشورا

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ دُرُودِ بَرِّ تَوَايِ ابَاعَبْدِ اللَّهِ ، دُرُودِ بَرِّ تَوَايِ فَرْزَنْدِ رَسُولِ اللَّهِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ رَسُولِ خُودَا ، دُرُودِ بَرِّ تَوَايِ فَرْزَنْدِ أَمِيرِ مُؤْمِنَانِ وَ ابْنِ سَيِّدِ الْوَصِيَّيْنِ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ وَ فَرْزَنْدِ سُرُورِ بَرِّ كَزِيدِ گَانِ ، دُرُودِ بَرِّ تَوَايِ فَرْزَنْدِ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ بَانُوِي زَنَانِ جِهَانِيَانِ ، دُرُودِ بَرِّ تَوَايِ آنِ كِه خُودَا خُونِخَوَاهِي اَش كَنْدِ وَ ابْنَ ثَارِهِ وَ الْوِثَرَ الْمُؤْتُورَ ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَ عَلَي وَ فَرْزَنْدِ چنين كَسِي ، وَ اِي كَشْتِه اِي كِه اِنْتِقَامِ خُونْتِ كَرْفْتِه نَشْدِه ، دُرُودِ بَرِّ تَوَايِ بَرِ الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ ، عَلَيْنَا مِنْ جَمِيعِ رَوَانِ هَايِي كِه سِرْ سِرْدَنْدِ بِه آسْتَانْتِ ، بَرِ هَمِه شَمَا اَز جَانِبِ مَنْ

سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ ، سَلَامُ خِدا بَادِ هَمِيْشِه ، تا من زنده ام و شب و روز برقرار است . يا اَبَاعَبِدِ اللَّهِ ! لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ اِي اِبَاعَبِدِ اللَّهِ ! چه بسيار بزرگ است سوگواری تو ، و گران و سنگین است الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَ عَلَي جَمِيعِ اَهْلِ الْاِسْلَامِ ، مصیبت تو بر ما و بر همه پیروان اسلام ، وَ جَلَّتْ وَ عَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ فِي السَّمَاوَاتِ عَلَي و گران و سنگین است مصیبت تو در آسمان ها بر جَمِيعِ اَهْلِ السَّمَاوَاتِ ، فَلَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً اَسَّسَتْ هَمِه اهل آسمان ها ، پس خدا لعنت کند مردمی را که برپا داشتند اَسَاسَ الظُّلْمِ وَ الْجَوْرِ عَلَيكُمْ اَهْلَ الْبَيْتِ ، وَ لَعَنَ شالوده و بنای ستم و بیدادگری را بر شما خاندان پیامبر ، و لعنت کند اللَّهُ اُمَّةً دَفَعَتْكُمْ عَن مَقَامِكُمْ ، وَ اَزَالَتْكُمْ عَن خِدا مردمی را که کنار زدند شما را از مقام مخصوصتان ، و دور کردند شما را از مَرَاتِبِكُمُ الَّتِي رَبَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا ، وَ لَعَنَ اللَّهُ اُمَّةً اَنْ مرتبه هایی که خداوند آن رتبه ها را به شما داده بود ، و خدا لعنت کند مردمی که قَتَلْتَكُمْ ، وَ لَعَنَ اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مِنْ شما را کشتند ، و خدا لعنت کند آنان که وسایل جنگ بر شما را فراهم کردند برای قِتَالِكُمْ ، بَرِئْتُ اِلَى اللَّهِ وَ اِلَيْكُمْ مِنْهُمْ وَ مَنْ كَشَنَدْكَانَ شما . من بیزاری می جویم به سوی خدا و به سوی شما از آنان و از اَشْيَاعِهِمْ وَ اَتْبَاعِهِمْ وَ اَوْلِيَاءِهِمْ . يا اَبَاعَبِدِ اللَّهِ ! اِنِّي پيروان

و دنبال روندگانشان و دوستانشان . ای اباعبدالله ! من سَلِّمْ لِمَنْ سَأَلَكَمَّكَمْ وَ حَزْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى يَوْمٍ فِي صَلْحٍ بَا هِرْكَهَ بَا  
شما در صلح است و در جنگم با هر که با شما در جنگ است تا روز القیامه ، وَ لَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ ، وَ لَعَنَ اللَّهُ  
قیامت ، و خدا لعنت کند خاندان زیاد و خاندان مروان را ، و خدا لعنت کند بِنِي أُمِّيَّةَ قَاطِبَةَ ، وَ لَعَنَ اللَّهُ ابْنَ مَرْجَانَةَ ، وَ لَعَنَ اللَّهُ  
بنی امیه را همگی ، و خدا لعنت کند فرزند مرجانه (ابن زیاد) را ، و خدا لعنت کند عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ ، وَ لَعَنَ اللَّهُ شَمْرًا ، وَ لَعَنَ اللَّهُ  
أُمَّهُ عَمْرَ بْنَ سَعْدٍ ، و خدا لعنت کند شمر را ، و خدا لعنت کند مردمی را که أَسِيرَجَتْ وَ أَلْجَمَتْ وَ تَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ . بِأَبِي أَنْتَ  
اسب ها را زین کردند و دهنه زدند و به راه افتادند برای پیکار با تو ، پدر و مادرم و اُمِّي ، لَقَدْ عَظُمَ مُصَابِي بِكَ ، فَاسْتَيْئَلَ اللَّهُ  
الَّذِي بِهِ فِدَايْتُ ! به راستی بزرگ است مصیبت من به خاطر تو ، پس می خواهم از آن خدایی که أَكْرَمَ مَقَامَكَ وَ أَكْرَمَنِي بِكَ  
أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ گرامی داشت مقام تو را و گرامی داشت مرا به خاطر تو ، که روزی ام گرداند خونخواهی تو را مَعَ إِمَامٍ  
مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ . اللَّهُمَّ  
اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا بِالْحُسَيْنِ بَرَاوِ وَ آلِهِ



باد - . خدایا قرار ده مرا نزد خودت آبرومند به وسیله حسین عَلَیْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ . يَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ ! اِنِّي - درود خدا بر او باد - در دنیا و آخرت . ای اباعبدالله ! من اَتَقَرَّبُ اِلَى اللّٰهِ وَ اِلَى رَسُوْلِهِ وَ اِلَى اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ تَقَرَّبَ مِي جُوِيْمَ بِيهِ دَرِگَاةِ خُدَا وَ پِيْشگَاةِ رَسُوْلِش وَ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ اِلَى فَاطِمَةَ وَ اِلَى الْحَسَنِ وَ اِلَيْكَ بِمُوَالَاةِكَ . وَ فَاطِمَةَ وَ حَسَنَ وَ شَمَا بِيهِ وَسِيْلَةَ دُوْستِي اَتَ ، وَ بِالْبِرَاءَةِ مِمَّنْ اَسَسَ اَسَاسَ ذَلِكُ ، وَ بَنِي عَلِيٍّ وَ بِيهِ وَسِيْلَةَ بِيْزَارِي جِسْتَنِ اَز كَسِي كِي پِي رِيْزِي كَرْد شَالُوْدَه اِيْن كَار رَا ، وَ پَايَه گِذَارِي كَرْد بَر اَن بُنِيَانَهُ ، وَ جَرِي فِي ظُلْمِهِ وَ حِيُوْرِهِ عَلَيْكُمْ وَ عَلِي بِنِيَانِش رَا ، وَ دَنِبَال كَرْد ظَلَمَ وَ سَتْمِش رَا بَر شَمَا وَ بَر اَشْيَاعِكُمْ . بَرِيْتُ اِلَى اللّٰهِ وَ اِلَيْكُمْ مِنْهُمْ ، وَ اَتَقَرَّبُ بِرُوَانِ شَمَا . بِيْزَارِي مِي جُوِيْمَ بِيهِ دَرِگَاةِ خُدَا وَ پِيْشگَاةِ شَمَا اَز اِيْشَان ، وَ تَقَرَّبَ مِي جُوِيْمَ اِلَى اللّٰهِ ثُمَّ اِلَيْكُمْ بِمُوَالَاةِكُمْ وَ مُوَالَاةِ وَلِيْكُمْ ، بِيهِ سُوِي خُدَا سِپِيْسَ بِيهِ سُوِي شَمَا بِيهِ وَسِيْلَةَ دُوْستِي تَان وَ دُوْستِي دُوْستَانْتَان ، وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ اَعْدَائِكُمْ وَ النَّاصِيْبِيْنَ لَكُمْ الْحَرْبِ ، وَ بِيهِ بِيْزَارِي جِسْتَنِ اَز دِشْمَانْتَان وَ بَرِيَا كِنْدِگَان (وَ آتِش اَفْرُوْزَان) جَنگَ بَا شَمَا ، وَ بِالْبِرَاءَةِ مِنْ اَشْيَاعِهِمْ وَ اَتْبَاعِهِمْ . اِنِّي سَلَمْتُ لِمَنْ وَ بِيهِ بِيْزَارِي جِسْتَنِ اَز يَارَانِ وَ پِيْرُوَانِشَان ، مَنْ دَر صَلْحَمَ بَا هِرَكِهَ بَا شَمَا دَر صَلْحِ اسْتِ سَالَمْتَكُمْ وَ حَرْبُ لِمَنْ حَارَبَكُمْ ، وَ وَلِيْتُ لِمَنْ وَالَاكُمْ وَ دَر جَنگَمَ بَا هِرَكِهَ بَا شَمَا

در جنگ است ، و دوستم با هر که شما را دوست دارد ، وَ عَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ ، فَاسْئَلُ اللَّهَ الَّذِي اَكْرَمَنِي و دشمنم با هر که شما را دشمن دارد ، پس درخواست می کنم از خدایی که مرا گرامی داشت بِمَعْرِفَتِكُمْ وَ مَعْرِفَةِ اَوْلِيَاءِكُمْ ، وَ رَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ به وسیله معرفت شما و معرفت دوستانتان ، و روزی ام کرد بیزاری جستن از اَعْيِدْ اَيْكُمْ ، اَنْ يَجْعَلَنِي مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ ، دشمنانتان را ، به اینکه قرار دهد مرا همراه شما در دنیا و آخرت ، وَ اَنْ يُثَبِّتَ لِي عِنْدَكُمْ قَدَمَ صِدْقٍ فِي الدُّنْيَا و مقرر فرماید برای من در پیش شما درستی و ثابت قدمی را در دنیا وَ الْآخِرَةِ ، وَ اَسْئَلُهُ اَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ و آخرت ، و از او می خواهم که برساند مرا به مقام پسندیده لَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ ، وَ اَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكُمْ مَعَ اِمَامِ شِمَا در پیش خدا ، و روزی ام کند خونخواهی شما را با پیشوای هِدْيَ ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ ، وَ اَسْئَلُ اللَّهَ بِحَقِّكُمْ رَاهِنَمَائِ اَشْكَارٍ و گویای به حق که از شما (خاندان) است ، و از خدا می خواهم به حق شما وَ بِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ ، اَنْ يُعْطِنِي بِمُصَابِي و بدان منزلتی که شما نزد او دارید ، که عطا کند به من به جهت مصیبتی که از ناحیه بَكُمْ اَفْضَلَ مَا يُعْطَى مُصَابًا بِمُصَابِيَّتِهِ ، مُصَابِيَّتُهُ مَا شِمَا به من رسیده بهترین پاداشی را که می دهد به یک مصیبت زده در برابر مصیبتی که دیده ، اَعْظَمَهَا وَ اَعْظَمَ رَزِيَّتَهَا فِي الْاِسْلَامِ وَ فِي جَمِيعِ به راستی چه مصیبت بزرگ و

چه داغ گرانی است در اسلام و در تمام السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ . اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي آسْمَانِهَا وَ زَمِينِ . خدایا قرار ده مرا در جایگاهم هذا مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صِلَوَاتٌ وَ رَحْمَةٌ وَ مَغْفِرَةٌ . از کسانی باشم که از جانب تو درود و رحمت و آمرزش شامل حال آنها شده است . اللَّهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ خدایا قرار ده زندگی ام را زندگی محمد و آل محمد ، وَ مَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ . اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا وَ مَرگم را مرگ محمد و آل محمد . خدایا این روز یَوْمَ تَبَرَّكَتَ بِهِ بُنُوآمِيَّتِهِ وَ ابْنُ آكِلِهِ الْأَكْبَادِ ، اللَّعِينُ روزی است که مبارک دانستند آن را بنی امیه و پسر آن زن جگرخوار (معاویه) ، آن ملعون ابْنُ اللَّعِينِ عَلِي لِسَانِكَ وَ لِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله ، فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَ مَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ بِرَأْسِ بَادٍ ، در هر جا و هر مکانی که توقف کرد در آن مکان نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله . اللَّهُمَّ الْعَنْ أَبَا سَفِيَانَ پیامبرت - که درود خدا بر او و آتش باد - . خدایا لعنت کن ابوسفیان وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ بَنَ مُعَاوِيَةَ ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ اللَّعْنَةُ وَ مُعَاوِيَةَ وَ يَزِيدَ پسر معاویه را ، که لعنت بر ایشان باد از جانب تو أَبَدَ الْأَبْدِينَ ، وَ هَذَا يَوْمٌ فَرِحَتْ بِهِ آلُ زِيَادٍ برای همیشه ، و این روز روزی است که شادمان شدند به این روز دودمان

زیاد وَ آلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ . وَ دودمان مروان به خاطر کشتن حضرت حسین - که درود خدا بر او باد - .  
اللَّهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمُ اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ الْأَلِيمَ . خدایا ! پس چندین برابر کن بر آنها لعنت خود و عذاب دردناک را . اللَّهُمَّ  
إِنِّي أَتَقَرَّبُ إِلَيْكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ وَفِي مَوْقِفِي خَدَايَا ! من تقرب می جویم به سوی تو در این روز و در این جایی که هذا وَ أَيَّامِ  
حیاتِی ، بِالْبِرَاءَةِ مِنْهُمْ وَ اللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ ، هستم و در تمام دوران زندگی ام ، به بیزاری جستن از اینها و لعنت فرستادن بر ایشان ،  
وَ بِالْمُؤَالَاهِ لِنَبِيِّكَ وَ آلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ . و به وسیله دوست داشتن پیامبرت و خاندان پیامبرت که درود خدا بر او و بر  
ایشان باد پس صد مرتبه می گویی: اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ خَدَايَا ! لعنت کن نخستین ستمگری را که به زور گرفت حق  
مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ آخِرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلَّتِكَ . اللَّهُمَّ مُحَمَّدٌ وَ خاندان محمد را ، تا آخرین کسی که او را در این زور و ستم  
پیروی کرد . خدایا ! الْعَنْ الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ . وَ شَايَعَتْ لَعْنَتَ كُنْ بِرِگروهی که پیکار کردند با حسین ، و همراهی  
کردند وَ بَايَعَتْ وَ تَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ . اللَّهُمَّ الْعَنْهُمْ جَمِيعًا .

و پیمان بستند و از هم پیروی کردند برای کشتن آن حضرت . خدایا لعنت کن همه آنها را . پس صد مرتبه می گویی: السَّلَامُ  
عَلَيْكَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ درود بر تو ای ابا عبد الله ! وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ ، عَلَيْكَ مِنِّي وَ

بر روان هایی که سر سپردند به آستانت ، بر تو از جانب من سَلامُ اللَّهِ اَبداً ما بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ ، درود خدا باد همیشه ، تا من زنده ام و تا شب و روز برقرار است ، وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ . اَلسَّلَامُ وَ قرار ندهد خداوند این زیارت را آخرین زیارت من از شما . درود عَلَي الْحُسَيْنِ وَ عَلَي عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ ، وَ عَلَي بر حسین و بر علی فرزند حسین ، و بر اولادِ الْحُسَيْنِ ، وَ عَلَي اصْحَابِ الْحُسَيْنِ .

دیگر فرزندان حسین . و بر اصحاب و یاران حسین . پس می گویی: اَللَّهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ بِاللَّعْنِ مِنِّي خدایا ! مخصوص گردان نخستین ستمگر را به نفرین من وَ اَبِداً بِهِ اَوَّلًا-، ثُمَّ الثَّانِي وَ الثَّالِثِ وَ الرَّابِعِ . اَللَّهُمَّ وَ آغاز کن بدان نفرین ، اولی را ، سپس دومی و سومی و چهارمی را . خدایا اَلْعَنْ يَزِيدَ خَامِساً ، وَ اَلْعَنْ عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَ ابْنَ لَعْنَتِ كُن يَزِيدَ را در مرتبه پنجم ، و لعنت کن عبیدالله پسر زیاد و پسر مَرْجَانَه ، وَ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ وَ شَمْرًا ، وَ آلَ اَبِي سَفِيَانَ مَرَجَانَه را ، و عمر پسر سعد و شمر را ، و دودمان ابوسفیان را ، وَ آلَ زِيَادٍ وَ آلَ مَرْوَانَ اِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ .

و دودمان زیاد و دودمان مروان را تا روز قیامت . پس به سجده می روی و می گویی: اَللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمِيدَ خدایا ! تو را سپاس می گویم همانند سپاس الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَي مُصَابِهِمْ . الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَي شُكْرِ كَزَارَاتِ كِه در برابر مصیبت

خدا را ستایش می کنند . ستایش خدا را بر عَظِيمِ رَزِيَّتِي . اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ الْحُسَيْنِ بِبِرِّكَ بِيْزِيَّتِي . خدا یا روزی ام گردان شفاعت حسین را یَوْمَ الْوُرُودِ ، وَ تَبَّتْ لِيْ قَدَمٌ صِدْقٍ عِنْدَكَ مَعَ در روز ورود (به صحرای قیامت) ، و ثابت بدار گام راستینم را در نزد خودت با الْحُسَيْنِ وَ اصْحَابِ الْحُسَيْنِ ، الَّذِينَ يَدُلُّوْا مَهْجَهُمْ حُسَيْنِ وَ یاران حسین ، آنان که بی دریغ فدا کردند جان خود را دُونَ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ . سپس دعای علقمه را بخواند:

در راه حسین - که درود خدا بر او باد - .

### دعای علقمه

یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ یا اَللّٰهُ ! یا مُجِيبَ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ ای خدا ای خدا ای خدا ! ای اجابت کننده دعای درماندگان یا کاشفِ کُرْبِ الْمَكْرُوْبِيْنَ ! یا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ ! ای برطرف کننده گرفتاری گرفتاران ! ای فریادرس فریادخواهان ! یا صَرِيْحَ الْمُسْتَضْرِحِيْنَ ! وَ یا مَنْ هُوَ اَقْرَبُ اِلَيَّ ای دادرس دادخواهان ! و ای کسی که نزدیک تر است به من مِنْ حَبْلِ الْوَرِيْدِ ، یا مَنْ يَحُوْلُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ ، از رگ گردن ، ای کسی که فاصله می شود میان انسان و دلش ، یا مَنْ هُوَ بِالْمَنْظَرِ الْاَعْلٰی وَ بِالْاَفْقِ الْمُبِيْنِ ، ای کسی که (از حیث ظهور) در دیدگاه اعلی و افق آشکاری هستی ، یا مَنْ هُوَ الرَّحْمٰنُ الرَّحِيْمُ عَلٰی الْعَرْشِ اسْتَوٰی ، ای کسی که بخشاینده و مهربان هستی و بر عرش (عظمت و کشور وجود) استیلا- داری ، یا مَنْ يَغْلَمُ خَائِنَةَ الْاَعْيُنِ وَ مَا تُخْفِي الصُّدُوْرُ ، ای کسی که می دانی خیانت چشمان و آنچه را سینه ها پنهان کنند ، یا

مَنْ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ خَافِيَةٌ ، يَا مَنْ لَا تَشْتَبِيهِ عَلَيْهِ أَي كَسِي كَه مَخْفِي نِيَسْت بَرِ اَو اَمْر پَنَهَان وَ پُوشِيْدَه اِي ، اِي كَسِي كَه بَرِ اَو مَشْتَبِه نَشُودِ الْاَصْوَاتُ ، يَا مَنْ لَا تُغْلَطُهُ الْحَاجَاتُ ، وَ يَا مَنْ صَدَاها ، اِي كَسِي كَه حَاجَتِ ها اَو رَا بَه غَلَطِ وَ اَشْتَبَاهِ نِينْدَاذِد ، وَ اِي كَسِي كَه لَا- يُبْرِمُهُ الْإِحَاحُ الْمَلْحِيْنَ ، يَا مُدْرِكَ كُلِّ فَوْتٍ ، وَ يَا اَو رَا بَه سِتُوَه نِيَاوَرِدِ پَاْفَشَارِي اَصْرَارُورْزَان ، اِي دَرِكْ كَنَنْدَه هِرْ چَه اَز دَسْت رُود ، وَ اِي جَامِعَ كُلِّ شَمَلٍ ، وَ يَا بَارِيَّ الْنُفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ ، گَرْدَاوَرَنْدَه هِرْ پَرَاكَنْدَه ، وَ اِي پَدِيدِ آوَرَنْدَه جَانِ ها پَسِ اَز مَرِكْ ، يَا مَنْ هُوَ كُلُّ يَوْمٍ فِي شَأْنٍ ، يَا قَاضِيَّ الْحَاجَاتِ ، اِي كَسِي كَه اَو هِرْ رُوزِ دَرِ كَارِي اَسْتِ يَا دَرِ هِرْ چِيْزِ تَجَلِّي وَ ظَهُورِي دَارِد ، اِي بَرِ آوَرَنْدَه حَاجَاتِ ، يَا مُنْفَسَ الْكُرْبَاتِ ، يَا مُعْطِيَّ السُّؤْلَاتِ ، يَا وَلِيَّ اِي بَرِ طَرَفِ كَنَنْدَه گَرَفْتَارِي ها ، اِي عَطَا كَنَنْدَه خُوَاسْتَه ها ، اِي دَارَنْدَه الرِّغْبَاتِ ، يَا كَافِيَّ الْمُهْمَاتِ ، يَا مَنْ يَكْفِي مِنْ كُلِّ هِرْ چَه مُورِدِ رَغْبَتِ وَ اَشْتِيَاقِ اَسْت ، اِي كَفَايَتِ كَنَنْدَه هِرْ مَهْمِ ، اِي كَسِي كَه كَفَايَتِ كَنْدِ هِرْ شَيْءٍ ءِ وَ لَا- يَكْفِي مِنْهُ شَيْءٌ ءِ فِي السَّمَاوَاتِ چِيْزِي رَا وَ كَفَايَتِ نَكَنْدِ اَزِ اَو چِيْزِي دَرِ اَسْمَانِ ها وَ الْاَرْضِ ، اَسْمُوكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ زَمِيْنِ ، اَزِ تُو مِي خُوَاهِمِ بَه حَقِّ مُحَمَّدِ اَخْرِيْنِ فَرَسْتَاذِگَانِ وَ عَلِيٍّ ءِ اَمِيْرِ الْمُؤْمِنِيْنَ ، وَ بِحَقِّ فَاطِمَةَ بِنْتِ نَبِيِّكَ ، وَ بَه حَقِّ عَلِيٍّ اَمِيْرِ مُؤْمِنَانِ ، وَ بَه

حَقَّ فَاطِمَةَ دَخْتَرَ پيامبرت ، وَ بِحَقِّ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ ، فَإِنِّي بِهِمْ أَتَوَّجَّهُ إِلَيْكَ وَ بِهِ حَقَّ حَسَنِ وَ حَسِينِ ، هَمَانَا مِنْ بِهِ وَسِيلَهُ أَنهَارُ وَ  
مِي كُنْمُ بِهِ دَرِگَاهَتِ فِي مَقَامِي هَذَا ، وَ بِهِمْ أَتَوَسَّلُ وَ بِهِمْ أَتَشْفَعُ إِلَيْكَ ، دَرِ اَيْنِ جَايِگَاهِي كِه هَسْتَمُ ، وَ بِهِ أَنهَارُ تَوَسَّلُ مِي جَوِيمِ  
وَ أَنهَارُ رَا شَفِيعِ مِي گِيرَمُ بِهِ دَرِگَاهَتِ ، وَ بِحَقِّهِمْ أَسْئَلُكَ وَ أَقْسِمُ وَ أَعِزُّمُ عَلَيْكَ ، وَ بِاللَّشَّانِ وَ بِهِ حَقَّ ايشانِ اَز تُو مِي خَوَاهَمُ وَ  
سُو گَنْدِ مِي خُورَمُ وَ تُو رَا سُو گَنْدِ مِي دِهَمُ بَدَانِ مَنْزَلَتِي الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ ، وَ بِالْقَدْرِ الَّذِي لَهُمْ عِنْدَكَ ، كِه ايشانِ دَرِ پيشِ تُو  
دَارَنْدِ ، وَ بَدَانِ قَدْرِ وَ مَرْتَبَةِ اِي كِه نَزْدِ تُو دَارَنْدِ ، وَ بِالَّذِي فَضَّلْتَهُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ ، وَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَ بَدَانِجِه أَنهَارُ رَا بَرْتَرِي دَادِي  
بَرِ جِهَانِيَانِ ، وَ بَدَانِ نَامِي كِه جَعَلْتَهُ عِنْدَهُمْ ، وَ بِهِ خَصَّصْتَهُمْ دُونَ الْعَالَمِينَ ، دَرِ نَزْدِ ايشانِ گِذَارْدِي ، وَ تَنهَارُ اَنَانِ رَا اَز مِيانِ  
جِهَانِيَانِ بَدَانِ نَامِ مَخْصُوصِ دَاشْتِي ، وَ بِهِ أَبْتَتُهُمْ وَ أَبْنَتَ فَضْلُهُمْ مِنْ فَضْلِ الْعَالَمِينَ ، وَ بِهِ وَسِيلَهُ اَنَ اَشْكَارِ كَرْدِي بَرْتَرِي ايشانِ رَا  
بَرِ سَايِرِ جِهَانِيَانِ ، حَتَّى فَاقَ فَضْلُهُمْ فَضْلَ الْعَالَمِينَ جَمِيعاً ، اَسْئَلُكَ اَنْ تَا اَنجَا كِه فَاقَ اَمَدِ فَضِيلَتِ ايشانِ بَرِ فَضِيلَتِ تَمَامِ  
جِهَانِيَانِ ، اَز تُو مِي خَوَاهَمُ كِه تُصَلِّيَ عَلَيَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ تُكْشِفَ عَنِّي دَرُودَ فَرَسْتِي بَرِ مُحَمَّدِ وَ خَانْدَانِ مُحَمَّدِ ، وَ اَيْنِ  
كِه بَگِشَايِي اَز مَنْ عَمِّي وَ هَمِّي وَ كَرْبِي ، وَ تَكْفِينِي الْمُهَمَّ مِنْ اُمُورِي ،

غَضَه وَ اَنْدُوه وَ گِرْفَتَارِي اَمِ رَا ، وَ كِفَايَتِ كُنِي اَمُورِ



مهمه ام را ، وَتَقْضِيَ عَنِّي دَيْنِي ، وَتُجِيرَنِي مِنَ الْفَقْرِ ، وَتُجِيرَنِي وَبِرْدَازِي از من بدهی ام را ، و پناهم دهی از نداری ، و پناهم دهی

مِنَ الْفَاقَةِ ، وَتُعِينِنِي عَنِ الْمَسْئَلَةِ إِلَى الْمَخْلُوقِينَ ، از نیازمندی و گدایی ، و بی نیازم کنی از درخواست کردن از دیگران ، وَ تَكْفِينِي هَمَّ مَنْ أَخَافُ هَمَّهُ ، وَ عُسْرَ مَنْ أَخَافُ وَ كِفَايَتَ كُنِي مَرَا اَنْدَوَه كَسِي رَا كه مي ترسم از اندوهش ، و دشواری کار کسی را که می ترسم عُسْرَهُ ، وَ حُزُونََهُ مَنْ أَخَافُ حُزُونَتَهُ ، وَ شَدْرَ مَنْ از دشواری کارش ، و ناهمواری کار کسی را که نگرانم از ناهمواری کارش ، و گزند کسی را که أَخَافُ شَرَّهُ ، وَ مَكْرَ مَنْ أَخَافُ مَكْرَهُ ، وَ بَغْيَ مَنْ ترسانم از گزندش ، و مکر و حيله کسی را که ترس دارم از مکرش ، و ستم کسی را که أَخَافُ بَغْيَهُ ، وَ جَوْرَ مَنْ أَخَافُ جَوْرَهُ ، وَ سُلْطَانَ بِيْمَنَاكَم از ستمش ، و بيدادگری کسی را که واهمه دارم از بيدادگری اش ، و تسلط مَنْ أَخَافُ سُلْطَانَهُ ، وَ كَيْدَ مَنْ أَخَافُ كَيْدَهُ ، کسی را که می ترسم از سلطه اش ، و نقشه کشیدن کسی را که بيم دارم از نقشه های شومش ، وَ مَقْدَرَةَ مَنْ أَخَافُ مَقْدَرَتَهُ عَلَيَّ ، وَ تَرَدُّدَ عَنِّي كَيْدَ وَ قَدْرَتَ يَافْتَنَ كَسِي رَا كه از قدرتش بر خود ترسانم ، و بازگردان از من نقشه های شوم

الْكَيْدِ وَ مَكْرَ الْمَكْرِهِ . اَللّٰهُمَّ مَنْ اَرَادَنِي فَاْرِدْهُ ، بدانديشان و نيرنگ نيرنگ بازان را . خدايا هر كس قصد مرا دارد تو قصد او كن ،

وَمَنْ كَادَنِي فِكْدُهُ، وَاصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُ وَ مَكْرَهُ، وَ هِرْ كَه دَامِي سِرْ رَاهِمِ كَذَارِدَه تُو نِيْزِ بَا اُو چِنَان كُنْ، وَ بَگَرْدَانِ اَز مَن دَامِ وَ نِيْرِنَگَش رَا، وَ بِيْاَسَهُ وَ اَمَانِيَّتَهُ، وَ اَمْنَعِيْهُ عَنِّي كَيْفَ شِئْتِ وَ اَنْيَ وَ نِيْرُو وَ اَرْزُو هَايِش رَا، وَ بَا زِدَارِ اُو رَا اَز مَن بَه هِرْ گُوْنَه كَه خَوَاهِي وَ هِرْ جَا شِئْتِ . اَللّٰهُمَّ اشْغَلْهُ عَنِّي بِفَقْرٍ لَا تَجْبِرُهُ، وَ بِيْلَاءٍ كَه خَوَاهِي . خُدَايَا سِرْ گَرْمَش كُنْ اَز مَن بَه چِنَان فَقْرُو وَ بِيْچَا رَگِي كَه جِبْرَانِش نَكْنِي، وَ بَه بِلَايِي لَا تَسْتُرُهُ، وَ بِنَاقِهِ لَا تَسُدُّهَا، وَ بِيْسِقْمٍ لَا تُعَافِيْهِ، وَ ذُلٍّ كَه نِيْوَشَانِي اَشْ، وَ بَه نِيَا زِي كَه سَا مَانِش نَدَهِي، وَ بَه دَرْدِي كَه دَر مَانِش نَكْنِي، وَ بَه خَوَا رِي لَا تُعْزُهُ، وَ بِيْمَسِي كَنَّهُ لَا تَجْبِرُهَا. اَللّٰهُمَّ اضْرِبْ بِالذُّلِّ وَ ذَلَّتِي كَه عَزَّتْش نَدَهِي، وَ بَه چِنَان بِيْچَا رَگِي اِي كَه جِبْرَانِش نَكْنِي . خُدَايَا قَرَارِ دِه خَوَا رِي رَا نَضَبْ عَيْنِيْهِ، وَ اَدْخُلْ عَلَيْهِ الْفَقْرَ فِيْ مَنْزِلِهِ، وَ الْعِلَّةَ دَر بَرَابَرِ چِشْمَانِش، وَ دَاخِل كُنْ فَقْرُو وَ نَدَارِي رَا دَر خَا نَه اَشْ، وَ بِيْمَا رِي

وَ السُّقْمَ فِيْ بَدْنِهِ، حَتَّى تَشْغَلَهُ عَنِّي بِشُغْلٍ شَاغِلٍ وَ دَرْدٍ رَا دَر تَنْشِ، تَا سِرْ گَرْمَش كُنِي اَز مَن بَه سِرْ گَرْمِي مَشْغُوْل كُنْنِدِه اِي لَا فَرَاغَ لَهُ، وَ اَنْسَهُ ذِكْرِي كَمَا اَنْسَيْتَهُ ذِكْرَكَ، وَ خُذْ كَه فَرَاغْتِي نَدَا شْتَه بَا شُدْ، وَ مَرَا اَز يَادَش بَرِ چِنَان كَه (ذِكْر) خُوْدَت رَا اَز يَادِ اُو بَرْدِي، وَ بَرِ گِيْر عَنِّي بِسَمْعِهِ وَ بَصَرِهِ وَ لِسَانِهِ وَ يَدِهِ وَ رِجْلِهِ وَ قَلْبِهِ اَز مَن گُوْشِ وَ چِشْمِ

و زبان و دست و پا و دل و جمیع جوارحه ، و اَدْخَلَ عَلَيْهِ فِي جَمِيعِ ذَلِكْ و تمام اعضا و جوارحش را ، و گرفتار کن او را در تمام اعضا و جوارح السُّقْم ، و لا- تَشْفِيهِ حَتَّى تَجْعَلَ ذَلِكْ لَهُ شَاغِلًا- به به درد ، و آسوده اش نکن تا آن را برایش سرگرمی مشغول کننده ای بگردانی که عَنِّي وَ عَن ذِكْرِي ، و اَكْفِنِي يَا كَافِي مَا لَا يَكْفِي اِزْ مِنْ و از یاد من بیرون رود ، و کفایت کن ای کفایت کننده چیزی که کفایت نشود سِوَاكَ ، فَانْكَ الْكَافِي لَا كَافِي سِوَاكَ ، و مُفْرَجْ جِزْ تُو ، چون تویی کفایت کننده و کفایت کننده ای جز تو نیست ، و گشایش دهنده ای هستی

لا- مُفْرَجْ سِوَاكَ ، و مُغِيثٌ لا- مُغِيثٌ سِوَاكَ ، و جَارٌ كِهْ جِزْ تُو گشایش دهنده ای نیست ، و فریادرسی هستی که جز تو فریادرسی نیست ، و پناهی لا- جَارَ سِوَاكَ ، خَابَ مَنْ كَانَ جَارُهُ سِوَاكَ ، و مُغِيثُهُ هِستِي كِهْ جِزْ تُو پناهی نیست ، نو مید گردد کسی که پناهِش جِزْ تُو باشد ، و فریادرسش سِوَاكَ ، و مَفْزَعُهُ اِلی سِوَاكَ ، و مَهْرَبُهُ اِلی سِوَاكَ ، غیر تو باشد ، و پناه گاهش جِزْ دَرْگَاهْ تُو باشد ، و گریز گاهش به آستان غیر تو باشد ، و مَلْجَاؤُهُ اِلی غَيْرِكَ ، و مَنجَاهُ مِنْ مَخْلُوقٍ غَيْرِكَ ، و چشم امید به غیر از تو داشته باشد ، و نجات خود را از مخلوقی غیر از تو خواهد . فَانْتَ ثِقْنِي وَ رَجَائِي وَ مَفْزَعِي وَ مَهْرَبِي وَ مَلْجَائِي پَسْ تُوِي مورد اعتماد و

تکیه گاه و پناه گاه و گریزگاه و امید دهنده و منجای ، فَبِكَ اَسْتَفْتِحُ وَ بِكَ اَسْتَنْجِحُ ، وَ بِمُحَمَّدٍ وَ نَجَاتِ بَخْشِ مِنْ ، پس به تو گشایش می طلبم و به تو رستگاری می جویم ، و به وسیله محمد وَ آلِ مُحَمَّدٍ اَتَوَجَّهُ اِلَيْكَ وَ اَتَوَسَّلُ وَ اَتَشْفَعُ ، و خاندان محمد به درگاهت رو می کنم و توسل می جویم و شفیع می گیرم ،

فَاَسئَلُكَ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ ! فَلكَ الْحَمْدُ وَ لَكَ پس از تو می خواهم ای خدا ای خدا ای خدا ! از آن توسل ستایش و خاصّ توسل الشُّكْرِ ، وَ اِلَيْكَ الْمُسْتَكِي وَ اَنْتَ الْمُسْتَعَانُ ، سپاس گزاری ، و به درگاه توسل گلاویه ، و تویی که از تو یاری می جویند ، فَاَسئَلُكَ يَا اَللهُ يَا اَللهُ يَا اَللهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، از تو می خواهم ای خدا ای خدا ای خدا به حقّ محمد و خاندان محمد ، اَنْ تُصَلِّيَ عَلَي مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَنْ تُكْشِفَ که درود فرستی بر محمد و خاندان محمد ، و برطرف کنی عَنِّي غَمِّي وَ هَمِّي وَ كَرْبِي فِي مَقَامِي هَذَا ، كما از من غصّه و اندوه و گرفتاری ام را در این جایگاهم ، چنان که كَشَفْتَ عَنْ نَبِيِّكَ هَمَّهُ وَ غَمَّهُ وَ كَرْبَهُ ، وَ كَفَيْتَهُ هَوْلَ بِرطرف کردی از پیامبرت اندوه و غصّه و گرفتاری اش را ، و كَفَيْتَهُ هَوْلَ بِرطرف کردی از او هراس عَيْدُوهُ ، فَاكْشِفْ عَنِّي كما كَشَفْتَ عَنْهُ ، وَ فَرِّجْ عَنِّي دشمنش را ، پس برطرف کن از من چنان که برطرف کردی از او ، و بگشا از من

كما فَرَّجْتَ عَنْهُ ، وَ اكْفِنِي كما كَفَيْتَهُ ،

وَاضْرِبْ عَنِّي چنان که گشودی از او، و کفایت کن چنان که او را کفایت کردی، و بگردان از من هَوْلَ مَا أَخَافُ هَوْلَهُ، وَ  
مُؤُونَهُ مَا أَخَافُ مُؤُونَتَهُ، هراس آنچه را می ترسم از هراسش، و هزینه آنچه را می ترسم از هزینه اش، وَ هَمَّ مَا أَخَافُ هَمَّهُ،  
بلا-مُؤُونَهُ عَلَيَّ نَفْسِي و اندوه آنچه را که می ترسم از اندوهش، بی آنکه زحمتی به من برسد مِنْ ذَلِكَ، وَ اضْرِبْ فَنِي بِقَضَاءِ  
حَوَائِجِي وَ كِفَايَةِ اِز اَيْن نَاحِيَةِ، و بازگردان مرا با حاجات برآورده و کفایت ما اَهْمَنِي هَمُّهُ مِنْ اَمْرِ اٰخِرَتِي وَ دُنْيَايَ . آنچه  
اندوهش مرا فراگرفته از کار آخرت و دنیايم . يَا اَمِيْرَ الْمُؤْمِنِيْنَ يَا اَبَاعَبْدِاللّٰهِ عَلَيْكُمْ مَنِّي سَلَامٌ اَي امير مؤمنان و اى اباعبدالله!  
بر شما باد از جانب من درود الله اَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَ لَا جَعَلَهُ خدَا هَمِيْشِهٖ، تا من زنده ام و شب و روز برقرار  
است، و قرار ندهد

اللّٰهُ اٰخِرَ الْعَهْدِ مِنْ زِيَارَتِكُمْ، وَ لَا فَرْقَ اللّٰهُ بَيْنِي خدَاوند اَيْن زيارت مرا اٰخِرِيْنَ بار از زيارت شما دو بزرگوار، و جدا نکند  
خدَا ميان من وَ بَيْنَكُمْ . اللّٰهُمَّ اٰحِيْنَ حَيَاةِ مُحَمَّدٍ وَ ذُرِّيَّتِهِ، و شما را . خدَايا! زنده دار مرا به زندگي محمد و فرزندانِش، وَ  
اَمْنِيْ مِمَّا تَهْتُمُ، وَ تَوَفَّنِيْ عَلَيَّ مِلَّتِهِمْ، وَ اَحْشُرْنِيْ وَ بَميرانِ مرا به مرگ ايشان، و جانم را بر کيش آنها بگير، و محشور کن مرا  
فِي زُمْرَتِهِمْ، وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنِي وَ بَيْنَهُمْ طَرْفَةَ

عَيْنٍ در گروه و جرگه آنان ، و جدایی مینداز میان من و ایشان به یک چشم برهم زدنی آیداً فی الدُّنْیَا وَ الْآخِرَةِ . یا  
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ یا هرگز در دنیا و آخرت . ای امیر مؤمنان و ای اَبَاعَبْدِ اللَّهِ اتَّيْتُكُمْ زَائِراً ، وَ مُتَوَسِّلاً إِلَى اللَّهِ رَبِّي اَبَاعَبْدِ اللَّهِ آمَدَه  
ام به درگاهتان برای زیارتتان ، و این که توسل جویم به درگاه خدا پروردگارم وَ رَبُّكُمْ ، وَ مُتَوَجِّهاً إِلَيْهِ بِكُمْ ، وَ مُسْتَشْفِعاً  
بِكُمْ و پروردگار شما دو بزرگوار ، و رو کنم به درگاهش به وسیله شما ، و شفیع گیرم شما را

إِلَى اللَّهِ فِي حَاجَتِي هَذِهِ ، فَأَشْفَعَا لِي فَإِنَّ لَكُمْ نَزْدَ خَدَاوند در این حاجتی که دارم ، پس شما دو بزرگوار شفاعت کنید برای  
من زیرا شما را عِنْدَ اللَّهِ الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ وَ الْجَاهَ الْوَجِيهَ ، وَ الْمَنْزِلَ در نزد خداوند مقامی است پسندیده و منزلتی است آبرومند ،  
و جایگاهی است الرَّفِيعَ وَ الْوَسِيلَةَ . اِنِّي اَنْقَلِبُ عَنْكُمْ مُتَّظِراً بِلَنْدَمَرْتَبِهِ وَ (مقام) وسیله از شما است ، و من هم اکنون که از نزد  
شما بازمی گردم چشم به راه لَتَنْجُزِ الْحَاجَةَ وَ قَضَائِهَا وَ نَجَاحِهَا مِنَ اللَّهِ ، قطعی شدن حاجتم و برآمدنش و به انجام رسیدنش از  
جانب خدا هستم ، بِشَفَاعَتِكُمْ لِي إِلَى اللَّهِ فِي ذَلِكِ ، فَلَا اَحِيْبُ بِهِ شَفَاعَتِي که شما برایم در این باره به درگاه خدا می کنید ،  
پس چنان نباشد که نوید شوم وَ لَا يَكُونُ مُنْقَلَبِي مُنْقَلَباً خَائِباً خَاسِراً ، بَلْ يَكُونُ وَ بازگشتم بازگشت شخص نوید زیان کاری  
باشد ، بلکه بازگشت مُنْقَلَبِي مُنْقَلَباً رَاجِحاً مُفْلِحاً مُنْجِحاً مُسْتَجَاباً کسی باشد که

با موفقیت و امیدواری و رستگاری و کامیابی با حاجت هایی که تمامی اش

بِقَضَاءِ جَمِيعِ حَوَائِجِي ، وَ تَشَفُّعًا لِي إِلَى اللَّهِ ، رَوَا شَدَّةً بَاز مِي گَرَدَد ، وَ شَفَاعَتِ كُنِيَد بَرَايِم بَه دَر گَاه خَدَا . اِنْقَلَبْتُ عَلَي مَا شَاءَ  
اللَّهُ وَ لَا حَوْلَ وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ ، بَاز مِي گَرَدَم بَر آنچِه خَدَا خَوَاهَد ، وَ جَنبَش وَ نِيرويي نِيست جَز بَه خَدَا ، مُفَوِّضًا أَمْرِي إِلَى اللَّهِ ،  
مُلْجِنًا ظَهْرِي إِلَى اللَّهِ ، وَ اِغْدَار مِي كَنَم كَارَم رَا بَه خَدَا ، وَ خَدَا رَا پِشْت وَ پِنَاه خُود قَرَار مِي دَهَم ، مُتَوَكِّلًا عَلَي اللَّهِ ، وَ أَقُولُ  
حَسْبِيَ اللَّهُ وَ كَفَى ، سَمِعَ وَ تَوَكَّلَ مِي كَنَم بَر خَدَا ، وَ مِي گُوِيَم بَس اسْتِ مَرَا خَدَا وَ كَافِي اسْتِ بَرَاي مَن ، بَشَنُودِ اللَّهُ لِمَن دَعَا  
، لَيْسَ لِي وَرَاءَ اللَّهِ وَ وَرَاءَ كُمْ يَا خَدَا (آواز) هَر كِه او رَا بَخَوَانَد ، بَرَاي مَن جَز خَدَا وَ جَز شَمَا اِي سَادَتِي مُنْتَهِي ، مَا شَاءَ رَبِّي  
كَانَ ، وَ مَا لَمْ يَشَأْ أَقَايَانِ بَزَر گُوَار پَايگَاهِي نِيست ، آنچِه پَرُورِد گَارَم خَوَاهَد شَدَنِي گَرَدَد ، وَ آنچِه نَخَوَاهَد لَمْ يَكُنْ ، وَ لَا حَوْلَ  
وَ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ . اسْتَوْدِعُكُمْ شَدَنِي نَغَرَدَد ، وَ نِيست جَنبَش وَ نِيرويي جَز بَه خَدَا ، شَمَا دُو بَزَر گُوَار رَا مِي سِپَارَم

اللَّهُ وَ لَا جَعَلَهُ اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي إِلَيْكُمَا ، بَه خَدَا وَ قَرَار نَدَهْد خَدَاوند اِيْن بَار رَا آخِرِيْن بَار زِيَارَتَم اَز شَمَا ، اِنْصَيَّرَفْتُ يَا سَيِّدِي  
يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَوْلَايَ ! بَاز مِي گَرَدَم اِي آقَاي مَن اِي اَمِيْر مُؤْمِنَانِ وَ اِي سُرُور مَن وَ أَنْتَ يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ يَا سَيِّدِي ! وَ سَلَامِي

عَلَيْكُمْ وَ تُوْنِزِ اِي اِبَاعِبَدَاللهِ اِي آقاي من ! و درود من بر شما دو آقا مُتَّصِلُ مَا اتَّصَلَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ ، واصلُ ذَلِكُ پيوسته باد تا پيوسته است شب و روز ، برسد اين درود اِلَيْكُمْ غَيْرَ مَحْجُوبٍ عَنْكُمْ سَيَلَامِي اِنْ شَاءَ اللهُ ، به شما در حالي كه از شما پوشيده نيست درود من اگر خدا بخواهد ، وَ اسْتَلُّهُ بِحَقِّكُمْ اَنْ يَشَاءَ ذَلِكُ وَ يَفْعَلَ ، فَاِنَّهُ و از خدا مي خواهيم به حق شما دو بزرگوار كه چنين بخواهد و آن را انجام دهد ، كه همانا او حَمِيدٌ مَجِيدٌ ، اِنْقَلَبْتُ يَا سَيِّدِي عَنْكُمْ تَائِبًا حَامِدًا بَسِي ستوده و بزرگوار است ، بازگردم اِي آقايمان من از خدمت شما توبه كننده و ستايش كننده

للهِ ، شَاكِرًا رَاجِعًا لِلْاِجَابَةِ ، غَيْرَ اَيْسٍ وَ لَا قَانِطٍ ، خدا ، و سپاس گزار و اميدوار به اجابت ، بدون اَيْسٍ و نااميدي ، آيِبًا عَائِدًا رَاجِعًا اِلَى زِيَارَتِكُمْ ، غَيْرَ رَاغِبٍ وَ به اميد رجوع و بازگشت دوباره براي زيارت شما ، بي آنكه اشتياق و رغبتم عَنْكُمْ وَ لَا مِنْ زِيَارَتِكُمْ ، بَلْ رَاجِعٌ عَائِدٌ اِنْ شَاءَ از شما كاسته شود و يا از زيارت شما (سير شوم) ، بلكه باز آيم و مراجعت كنم ان شاء الله ، وَ لَا - حَوْلَ وَ لَا - قُوَّةَ اِلَّا بِاللَّهِ . يَا سَادَتِي ! رَغِبْتُ اللهُ ، و جنبش و نيرويي نيست جز به خدا . اِي آقايمان من ! مشتاقم اِلَيْكُمْ وَ اِلَى زِيَارَتِكُمْ بَعْدَ اَنْ زَهَدَ فَيْكُمْ وَ فِي به شما و زيارتتان پس از آنكه بي ميل بودند به شما و به زيارتكم اَهْلُ الدُّنْيَا



، فَلَا خَيْبِنِي اللَّهُ مَا رَجَوْتُ ، زيارتتان مردم دنیا ، پس خدا نومیدم نکند در آنچه بدان امیدوارم ، وَ مَا أَمَلْتُ فِي زِيَارَتِكَ ، إِنَّهُ قَرِيبٌ مُجِيبٌ .

و بدانچه آرزومندم در مورد زیارت شما ، که همانا او خدایی است نزدیک و اجابت کننده.

### دعای توسل

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسئَلُكَ وَ أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ خَدَايَا ! از تو می خواهم و به سویت رو می کنم به وسیله پیامبرت ، پیامبر الرَّحْمَةِ ، مُحَمَّدٍ صَلَّيَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ . يَا أَبَا الْقَاسِمِ رَحْمَتِ ، محمد - که درود خداوند بر او و آتش باد - ای ابوالقاسم یا رَسُولَ اللَّهِ ، یا إِمَامَ الرَّحْمَةِ ، یا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا ، ای رسول خدا ، ای پیشوای رحمت ، ای آقای ما و سرور ما ، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا ،

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ يَا عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَيُّ ابَا الْحَسَنِ ، ای امیر مؤمنان ، ای علی فرزند ابی طالب ، یا حُجَّجَةَ اللَّهِ عَلِيَّ خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَنَا وَ مَوْلَانَا ، ای حُجَّتِ خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، وَ قَدَّمْنَاكَ

بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا ،

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِهَاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا فَاطِمَةُ الزَّهْرَاءُ یا بِنْتُ مُحَمَّدٍ یا قُرَّةَ عَيْنِ الرَّسُولِ ای فاطمه زهرا ، ای دختر محمد ، ای نور چشم پیغمبر ، یا سَيِّدَتَنَا وَ مَوْلَاتَنَا ، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اِسْتَشْفَعْنَا ای بانوی ما و سرور ما ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم

وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا .

و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِهَاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعِ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَبَا مُحَمَّدٍ یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، اَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بَنَ اَبَا مُحَمَّدٍ ، ای حسن فرزند علی ، ای برگزیده ، ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَتَنَا وَ مَوْلَانَا رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، اِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اِسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا .

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِهَاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

یا اَبَاعَبْدِ اللَّهِ یا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ ، اَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بَنَ اَبَا عَبْدِ اللَّهِ ، ای حسین فرزند علی ، ای شهید (راه حق)

ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا رَسُولِ خُدا، ای حجت خدا بر خلق، ای آقای ما و سرور ما، اَنَا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا .

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَبَا الْحَسَنِ یا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ ، یا زَيْنَ الْعَابِدِينَ ای ابوالحسن ، ای علی فرزند حسین ، ای زیور پرستش کنندگان ، یا اَبْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَنَا ای فرزند رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما

وَ مَوْلَانَا ، اَنَا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ وَ سرور ما ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو اِلَى اللَّهِ ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِّ حَاجَاتِنَا .

به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَبَا جَعْفَرٍ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، اَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ ابِ جَعْفَرٍ ، ای محمد فرزند علی ، ای شکافنده علوم ، ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ ، یا حُجَّهَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا رَسُولِ خُدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، اَنَا



. یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَبَاالْحَسَنِ یا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى ، أَيُّهَا الرُّضَا يَا بْنَ اِی اَبَاالْحَسَنِ ، ای علی فرزند موسی ، ای (حضرت) رضا ، ای فرزند رَسُولِ اللَّهِ ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا رَسُولِ اللَّهِ ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و سرور ما ، اَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو به درگاه خدا ،

وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا .

و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . یا اَبَاجَعْفَرٍ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ ای اَبَاجَعْفَرٍ ، ای محمد فرزند علی ، ای حضرت تقی جواد ، یا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ ، یا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَيَّ خَلْقِهِ ، یا سَيِّدَنَا ای فرزند رسول خدا ، ای حجت خدا بر خلق ، ای آقای ما و مولانا ، اَنَا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ وَ سُرُورِ مَا ، ما رو آوردیم و شفیع گرفتیم و توسل جستیم به وسیله تو اِلَى اللَّهِ ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيْ حَاجَاتِنَا .

به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِیْهًا عِنْدَ اللَّهِ ، اِسْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا .

یا اَبَاالْحَسَنِ یا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ ،

أَيُّهَا الْهَادِي النَّقِيُّ أَيُّ ابْنِ الْحَسَنِ ، أَيُّ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ ، أَيُّ حَضْرَتِ هَادِي نَقِيِّ ، أَيُّ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَنَا أَيُّ فَرَزَنْدِ رَسُولِ خُدا ، أَيُّ حِجَّتِ خُدا بِرِ خَلْقِ ، أَيُّ آقَايِ مَا وَ مَوْلَانَا ، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ وَ سُرورِ مَا ، مَا رُو آوَرْدِيمِ وَ شَفِيعِ كَرَفْتِيمِ وَ تَوَسَّلِ جَسْتِيمِ بِه وَ سِيلِهِ تُو إِلَيِ اللَّهِ ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا .

به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

أَيُّ ابْرُومَنْدِ دَرِ نَزْدِ خُدا ، شَفَاعَتِ كُنْ بَرایِ مَا نَزْدِ خُدا . یا أَبَا مُحَمَّدٍ یا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ ، أَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسِيْرِيُّ أَيُّ ابْنِ مُحَمَّدٍ ، أَيُّ حَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ ، أَيُّ زَكِيِّ عَسْكَرِيٍّ ، أَيُّ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ ، يَا سَيِّدَنَا أَيُّ فَرَزَنْدِ رَسُولِ خُدا ، أَيُّ حِجَّتِ خُدا بِرِ خَلْقِ ، أَيُّ آقَايِ مَا

وَ مَوْلَانَا ، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ وَ سُرورِ مَا ، مَا رُو آوَرْدِيمِ وَ شَفِيعِ كَرَفْتِيمِ وَ تَوَسَّلِ جَسْتِيمِ بِه وَ سِيلِهِ تُو إِلَيِ اللَّهِ ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا .

به درگاه خدا ، و قرار دادیم تو را مقابل حاجت هایمان . یا وَجِهاً عِنْدَ اللَّهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ .

أَيُّ ابْرُومَنْدِ دَرِ نَزْدِ خُدا ، شَفَاعَتِ كُنْ بَرایِ مَا نَزْدِ خُدا . یا وَصِيَّ الْحَسَنِ وَ الْخَلْفَ الْحُجَّةَ ، أَيُّهَا الْقَائِمُ أَيُّ وَصِيِّ امَامِ حَسَنِ عَسْكَرِيٍّ وَ يادگارِ شایسته وَ حِجَّتِ ، أَيُّ امَامِ قَائِمِ الْمُنتَظَرِ الْمُهْدِيِّ أَيُّ ابْنِ رَسُولِ اللَّهِ ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ

منتظر مهدی ، ای فرزند رسول خدا ، ای حجت خدا علی خلقه ، یا سَیِّدَنَا وَ مَوْلَانَا ، اِنَّا تَوَجَّهْنَا بِرِخْلِقِ ، ای آقای ما و سرور ما ، ما رو آوردیم وَ اسْتَشْفَعْنَا وَ تَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللّٰهِ ، وَ قَدَّمْنَاكَ بَيْنَ وَ شَفِيعِ كَرَفْتِمِ وَ تَوَسَّلِ جَسْتِمِ به وسیله تو به درگاه خدا ، و قرار دهیم تو را پیش

یَدِی حَاجَاتِنَا .

روی حاجت های خویش . یا وَجِیهاً عِنْدَ اللّٰهِ ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللّٰهِ .

ای آبرومند در نزد خدا ، شفاعت کن برای ما نزد خدا . پس حاجات خود را بطلبید که برآورده می شود اِنْ شَاءَ اللّٰهُ . و در روایت دیگر وارد شده: که بعد از این بگوید:

یا سَادَتِی وَ مَوَالِیْ ! اِنِّی تَوَجَّهْتُ بِكُمْ اِثْمَتِی ای آقایان من و سرورانم ! من رو آوردم به وسیله شما پیشوایانم وَ عُدَّتِی لِیَوْمِ فَقْرِی وَ حَاجَتِی اِلَى اللّٰهِ ، وَ تَوَسَّلْتُ وَ ذَخِیرِ گَانِمِ در روز نداری و نیازمندی به درگاه خدا ، و توسل جستم بِكُمْ اِلَى اللّٰهِ ، وَ اسْتَشْفَعْتُ بِكُمْ اِلَى اللّٰهِ ، فَاسْتَفْعُوا بِوَسِیْلِهِ شَمَا به درگاه خدا ، و شفاعت جویی کردم بوسیله شما به درگاه خدا ، پس شفاعت کنید لِی عِنْدَ اللّٰهِ ، وَ اسْتَفْعِدُونِی مِنْ ذُنُوبِی عِنْدَ اللّٰهِ ، برای من در پیشگاه خدا ، و از او بخواهید مرا از گناهانم نجات دهد ،

فَاِنَّكُمْ وَسِیْلَتِی اِلَى اللّٰهِ ، وَ بِحُبِّكُمْ وَ بِقُرْبِكُمْ اَرْجُو زِیْرَا شَمَا یَیْدِ وسیله من به درگاه خدا ، و به وسیله دوستی و قرب به شما امید نجات نَجَاةً مِنْ اللّٰهِ ، فَكُونُوا عِنْدَ اللّٰهِ رَجَائِی . یا سَادَتِی دارم از

سوی خدا ، پس شما هم تکیه گاه و مایه امید من به درگاه خدا باشید . ای آقایان من یا اَوْلِيَاءَ اللّهِ صَلَّى اللّهُ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِينَ ، وَ لَعَنَ اللّهُ اِي اَوْلِيَاءِ خِدا - که درود خدا بر همگی ایشان باد - ، و خدا از رحمت خویش دور کند اَعْدَاءَ اللّهِ ظَالِمِيهِمْ مِنَ الْاَوَّلِيْنَ وَ الْاٰخِرِيْنَ ، دشمنان خدا ستم کنندگان به اولیای خدا را ، چه آنهاکه گذشته اند و چه آنهاکه پس از این آیند ، آمین رَبِّ الْعَالَمِيْنَ .

اجابت کن ای پروردگار جهانیان.

## دعای کمیل

### قسمت اول

اَللّهُمَّ اِنِّي اَسْئَلُكَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ ،

خدایا من از تو درخواست می کنم به حق آن مهربانی ات که فرا گرفته همه چیز را ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي فَهَزَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ ، وَ خَضَعَ لَهَا كُلٌّ وَ بِهٖ اَنْ نِيْرِيْتِ كِهٖ هَمِهٖ چيز رَا بِهٖ وَسِيْلَهٗ اَنْ مَغْلُوْبِ خُوِيْشِ كَرْدِهٖ اِي ، وَ هَمِهٖ چيز دَر بَرَابَرِ اَنْ شَيْءٍ وَ ذَلَّ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَ بِجَبْرُوْتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ فِرُوْتِنِ وَ هَمِهٖ چيز دَر بَرَابَرِ اَنْ پَسْتِ وَ ذَلِيْلِ اِسْتِ ، وَ بِهٖ عِظْمَتِ كِهٖ چِيْرِهٖ گِشْتِهٖ اِي بِهَا كُلُّ شَيْءٍ ، وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي لَا يَقُوْمُ لَهَا شَيْءٌ ، بِهٖ وَسِيْلَهٗ اَنْ بَرِ هَرِ چيز ، وَ بِهٖ نِيْرُوْمَنْدِي اْتِ كِهٖ چِيْزِي دَر بَرَابَرِشِ اِيْسْتَادِگِي نِدَارْدِ ، وَ بِعِظْمَتِيْكَ الَّتِي مَلَأَتْ كُلَّ شَيْءٍ ، وَ بِسُلْطَانِيْكَ وَ بِهٖ اَنْ عِظْمَتِ وَ بَزْرُگِي اْتِ كِهٖ پَر كَرْدِهٖ هَرِ چيزِي رَا ، وَ بِهٖ اَنْ سُلْطَنْتِ وَ پَادشَاهِي اْتِ

اَلَّذِي عَلا- كُلَّ شَيْءٍ ، وَ بَوَجْهِكَ الْبَاقِي بَعْدَ فَنَاءِ كِهٖ بَرْتَرِي گِرْفْتِهٖ بَرِ هَرِ چيز ، وَ بِهٖ اَنْ ذَاتِ پَاكْتِ كِهٖ پَايْدَارِ اِسْتِ پَسِ اَزِ نَابُوْدِي كُلِّ شَيْءٍ



، وَ بِأَسْمَائِكَ الَّتِي مَلَأْتَ أَرْكَانَ كُلِّ شَيْءٍ ، هَرْ جِيز ، وَ بِهٖ اَنْ نَامِ هَاي مَقْدَسْتِ كِه پَر كَرْدِه اَسَاسِ هَر مَوْجُودِي رَا ، وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي اَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ وَ بِهٖ اَنْ عِلْمِ وَ دَانِشْتِ كِه اِحَاطِه يَافْتِه بِرِ هَر جِيز ، وَ بِهٖ رُوشَنِي ذَاتِ الَّذِي اَضَاءَ لَهٗ كُلِّ شَيْءٍ . يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ ، يَا اَوَّلَ كِه رُوشَنِ شُدِه اَز فِرُوعِ اَنْ هَمِه جِيز . اِي نُورِ حَقِيقِي وَ اِي پَاكِيزِه اَز هَر عِيبِ ، اِي اَغَاذِ الْاَوَّلِيْنَ وَ يَا اٰخِرَ الْاٰخِرِيْنَ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ مَوْجُودَاتِ اَوَّلِيْنَ ، وَ اِي پَايَانِ اٰخِرِيْنَ . خُدَايَا بِيَاْمَرْزِ بَرَايِمِ اَنْ كِنَاهَانِي رَا الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي كِه پَرْدِه هَا رَا مِي دَرْدِ . خُدَايَا بِيَاْمَرْزِ بَرَايِمِ اَنْ كِنَاهَانِي رَا كِه تُنَزِّلُ النَّعْمَ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النَّعْمَ . كِيْفِرْهَا رَا فِرُو مِي رِيْزَانْدِ . خُدَايَا بِيَاْمَرْزِ بَرَايِمِ اَنْ كِنَاهَانِي رَا كِه نَعْمَتِ هَا رَا دِگَرِگُونِ مِي سَاْزِدِ .

اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ . خُدَايَا بِيَاْمَرْزِ بَرَايِمِ اَنْ كِنَاهَانِي رَا كِه اَز (اِجَابَتِ) دَعَا جَلُوْگِيْرِي مِي كِنْدِ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنَزِّلُ الْبَلَاءَ . خُدَايَا بِيَاْمَرْزِ بَرَايِمِ اَنْ كِنَاهَانِي رَا كِه بَلَا رَا نَاْزِلِ مِي كِنْدِ . اَللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ ، وَ كُلَّ خَطِيئَةٍ خُدَايَا بِيَاْمَرْزِ بَرَايِمِ هَر كِنَاهِي رَا كِه كَرْدِه اَمِ وَ هَر خَطَا وَ لَغْزَشِي كِه اَخْطَاْتُهَا . اَللّٰهُمَّ اِنِّي اَتَقَرَّبُ اِلَيْكَ بِذِكْرِكَ اَز مَنْ سَرِزْدِه اَسْتِ . خُدَايَا مِنْ بِهٖ سُوِي تُو تَقَرَّبِ مِي جُوِيْمِ بِهٖ وَسِيْلِه يَادِ تُو وَ اَسْتَشْفِعُ بِكَ اِلَى نَفْسِكَ ، وَ اَسْئَلُكَ بِجُودِكَ وَ شَفِيْعِ مِي اَوْرَمِ بِهٖ

درگاهت ، خودت را ، و به حق بخشش و کرمیت از تو می خواهم آن تَدِیْنِی مِنْ قُرْبِکَ ، وَ اَنْ تُوزِعِنِی شُکْرَکَ ، که مرا به مقام قرب خویش نزدیک سازی ، و شکر و سپاس گذاری ات را بر من روزی کنی ، وَ اَنْ تُلْهَمِنِی ذِکْرَکَ . اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُکَ سُؤَالَ وِیَادِ خُودِ رَا بَه مِنْ اَلْهَامِ کُنِّی . خدایا از تو درخواست می کنم همچون درخواست

خَاضِعٍ مُتَّذِلٍّ خَاشِعٍ اَنْ تُسَامِحَنِی وَ تَرْحَمَنِی ، شَخْصٍ فَرُوتِنِ خُورِ تَرْسَانِ ، که بر من آسان گیری و به من رحم کنی ، وَ تَجْعَلِنِی بِقِسْمِکَ رَاضِیاً قَانِعاً ، وَ فِی جَمِیْعٍ وِیَا بَه اَنْجَه بَرَایْمِ قِسْمَتِ کَرْدَه اِی رَاضِی وَ قَانِعِ سَازِی ، وَ دَر تَمَامِ الْاَحْوَالِ مُتَوَاضِعاً . اَللّٰهُمَّ وَ اَسْئَلُکَ سُؤَالَ مِنْ حَالَاتِ فَرُوتِنَمِ کُنِّی . خدایا از تو درخواست می کنم همچون درخواست کسی که اَشْتَدَّتْ فَاقَتُهُ ، وَ اَنْزَلَ بِحِکْمٍ عِنْدَ الشَّدَاۗءِ حَاجَتَهُ ، سَخِطَ فَقِیْرٍ وِی اَچِیزِ شُدِه ، وَ خُوَاَسْتَه اَش رَا هِنْگَامِ سَخِطِی هَا پِیْشِ تُو آوَرْدَه ، وَ عَظْمَ فِیْمَا عِنْدَکَ رَغْبَتَهُ . اَللّٰهُمَّ عَظْمَ سُلْطَانُکَ وَ اَمِیْدِشْ بَه اَنْجَه نَزْدِ تُوَسْتِ بَسِیَارِ بَزْرَگِ اَسْت . خدایا سلطنت و پادشاهی ات بس بزرگ و عَلا- مَکَانُکَ ، وَ خَفِی مَکْرُکَ وَ ظَهَرَ اَمْرُکَ ، وَ غَلَبَ وَ مَقَامَتِ بَسِی بَلَنْدِ اَسْت ، چاره سازی ات در کارها پنهان ، و فرمانت آشکار است ، و چیره است قَهْرُکَ ، وَ جَرَتْ قَعْدَرْتُکَ ، وَ لَا- یُمْکِنُ الْفِرَارُ مِنْ قَهْرِ وِی غَلْبَه اَت ، و تأثیرگذار است نیرویت ، و ممکن نیست گریز از

حُکُومَتِکَ . اَللّٰهُمَّ لَا اَجِدُ لِذُنُوبِیْ غَافِراً وَ لَا سَیْطَرَه فَرْمَانْرَوَاۗیِی اَت . خدایا نمی یابم برای گناهانم

آمرزنده ای ، و نه لِقْبَائِحِي سَاتِرًا ، وَلَا لِشَيْءٍ مِنْ عَمَلِي الْقَبِيحِ برای کارهای زشتم پرده پوشی ، و نه کسی را که عمل زشت مرا بِالْحَسَنِ مَبْدَلًا غَيْرَكَ . لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ به کار نیک تبدیل کند جز تو . نیست معبودی جز تو ، پاکیزه ای تو وَ بِحَمْدِكَ ، ظَلَمْتُ نَفْسِي وَ تَجَرَّأْتُ بِجَهْلِي ، و به ستایش تو مشغولم ، من به خویشتم ستم کردم ، و در اثر نادانی ام گستاخی کردم ، وَ سَيَكُنْتُ إِلَى قَدِيمِ ذِكْرِكَ لِي وَ مِنْكَ عَلَيَّ . اللَّهُمَّ و به اینکه همیشه پیش از این به یاد من بوده ای ، و بر من لطف داشتی . ای خدا مَوْلَايَ كَمْ مِنْ قَبِيحٍ سَتَرْتَهُ ، وَ كَمْ مِنْ فَادِحٍ مِنْ آيِ سُرُورٍ مِنْ ! چه بسیار زشتی ها که از من پوشانیدی ، و چه بسیار الْبَلَاءِ أَقَلْتَهُ ، وَ كَمْ مِنْ عِثَارٍ وَفَيْتَهُ ، وَ كَمْ مِنْ بَلَاهَايَ بَزْرَكٍ که از من بازگرداندی ، و چه بسیار لغزش هایی که از آن نگاهم داشتی ، و چه

مَكْرُوهٍ دَفَعْتَهُ ، وَ كَمْ مِنْ ثَنَاءٍ جَمِيلٍ لَسْتُ أَهْلًا لَهُ بسیار ناراحتی ها که از من دور کردی ، و چه بسیار ستایش زیبایی که من سزاوار آن نبودم نَشَرْتَهُ . اللَّهُمَّ عَظُمَ بَلَاءِي ، وَأَفْرَطَ بِي سُوءُ حَالِي ، ولی تو آن را پراکنده کردی . خدایا گرفتاری من بسی بزرگ است ، و زیاد گشته بدی حالم ، وَ قَصِيرَتْ بِي أَعْمَالِي ، وَ قَعِدَتْ بِي أَغْلَالِي ، و کارهایم نارساست ، و مرا زمین گیر کرده زنجیرهای وابستگی (به امور بی ارزش) ، وَ حَبَسَنِي عَنْ نَفْعِي بَعْدَ أَمَلِي ،

وَ خَدَعْتَنِي الدَّ.....و آرزوهای دور و دراز مرا از رسیدن به منافعم بازداشته ، و دنیا مرا گول زد بَغُورِهَا وَ نَفْسِي بِجَنَائِثِهَا . وَ مَطَالِي يَا سَيِّدِي با آراستگی های فریبنده اش ، و نفس من با جنایتش ، ولی من سهل انگاری کردم ای آقای من فَاسْتُلِكَ بِعِزَّتِكَ أَنْ لَا يَحْجُبَ عَنْكَ دُعَائِي سُوءٌ پس از تو می خواهم به عزتت که جلوگیری نکند اجابت دعایم را بدی عَمَلِي وَ فِعَالِي ، وَ لَا تَفْضَحْنِي بِخَفِيِّ مَا أَطَّلَعْتَ رِفَاتَارَ و کردار من ، و رسوا نکنی مرا به آنچه آگاهی داری

عَلَيْهِ مَن سِرِّي ، وَ لَا تُعَاجِلْنِي بِالْعُقُوبَةِ عَلَيَّ مَا بَرَّ أَنْ رَازِهَايَ مِنْ ، وَ شَتَابَ نَكْنِي دَرِ عَذَابِ كَرْدَنَمِ بَرَايَ أَنْجِهَ عَمَلْتُهُ فِي خَلَوَاتِي مِنْ سُوءِ فِعْلِي وَ إِسَاءَتِي ، اِنجَامِ دَادِه ام دَرِ خَلُوتِ خُودِ از رِفَاتَارِ زِشْتِ وَ كَارِهَايِ بَدِ ، وَ دَوَامِ تَفْرِيطِي وَ جَهَالَتِي ، وَ كَثْرَةِ شَهَوَاتِي وَ غَفْلَتِي ، وَ اسْتِمْرَارِ بَرِ كُوتَاهِي وَ نَادَانِي ام ، وَ زِيَادِي شَهْوَتِ رَانِي وَ بِي خَبَرِي ام ، وَ كُنِ اللّهُمَّ بِعِزَّتِكَ لِي فِي كُلِّ الْاِحْوَالِ رَوْوْفًا ، وَ خَدَايَا بَه عِزَّتِ سُوْگَنْدِ كِه دَر تَمَامِ اِحْوَالِ نَسَبْتِ بَه مِنْ دِلْسُوزِ وَ مِهْرَبَانِ بَاشِي ، وَ عَلَيَّ فِي جَمِيعِ الْاُمُورِ عَطُوفًا . اِلَهِي وَ رَبِّي مَنْ وَ دَر تَمَامِ كَارِهَا بَرِ مِنْ مَحَبَّتِ فَرْمَايِي ، اِي مَعْبُودِ مِنْ وَ اِي پَرُورْدِگَارِ مِنْ ! چِه كَسِي لِي غَيْرُكَ؟! اَسْئَلُهُ كَشْفَ ضُرِّي وَ النَّظَرَ فِي اَمْرِي . بَرَايِ مِنْ اسْتِ غَيْرِ از تُو؟! تَا دَر خُوسْتِ كَنْمِ از او رِفْعِ گِرْفَتَارِي وَ تَوَجِّهِ دَر كَارْمِ رَا ، اِلَهِي وَ مَوْلَايِ اَجْرِيْتِ عَلَيَّ حُكْمًا اِتَّبَعْتُ فِيهِ اِي مَعْبُودِ مِنْ وَ اِي سُرُورِ مِنْ! تُو بَرِ مِنْ

فرمانی را مقرر داشتی که در اجرای آن پیروی

هَوَى نَفْسِي ، وَ لَمْ أَحْتَرِسْ فِيهِ مِنْ تَزْيِينِ عَدُوِّي ، هوای نفسم را کردم ، و در این باره نه‌راسیدم از فریب کاری دشمنم ، فَعَزَّيْنِي بِمَا أَهْوَى ، وَ أَشَعَّدَهُ عَلَيَّ ذَلِكُ الْقَضَاءِ ، پس او هم به دلخواه خویش مرا فریب داد ، و قضا (و قدر) هم با او کمک کرد ، پس در اثر فَتْجَاوَزْتُ بِمَا جَرَى عَلَيَّ مِنْ ذَلِكُ بَعْضَ حُدُودِكَ ، همین ماجرای شومی که بر سرم آمد سرپیچی کردم نسبت به پاره ای از حدود و احکامات ، وَ خَالَفْتُ بَعْضَ أَوْامِرِكَ . فَلَكَ الْحَمْدُ عَلَيَّ فِي وَ مَخَالَفَتِ كَرْدَمِ بَا بَرُخِي اَز دَسْتَوَرَاتِ . پس تو را ستایش می‌کنم در تمام آنچه جمیع ذلک ، وَ لَا حُجَّةَ لِي فِيْمَا جَرَى عَلَيَّ فِيهِ پِيْش اَمْدِه ، و اکنون دلیل و برهانی ندارم درباره کیفری که بر من جاری گشته قَضَاؤُكَ ، وَ اَلْزَمْنِي حُكْمَكَ وَ بَلَاؤُكَ ، وَ قَدْ اَتَيْتُكَ حَكْمَ تُو ، و قضا و آزمایش تو مرا بدان ملزم ساخته ، و اینک در حالی به درگاہت آمده ام يَا اِلٰهِي بَعْدَ تَقْصِيْرِی وَ اِسْرَافِي عَلَي نَفْسِي ، ای معبود من! که درباره ات کوتاهی کرده و بر خود زیاده روی نموده ام ،

مُعْتَذِرًا نَادِمًا ، مُنْكَسِرًا مُسْتَقْبِلًا ، مُسْتَغْفِرًا مُنِيْبًا ، عذرخواه و پشیمان ، دل شکسته و پوزش جو ، آمرزش خواه و بازگشت‌کنان ، مُقِرًّا مُدْعِنًا مُعْتَرِفًا ، لَا اَجِدُ مَفْرَأً مِمَّا كَانَتْ مِنِّي ، و به گناه خویش اقرار و اذعان و اعتراف دارم ، و نمی‌یابم راه‌گریزی از آنچه از من سر زده ، وَ لَا مَفْرَعًا اَتَوَجَّهُ اِلَيْهِ

فِي أَمْرِي ، غَيْرَ قَبُولِكَ وَ پناه گاهی ندارم که بدان رو آورم در کار خویش ، جز این که تو بپذیری عُذْرِي ، وَ إِذْخَالَكَ إِنِّي فِي سَعَةِ رَحْمَتِكَ . اَللّهُمَّ پوزشم را ، و مراد در گستره رحمت درآوری . پس ای خدای من! فَاقْبَلْ عُذْرِي ، وَ ارْحَمْ شِدَّةَ ضُرِّي ، وَ فُكْنِي مِنْ پوزشم را بپذیر ، و رحم کن بر سختی پریشانی ام ، و رهایی ام ده از شَدِّ وَثَاقِي . یا رَبِّ ارْحَمْ ضَعْفَ بَدْنِي ، وَ رِقَّةَ بِنْدِ سَخْتِ گناهانم . ای پروردگار من رحم کن بر ناتوانی بدنم ، و نازکی جِلْدِي وَ دِقَّةَ عَظْمِي ، یا مَنْ يَدَّ خَلْقِي وَ ذِكْرِي پوست تنم و باریکی استخوانم ، ای کسی که آغاز کردی آفرینش مرا و یاد مرا

وَ تَرْبِيَّتِي وَ بَرِّي وَ تَعْذِيَّتِي ، هَبْنِي لِابْتِدَاءِ كَرَمِكَ وَ پرورش مرا و نیکوکاری و خوراک دادنم را ، اکنون مرا ببخش به همان بزرگواری نخستینت وَ سَالِفِ بَرِّكَ بِي . یا اَلِهِی وَ سَيِّدِي وَ رَبِّي ، اَتْرَاكَ وَ به سابقه احسانی که به من داشتی ، ای معبود من و ای آقای من و ای پروردگارم ، آیا تو مَعْدِي بِنَارِكَ بَعِيدٌ تَوْحِيدِكَ ، وَ بَعِيدٌ مَا انْطَوَى عَلَيْهِ چنانی که عذاب کنی مرا به آتش دوزخ پس از اینکه به یگانگی ات اقرار دارم ، و آباد گشته قلبی مِنْ مَعْرِفَتِكَ ، وَ لَهَجَ بِهِ لِسَانِي مِنْ ذِكْرِكَ ، دلم با شناخت تو ، و گویا شده زبانم به ذکر تو ، وَ اعْتَقَدَهُ ضَمِيرِي مِنْ حُبِّكَ ، وَ بَعْدَ صِدْقِ اعْتِرَافِي وَ پیوند خورده اندرون دلم با دوستی تو ،

و پس از اقرار راستین و دُعَائِي خَاضِعاً لِرُبُوبِيَّتِكَ . هَيْهَاتَ ! أَنْتَ أَكْرَمُ و دعای فروتنانه ام به مقام بنده پروری ات ؟ بسیار دور است ! تو بزرگوارتر از من أَنْ تُضَيِّعَ مِنْ رَبِّيَّتِهِ ، أَوْ تُبْعِدَ مِنْ أَدْنِيَّتِهِ ، آنی که تباه کنی کسی را که خود پرورده ای ، یا دور گردانی کسی را که خود نزدیکش کرده ای ،

أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ أَوْيْتَهُ ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مِنْ كَفَيْتَهُ یا آواره کنی کسی را که خود پنااهش داده ای ، یا به بلا بسپاری کسی را که خود سرپرستی و رَحِمْتَهُ ، وَلَيْتَ شِعْرِي یا سیدی و الهی و مولای ! و مهربانی اش کرده ای ، و کاش می دانستم ای آقا و معبود و سرور من ! أُنْسِي لَطُّ النَّارِ عَلَى وُجُوهِ خَزَنَةِ لِعَظَمَتِكَ سَاجِدَةً ، آیا چیره می کنی آتش دوزخ را بر چهره هایی که در برابر عظمتت به سجده افتاده ، وَ عَلَى أَلْسِنِ نَطَقَتْ بِتَوْحِيدِكَ صَادِقَةً ، وَ بِشُكْرِكَ وَ بِرِزَانِ هَائِي كِه صَادِقَانِه بِه يگانگي ات گويا شده ، و به سپاس گزاری ات مَادِحَةً ، وَ عَلَى قُلُوبٍ اعْتَرَفَتْ بِإِلَهِيَّتِكَ مُحَقِّقَةً ، ستایش کنند ، و بر دل هایی که اقرار کرده اند به معبود بودند از روی يقين ، وَ عَلَى ضَمَائِرٍ حَوَّتْ مِنَ الْعِلْمِ بِكَ حَتَّى صَارَتْ وَ بِرِنِهَادِهَائِي كِه پَر شده از علم و معرفت تو تا به جایی که در برابرت خاشعَه ، وَ عَلَى جَوَارِحٍ سَبَعَتْ إِلَى أَوْطَانِ تَعْبُدِكَ فَرُوتِن گشته ، و بر اندام و جوارحی که مشتاقانه به پرستش گاه هایت

طَائِعَةً ، وَ أَشَارَتْ بِإِسْمِي تَغْفَارِكَ مُدْعِنَةً ، ما هَكَذَا شَتَافَتِه ، و اقرارکنان به گناه ، جویای آمرزش تو هستند ، نیست چنین الظنُّ بِكَ ، وَلَا

أَخْبِرْنَا بِفَضْلِكَ عَنكَ يَا كَرِيمُ يَا رَبَّ! گمانی درباره تو، و از فضل تو چنین خبری به ما نرسیده ای خدای بزرگوار ای پروردگار من! وَأَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفِي عَنْ قَلِيلٍ مِنْ بَلَاءِ الدُّنْيَا وَتُوْمِي دَانِي نَاتُوَانِي مَرَا دَر مَقَابِلِ اِنْدَكِي اَز كَرَفْتَارِي هَاي دُنْيَا وَ عَقُوْبَاتِيهَا، وَ مَا يَجْرِي فِيهَا مِنَ الْمَكَارِهِ عَلَي وَ كَيْفَرهَاي نَاجِيْزِ اَن، وَ نَامَلَايْمَاتِي كِه مِي رَسَد مَعْمُوْلًا بَر اَهْلِيهَا، عَلَي اَنَّ ذَلِكْ بَلَاءٌ وَ مَكْرُوْهُ قَلِيْلٌ مَكْنُوْهُ، اَهْلِ اَن، دَر صُوْرَتِي كِه اَيْن كَرَفْتَارِي وَ نَارَاحَتِي دُوَامَش كَم اَسْت، يَسِيْرٌ بَقَاؤُهُ، قَصِيْرٌ مُدَّتُهُ، فَكَيْفَ اِحْتِمَالِي لِبَلَاءٍ وَ دُوْرَانَش اِنْدَكْ، وَ مَدْتَش كُوْتَاَه اَسْت، پَس چَكُوْنِه اَسْت تَاب وَ تَحْمَلْ مَن دَر بَرَابَر عَذَابِ الْاٰخِرَةِ وَ جَلِيْلٍ وُقُوْعِ الْمَكَارِهِ فِيهَا، وَ هُوَ بَلَاءٌ اٰخِرْتِ وَ نَامَلَايْمَاتِ بَزْرَكِي كِه دَر اَن رَخ مِي دِهَد، دَر صُوْرَتِي كِه اَن كَرَفْتَارِي

تَطُوْلُ مُدَّتُهُ، وَ يَدُوْمُ مَقَامُهُ، وَ لَا يُخَفَّفُ عَنْ اَهْلِهِ، مَدْتَش طُوْلَانِي، وَ دُوَامَش هَمِيْشَكِي اَسْت، وَ تَخْفِيْفِي بَرَاي مَبْتَلَايَانِ بِه اَن نِيْسْت، لِاِنَّهُ لَا يَكُوْنُ اِلَّا عَنْ غَضَبِكَ وَ اِنْتِقَامِكَ وَ سِيْخَطِكَ؟! زِيْرَا اَن بَلَا اَز خَشْمِ وَ اِنْتِقَامِ وَ غَضَبِ تُو سِرْچَشْمِه كَرَفْتِه، وَ هَذَا مَا لَا تَقُوْمُ لَهُ السَّمَاوَاتُ وَ الْاَرْضُ، يَا سَيِّدِي وَ اَن هَم چِيْزِي اَسْت كِه اَسْمَانِ هَا وَ زَمِيْنِ، تَاب وَ تَحْمَلْ اَن رَا نَدَارِنْد. اِي اَقَاي مَن! فَكَيْفَ لِي وَ اَنَا عَبْدُكَ الضَّعِيْفُ الدَّلِيْلُ الْحَقِيْرُ تَا چِه رَسَد بِه مَن دَر حَالِي كِه مَن بِنْدِه نَاتُوَانِ رَسُوَاي نَاجِيْزِ الْمَسْكِيْنِ الْمُسْتَكِيْنِ  
! يَا اِلَهِي وَ رَبِّي



وَ سَيِّدِي دَرْمَانْدَه وَ بِيچاره تو هستم! ای معبود و پروردگار و آقا و مَوْلای! لَيْلِي الْأُمُورِ إِلَيْكَ أَشْكُو؟! وَ لِمَا مِنْهَا وَ سرور من! برای کدام یک از گرفتاری هایم به تو شکایت کنم؟! و برای کدام یک از آنها أَصِحُّ وَ أَبْكِي؟! لِإِلِيمِ الْعَذَابِ وَ شِدَّتِهِ؟! أَمْ لَطُولِ شِيون و گریه کنم؟! آیا برای عذاب دردناک و سختی آن؟! یا برای بلای

## قسمت دوم

الْبَلَاءِ وَ مُدَّتِهِ؟! فَلَيْسَ صَيَّرْتَنِي لِلْعُقُوبَاتِ مَعَ طَوْلَانِي وَ دَرَا مَدَّتْ أَنْ؟! پس اگر مرا به خاطر کیفرهایم در زمره اَعْدَائِكَ ، وَ جَمَعْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَهْلِ بَلَائِكَ ، دشمنانت قرار دهی ، و مرا با گرفتاران در بلا و عذابت در یک جا گرد آوری ، وَ فَرَّقْتَ بَيْنِي وَ بَيْنَ أَحِبَّائِكَ وَ أَوْلِيَاءِكَ . فَهَبْنِي وَ مِيان من و دوستان و برگزیدگانت جدایی اندازی ، گیرم که یا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلای وَ رَبِّي! صَبْرْتُ عَلَى ای معبود و آقا و سرور و پروردگارم! من صبر کنم بر عَذَابِكَ ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَلَى فِرَاقِكَ؟! وَ هَبْنِي عَذَابِ تو ، اما چگونه جدایی تو را تحمیل کنم؟! و گیرم که صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ ، فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظْرِ ای معبود من حرارت آتشت را تحمل کنم ، اما چگونه بر خود هموار سازم چشم پوشیدن إلی كَرَامَتِكَ؟! أَمْ كَيْفَ أَسْكُنُ فِي النَّارِ وَ رَجَائِي از بزرگواری ات را؟! یا چگونه در میان آتش بمانم در حالی که امید

عَفْوِكَ؟! فَبِعِزَّتِكَ يَا سَيِّدِي وَ مَوْلای! أَقْسِمُ صَادِقًا ، بَخْشِشْ تُو رَا دَارم؟! پس به عَزَّتِ ای آقا و سرور من! به راستی سوگند می خورم ، لَيْسَ تَرَكْتَنِي نَاطِقًا

لَا ضِحْنَ إِلَيْكَ بَيْنَ أَهْلِهَا كَهَ أَكْرَ زَبَانِم رَا دَرِ اَنجَا بَا زِ بَكْدَارِي حَتْمًا دَرِ مِيَانِ دُوزَخِيَانِ شِيُونِ رَا بَه سُوِيْتِ سِرِ دَهْمِ ضَجِيحِ الْاَمَلِيْنَ  
، وَ لَاصِرُ رَحْنِ اِلَيْكَ صِرَاخِ هَمچُونِ شِيُونِ اَرزُومَنْدَانِ ، وَ مَسَلَّمًا بَه دَرگَاهَتِ فَرِيَادِ بَرِ اَوْرَمِ چُونِ فَرِيَادِ الْمُسْتَضْرِحِيْنَ ، وَ لَابْكِيْنَ  
عَلَيْكَ بُكَاءَ الْفَاقِدِيْنَ ، فَرِيَادِرِسِ خَوَاهَانِ ، وَ قَطْعًا مَانَنْدِ عَزِيْزِ كَمِ كَرْدگانِ بَرِ دُورِيِ تُوِ كَرِيَهِ وَ زَارِيِ مِيِ كَنْمِ ، وَ لَانَادِيْنَكَ اَيْنِ  
كُنْتُ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِيْنَ ، يَا غَايَهَ وَ بَا صَدَايِ بَلَنْدِ تُوِ رَا مِيِ خَوَانِمِ وَ مِيِ كُوِيْمِ كَجَايِيِ اِيِ يَارِ وَ يَاوَرِ مُؤْمَنْانِ ، اِيِ مَنْتَهَايِ اَمَالِ  
الْعَارِفِيْنَ ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيْثِيْنَ ، يَا حَبِيْبَ اَرْمَانِ خَدَاشِنَاسَانِ ، اِيِ فَرِيَادِرِسِ دَرْمَانْدگانِ ، اِيِ دُوسْتَدَارِ قُلُوْبِ الصَّادِقِيْنَ ، وَ يَا اِلَهَ  
الْعَالَمِيْنَ ، اَفْتَرَاكَ دَلِ رَاسْتِ كُوِيَانِ ، وَ اِيِ مَعْبُودِ جَهَانِيَانِ ، اِيَا بَه رَاسْتِيِ چَنَانِ مِيِ بِيْنِيِ

سُبْحَانَكَ يَا اِلَهِيَّ وَ بِحَمْدِكَ ، تَسْمَعُ فِيْهَا صَوْتُ اِيِ پَاكِيْزَهِ وَ اِيِ مَعْبُودِمِ كَه بَه سَتَايِشْتِ مَشْغُولِمِ ، كَه بَشْنُوِيِ اَزِ مِيَانِ اَتَشِ  
صَدَايِ عَبْدِ مُسْلِمِ سِيْجِنِ فِيْهَا بِمُخَالَفَتِهِ ، وَ ذَاقَ طَعْمِ بَنْدَهِ مَسْلَمَانِيِ رَا كَه دَرِ اَثْرِ مَخَالَفَتَشِ دَرِ اَنجَا زَنْدَانِيِ شُدَه ، وَ چَشِيْدَه مَزَه  
عِيْذَابِهَا بِمَعْصِيَّتِهِ ، وَ حُبْسِ بَيْنِ اَطْبَاقِهَا بِجُزْمِهِ عَذَابِ اَتَشِ رَا بَه خَاطِرِ نَافَرْمَانِيِ اَشِ ، وَ كَرَفْتَارِ شُدَه دَرِ مِيَانِ طَبَقَاتِ دُوزَخِ بَه  
وَاسَطَه كَنْنَاهِ وَ جَرِيْرَتِهِ ، وَ هُوَ يَضْرُجُ اِلَيْكَ ضَجِيحِ مُؤَمِّلٍ وَ جَنَايِتَشِ ، وَ دَرِ اَنِ حَالِ بَه دَرگَاهَتِ شِيُونِ كَنْدِ هَمچُونِ شِيُونِ  
اَرزُومَنْدِ لِرَحْمَتِكَ ، وَ يُنَادِيْكَ بِلسَانِ اَهْلِ تَوْحِيْدِكَ ، وَ يَتَوَسَّلُ بَه رَحْمَتِ تُوِ ، وَ تُوِ رَا فَرِيَادِ مِيِ زَنْدِ بَا زَبَانِ يِگَانَه پَرِسْتَانِ ، وَ  
مَتُوسَلِ مِيِ كَرْدَدِ اِلَيْكَ

بِرُبُوبِيَّتِكَ . يَا مَوْلَايَ ! فَكَيْفَ يَبْقَى فِي بِه تُو بِه خَاطِر بِنْدَه پُرُورِي ات ، اِي سُرُور مِن ! پَس چِگونه بَمَانِد العَذَابِ وَ هُوَ يَرْجُو مَا سَلَفَ مِن حِلْمِكَ؟! اَمْ كَيْفَ دَر عَذَابِ دَر حَالِي كِه چِشَم اَمِيد دَارِد بِه بِرِدْبَارِي سَابِقَه دَارِت؟! يَا چِگونه

تُوْلِمُهُ النَّارُ وَ هُوَ يَأْمِلُ فَضْلَكَ وَ رَحْمَتَكَ؟! اَمْ كَيْفَ آتَشِ او رَا بِيَازَارِد دَر حَالِي كِه آرزُوي احسان و مِهْرَبَانِي تُو رَا دَارِد؟! يَا چِگونه يُحْرِقُهُ لَهِيئِهَا وَ اَنْتَ تَسْمَعُ صَوْتَهُ وَ تَرَى مَكَانَهُ؟! بِسُوزَانِد شَعْلَه آتَشِ او رَا بِاِيْنِكِه تُو صِدَائِشِ رَا مِي شِنُوي وَ جَائِشِ رَا مِي بِيْنِي؟! اَمْ كَيْفَ يَسْتَمِلُ عَلَيْهِ زَفِيرُهَا وَ اَنْتَ تَعْلَمُ ضَعْفَهُ؟! يَا چِگونه شَعْلَه هَايِ آتَشِ او رَا دَر بِرِ گِيرِد دَر حَالِي كِه تُو مِي دَانِي نَاتُوَانِي اَشِ رَا؟! اَمْ كَيْفَ يَتَقَلَّبُ بَيْنَ اطْبَاقِهَا وَ اَنْتَ تَعْلَمُ صِدْقَهُ؟! يَا چِگونه دَر مِيَانِ طَبَقَاتِ آتَشِ دِسْتِ وَ پَا زَنْدِ دَر حَالِي كِه تُو مِي دَانِي رَاسْتِگُويِي اَشِ رَا؟! اَمْ كَيْفَ تَزْجُرُهُ زَبَانِيَّتِهَا وَ هُوَ يُنَادِيكَ يَا رَبَّهُ؟! يَا چِگونه مَوَكَلَانِ دُوزَخِ او رَا بِاِ تَنْدِي بِرَآنَسِدِ دَر حَالِي كِه تُو رَا بِه پُرُورِدِگَارِي مِي خُوَانَسِد؟! اَمْ كَيْفَ يَرْجُو فَضْلَكَ فِي عِتْقِهِ مِنْهَا فَتَشْرُكُهُ فِيهَا؟! يَا چِگونه مَمَكِنِ اسْتِ كِه اَمِيدِ احسانِ تُو رَا دَاشْتَه بِاشِدِ دَر آزَادِي خُوِيْشِ وِليِ او رَا وَاكْذَارِي؟! هَيْهَاتَ ! مَا ذَلِكَ الظَّنُّ بِكَ ، وَ لَا المَعْرُوفُ مِن چِه بَسِيَارِ دُورِ اسْتِ از تُو وَ چِنِيْنِ گَمَانِي بِه تُو نِيَسْتِ ، وَ اِيْنِ سَانِ شَنَاخْتَه شَدَه نِيَسْتِ

فَضْلِكَ ، وَ لَا مُشَبَّهٍ لِمَا عَامَلْتَ بِه المُوَحِّدِيْنَ مِن احسانِ تُو ، وَ نِه شَبَاهَتِ بِاِ رِفْتَارِ تُو نَسِبَتِ بِه يِگَانَه پُرِسْتَانِ دَارِدِ بِاِ آنِ بَرِّكَ وَ اِحْسَانِكَ! فَبِالْيَقِيْنِ اَقْطَعُ لَوْ لَا

ما حَكَمْتَ بِه نِیْكَی و احسانت كه نسبت به آنها داری! و من به یقین می دانم كه اگر فرمان نداده بودی مِنْ تَعْدِیْبِ جاحِدِیْكَ ، وَ قَضَیْتِ بِه مِنْ اِخْلَادِ در عذاب كردن منكرانت ، و حكم نكرده بودی بر همیشه ماندن در عذاب مُعَاذِیْكَ ، لَجَعَلْتَ النَّارَ كُلَّهَا بَرْدًا وَ سَلَامًا ، وَ ما برای دشمنانت ، حتماً آتش دوزخ را هر چه بود به تمامی سرد و سالم می كردی ، كَانَ لِاِخْدِ فِيهَا مَقْرًا ، وَ لَا مُقَامًا ، لِكِنَّكَ تَقَدَّسَتْ وَ هیچ كس در آن قرارگاه و جایگاهی نداشت ، ولی تو ای خدایی كه مقدس است اَسْمَاؤُكَ ، اَقْسَمْتُ اَنْ تَمَلَّأَهَا مِنْ الكَافِرِیْنَ تمام نامهایت ، سوگند یاد کرده ای كه دوزخ را پر كنی از كافران مِنَ الْجِنَّهِ وَ النَّاسِ اَجْمَعِیْنَ ، وَ اَنْ تُخَلِّدَ فِيهَا از تمام جنیان و آدمیان ، و برای همیشه جای دهی در آن

المُعَاذِیْنَ ، وَ اَنْتَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ قُلْتَ مُبْتَدِئًا ، دشمنانت را ، و تو كه ستایشت برجسته است در ابتدا بدون سابقه فرمودی ، وَ تَطَوَّلْتَ بِالْاِنْعَامِ مُتَكَرِّمًا ، اَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا وَ به این بخشش از روی بزرگواری تفضّل كردی ، (كه فرمودی) «آیا كسی كه باایمان است كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا یَسْتَوُونَ . اِلَهِی وَ سَیِّدِی ! مانند كسی است كه تبهكار است؟ نه یكسان نیستند» . ای معبود من و ای آقای من ! فَاسِدِیْكَ بِالْقُدْرَةِ الَّتِی قَدَّرْتَهَا ، وَ بِالْقَضِیَّهِ الَّتِی به حقّ آن نیرویی كه مقدرش كردی ، و به فرمانی كه حَتَمْتَهَا وَ حَكَمْتَهَا ، وَ غَلَبْتَ مِنْ عَلَیْهِ اَجْرَیْتَهَا ، لازم کرده ای آن را و صادر فرموده ای

، و چیره گشتی بر هر کس که آن را بر او اجرا کردی ، أَنْ تَهَيَّبَ لِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ وَ فِي هَذِهِ السَّاعَةِ ، از تو می خواهم که بیخشی بر من در این شب و در این لحظه ، كُلَّ جُزْمٍ أَجْرَمْتُهُ ، وَ كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ ، وَ كُلَّ قَبِيحٍ هَرَجَرْتُهُ ، و هر گناهی را که از من سر زده ، و هر کار ناپسندی را که

أَسْرَرْتُهُ ، وَ كُلَّ جَهْلٍ عَمِلْتُهُ ، كَتَمْتُهُ أَوْ أَعْلَنْتُهُ ، پنهان کرده ام ، و هر نادانی ای که کرده ام ، چه آن را پوشانده و چه آشکار نموده باشم ، أَخْفَيْتُهُ أَوْ أَظْهَرْتُهُ ، وَ كُلَّ سَيِّئَةٍ أَمَرْتُ بِإِثْبَاتِهَا چِه پنهان نموده و چه عیان انجام داده ام ، و هر کار بدی را که دستور یادداشت آن را الْكِرَامَ الْكَاتِبِينَ ، الَّذِينَ وَكَلْتُهُمْ بِحِفْظِ مَا يَكُونُ به نویسندگان گرامی ات داده ای ، همان نویسندگانی که آنها را موکل بر ثبت اعمال منی ، وَ جَعَلْتُهُمْ شُهُوداً عَلَيَّ مَعَ جَوَارِحِي ، وَ كُنْتُ مِنْ كَرَمَةِ ، و آنها را همراه اندام و جوارحم گواه بر من کرده ای ، و اضافه بر آنها أَنْتَ الرَّقِيبُ عَلَيَّ مِنْ وَرَائِهِمْ ، وَ الشَّاهِدُ لِمَا خَوِّفْتُ مِنْ مَرَاتِبِي ، و نیز گواه اعمالی بودی که از ایشان خَفِيَ عَنْهُمْ ، وَ بَرَحَمْتِكَ أَخْفَيْتُهُ ، وَ بَفَضْلِكَ سَتَرْتُهُ ، پنهان مانده ، ولی به مهربانی خود آنها را پنهان داشتی ، و از فضل خود آنها را پوشاندی ، وَ أَنْ تُوفِّرَ حَظِّي مِنْ كُلِّ خَيْرٍ أَنْزَلْتَهُ ، أَوْ إِحْسَانٍ وَ نِيْزٍ مِي خَوِّفْتُ مِنْ مَرَاتِبِي ، و نیز می خواهم که بهره ام

را فراوان گردانی از هر خیری که فرو فرستاده ای ، یا احسانی که

فَضَّلْتَهُ ، أَوْ بَرَّ نَسْرَتَهُ ، أَوْ رَزَقَ بَسِيْطَتَهُ ، أَوْ ذَنْبٍ بفرمایی ، یا نیکی هایی که پخش کنی ، یا روزی ای که بگسترانی ، یا گناهی که تَغْفِرُهُ ، أَوْ خَطَأٍ تَسْتُرُهُ ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ ! بیامرزی ، یا خطایی که بپوشانی ، پروردگارا پروردگارا پروردگارا ! یا إِلَهِي وَ سَيِّدِي وَ مَوْلَايَ وَ مَالِكِ رِقِّي ! یا مَنْ ای معبود من و ای آقا و سرور من و ای زمامدار من ! ای کسی که بیده ناصیتی ، یا عَلِيْمًا بِضُرِّي وَ مَسِيْكَتِي ، زمام اختیارم به دست اوست ، ای دانای بر پریشانی و بی نوایی ام ، یا خَيْرًا بِفَقْرِي وَ فَاقَتِي ، یا رَبِّ یا رَبِّ یا رَبِّ ! ای آگاه از بی چیزی و تنگدستی ام ، پروردگارا پروردگارا پروردگارا ! اَسْمُكَ بِحَقِّكَ وَ قُدْسِكَ ، وَ اَعْظَمَ صِفَاتِكَ از تو می خواهم به حق خودت و به ذات مقدست ، و به بزرگ ترین صفات و اَسْمَائِكَ ، اَنْ تَجْعَلَ اَوْقَاتِي مِنَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ وَ نام هایت ، که بگردانی اوقاتم را در شب و روز

بِعِذِّكَ مَعْمُورَةً ، وَ بِعِدْمَتِكَ مَوْصُولَةً ، وَ اَعْمَالِي به یاد خودت معمور و آباد ، و به بندگی ات پیوسته داری ، و کارهای نیکم را عِنْدَكَ مَقْبُولَةً ، حَتَّى تَكُوْنَ اَعْمَالِي وَ اُوْرَادِي نزد خودت پذیرفته شده ، تا اینکه باشد کارها و گفتارم كُلُّهَا وِرْدًا وَاِحْدًا ، وَ حَالِي فِي خِدْمَتِكَ سَزْمَدًا . همگی یک جهت برای تو ، و حالم همیشه در بندگی ات صرف شود . یا سَيِّدِي ! یا

مَنْ عَلَيْهِ مُعْوَلِي ، يَا مَنْ إِلَيْهِ أَيْ آقَايِ مَنْ! اِي كَسِي كِه تَكِيه گَاهِم اوست ، اِي كَسِي كِه بِه دَر گَاه اَوْ شَكُوْتُ اَحْوَالِي ، يَا رَبِّ يَا رَبِّ يَا رَبِّ . قَوُّ عَلَي شَكَايَتِ اَحْوَالِ خُوِيَش بِيَرَم ، پَرورِد گَارَا پَرورِد گَارَا پَرورِد گَارَا . نِيرو دِه بَر خِدْمَتِيكَ جَوَارِحِي ، وَ اَشْدُدُّ عَلَي الْعَزِيْمَةِ جَوَانِحِي ، اَنْجَام خِدْمَتِ اَعْضَايِ مَرَا ، وَ مَحْكَم گَرْدَانِ بَرَايِ تَصْمِيْمِ خُودِ اَنْدَامِ مَرَا ، وَ هَبْ لِي الْجِدَّ فِي خَشِيَّتِكَ ، وَ الدَّوَامَ فِي الْاِتِّصَالِ وَ عَطَا فَرَمَا بِه مَن پَا فِشَارِي دَر بِيَمِ اَزِ خُودِ تِ ، وَ پَايِدَارِي دَر پِيُوسْتِنِ

بِخِدْمَتِكَ ، حَتَّى اسْرَحَ إِلَيْكَ فِي مَيَادِينِ السَّابِقِينَ ، بِه بِنْدِگِيِ اَتِ ، تَا بِه سُوِيَتِ بَرَانِمِ دَر مِيْدَانِ هَايِ پِيَشْتَازَانِ ، وَ اسْرَعَ إِلَيْكَ فِي الْبَارِزِينَ ، وَ اَشْتَقَى اِلَى قُرْبِكَ وَ دَر زَمْرِه شَتَابَنْدِگَانِ بِه سُوِيَتِ بَشْتَابِمِ ، وَ اَشْتِيَاقِ بَجُوِيْمِ بِه قُرْبِ تُو رَا فِي الْمُسْتَقَاتِينَ ، وَ اَذْنُوْ مِنْكَ دُنُوْ الْمُخْلِصِيْنَ ، دَر صَفِ اَرْزُوْمَنْدَانِ ، وَ نَزْدِيَكِ گَرْدَمِ هَمْچُوْنِ نَزْدِيَكِ شَدْنِ مَخْلَصَانِ بِه تُو ، وَ اَخَافُكَ مَخَافَةَ الْمُؤَقِنِينَ ، وَ اَجْتَمَعَ فِي جَوَارِكِ وَ اَزِ تُو بَتْرَسَمِ هَمْچُوْنِ تَرَسِ يَقِيْنِ كَنْنَنْدِگَانِ ، وَ دَر يَكِ جَا گَرْدِ اِيْمِ دَر جَوَارِ رَحْمَتِ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ . اَللّٰهُمَّ وَ مَنْ اَرَادَنِيْ بِسُوْءٍ فَعَارِذْهُ ، بَا اَفْرَادِ بَا اِيْمَانِ . خُدَايَا هَرْ كِه بَدِيِ مَرَا مِيِ خُوَاهَدِ بَدِيِ اَوْ رَا بَخُوَاه ، وَ مَنْ كَادَنِيْ فِكِدْهُ ، وَ اجْعَلْنِيْ مِنْ اَحْسَنِ عِبِيْدِكَ وَ هَرْ كِه مَرَا بَفْرِيْبِدِ تُو نِيْزِ بِه مَكْرِ خُوِيَشِ دِچَارَشِ كُنْ ، وَ بَهْتَرِ اَزِ دِيْگَرِ بِنْدِگَانِ قَرَارِ دِه نَصِيْبِيَاً عِنْدَكَ ، وَ اقْرِبْهُمْ مَنزِلَةً مِنْكَ ، وَ اخْصِهِمْ نَصِيْبِيْمِ رَا پِيَشِ خُودِ ،

و جایگاہم را نزد خود نزدیک تر از ایشان کن ، و مخصوص تر از دیگران

زُفِّهَ لَمَدَيْكَ ، فَإِنَّهُ لَا يُنَالُ ذَلِكَ إِلَّا بِفَضْلِكَ ، وَ جُيِدَ گردان رتبه ام را در پیشگاهت ، که همانا جز با بخشش تو کسی به این مقام نرسد ، و ببخشای لی بَجُودِكَ ، وَ اعْطِفْ عَلَيَّ بِمَجِيدِكَ ، وَ احْفَظْنِي بر من از جود و بخششت ، و محبت فرما بر من به مجد و بزرگواری خود ، و مرا نگاه دار بِرَحْمَتِكَ ، وَ اجْعَلْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ لَهْجًا ، وَ قَلْبِي به رحمت خود ، و قرار ده زبانم را به ذکرت گویا ، و دلم را بِحُبِّكَ مُتِّمًا ، وَ مَنْ عَلَيَّ بِحُسْنِ اجَابَتِكَ ، وَ اَقْلَبْنِي به دوستی ات بی قرار و شیدا ، و منت گذار بر من با پاسخ نیک دادنت ، و نادیده بگیر عَثْرَتِي ، وَ اغْفِرْ زَلَّتِي ، فَإِنَّكَ قَضَيْتَ عَلَيَّ عِبَادَكَ لَغْزَمِمْ رَا ، و بیامرز گناهم را ، زیرا تو خود بندگانت را فرمان داده ای بِعِبَادَتِكَ ، وَ اَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِكَ وَ ضَمِنْتَ لَهُمُ الاجَابَةَ ، به پرستش خویش ، و دستور داده ای به درخواست از درگاهت و پذیرفته ای برآوردن آن را ، فَإِلَيْكَ يَارَبُّ نَصَبْتُ وَجْهِي ، وَ اِلَيْكَ يَارَبُّ مَدَدْتُ پَس اِي پُروردگار من به سوی تو رو کردم ، و به درگاه تو ای پروردگارم دراز کردم

يَدِي ، فَبِعِزَّتِكَ اشْتَجِبُ لِي دُعَائِي وَ بَلَّغْنِي مُنَايَ ، دست حاجتم را ، پس به عزت سوگند که دعایم را مستجاب فرما و مرا به آرزویم برسان ، وَ لَا تَقْطَعْ مِنْ فَضْلِكَ رَجَائِي ، وَ اَكْفِنِي شَرَّ الْجِنِّ وَ قَطْعِ مَكْرَدَانِ اَمِيدَم رَا اَز



فضل و احسان خویش ، و حفظ فرما شرّ جنّ و الإنسِ مِنْ أَعْدَائِي . يَا سَرِيعَ الرِّضَا ، اِغْفِرْ لِمَنْ و انس از دشمنانم را ، ای خدای زودگذر ، پیامرز کسی را که لا يَمْلِكُ إِلَّا الدُّعَاءُ ، فَإِنَّكَ فَعَالٌ لِمَا تَشَاءُ . یا مَنْ جَزِ دَرِخَوَاسْت از تو چیزی ندارد ، که به راستی تو هر چه را بخواهی انجام دهی ، ای کسی که اسْمُهُ دَوَاءٌ وَ ذِكْرُهُ شِفَاءٌ وَ طَاعَتُهُ غِنَى ، اِرْحَمْ مَنْ نَامَسَ دَوَايِ دَرْدِهَآ و یادش بهبودی بیماری ها و طاعتش توانگری است ، رحم کن بر کسی که رَأْسُ مَالِهِ الرَّجَاءُ وَ سِلاَحُهُ الْبُكَاءُ . یا سَابِغَ النِّعَمِ ، سرمایه اش امید و ساز و برگش گریه و زاری است . ای تمام دهنده نعمتها ، یا دافِعَ النِّقَمِ ، یا نُورَ الْمُسْتَوْحِشِينَ فِي الظُّلَمِ ، و ای برطرف کننده گرفتاری ها ، ای روشنی وحشت زدگان در تاریکی ها ،

یا عَالِمًا لَا يُعَلِّمُ ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، ای دانایی که کسی او را دانا نکرده ، درود فرست بر محمد و خاندان محمد ، وَ أَفْعَلْ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ ، وَ صَيِّمِي اللَّهُ عَلَى رَسُولِهِ و انجام ده درباره من آنچه را که تو سزاوار آن هستی ، و درود خدا بر پیامبر و الْاِئِمَّةِ الْمَيَامِينِ مِنْ آلِهِ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا .

و پیشوایان بابرکت از خاندانش و سلام فراوان خدا بر آنان باد.

## دعای ندبه

### قسمت اول

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ، وَ صَيِّمِي اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا سَتَائِشِ مَخْصُوصِ خِدا پُروردگار جهانیان است ، و درود خدا بر آقای ما مُحَمَّدٍ نَبِيِّهِ وَ آلِهِ وَ سَلِّمْ تَسْلِيمًا . اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ

محمد پیامبرش و بر خاندان او و سلام فراوان بر ایشان باد . خدایا از آن توست ستایش علی ما جری به قضاؤک ، فی اولیائیک الذین بر آنچه جاری شد بدان قضا و قدر تو ، درباره بندگان مقرب آنان که استخلفیهتهم لنفسک و دینک ، إذ اخترت لهم خالص گردانیدی آنان را برای خود و دین خود ، چون انتخاب کردی برای آنها جزیل ما عندک من النعم المقیم ، الذی لا زوال آن نعمت فراوان و پایداری که نزد توست ، آن نعمتی که کاستی له و لما اضمحلال ، بعید ان شرطت علیهم الزهد ، و نابودی برایش نیست ، (و این) پس از آنی (بود که) با آنها شرط کردی تا کناره گیرند فی درجات هذه الدنيا الدنیه ، و زخرفها از درجات (و ریاست های) این دنیای پست و از زیب

و زبرجها ، فشرطوا لک ذلک و علمت منهم الوفاء و زیورش ، و آنها نیز این شرط تو را پذیرفتند ، و تو نیز وفای آنان را به این شرط دانستی به ، فقبلتهم و قربتهم و قدمت لهم الذکر العلی و پذیرفتیشان و مقرب درگاهشان کردی ، و مقرر داشتی از پیش برای ایشان نامی بلند و الثناء الجلی ، و اهبطت علیهم ملائکتک ، و ثنایی آشکار و فرو فرستادی برایشان فرشتگانت را و کرمتهم بوحيک ، و رفدتهم بعلمک ، و جعلتهم و گرامی داشتی آنان را به وحی خود و یاریشان کردی به علم خود و قرارشان دادی الذریعه الیک و الوسيله الی رضوانک ، فبعض واسطه در گاهت و وسیله ای به سوی خوشنودی ات ، پس برخی را اسکنته

جَنَّتِكَ إِلَىٰ أَنْ أَخْرَجْتَهُ مِنْهَا ، وَبَعْضُ دَرِّ بَهْشْتِ جَا دَادِي تَا آن گاه که از آنجا بیرونش آوردی و برخی را حَمَلْتَهُ فِي فُلِكَكَ وَ نَجَّيْتَهُ وَ مَنْ آمَنَ مَعَهُ مِنْ دَرِ كَشْتِي خُودِ سَوَارِ كَرْدِي وَ نَجَاتِ دَادِي او و همراهانش را که ایمان آورده بودند از

الْهَلَكَةِ بِرَحْمَتِكَ ، وَ بَعْضُ اتَّخَذْتَهُ لِنَفْسِكَ خَلِيلًا ، هَلَاكَتْ بَه مَهْرِ خُودِ ، وَ بَرُخِي رَا بَرَايِ خُودِ دُوسْتِ صَمِيمِي كَرَفْتِي ، وَ سَمَّاكَ لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ فَاجَبْتَهُ وَ او از تو درخواست کرد نام نیک را در امت های آینده و تو اجابت کردی آن را وَ جَعَلْتَ ذَلِكَ عَلِيًّا ، وَ بَعْضُ كَلَّمْتَهُ مِنْ شَجَرِهِ وَ نام او را بلند گرداندی ، و با برخی از میان درخت سخن گفتی تَكَلِيمًا وَ جَعَلْتَ لَهُ مِنْ أَخِيهِ رِذَاءً وَ وَزِيْرًا ، وَ بَعْضُ بَه طُورِ مَخْصُوصِي وَ بَرَايِ او بَرَادَرِشِ رَا يَاوَرِ وَ وَزِيْرِ كَرْدَانِيْدِي ، وَ بَرُخِي رَا أَوْلَدْتَهُ مِنْ غَيْرِ آبٍ وَ آتَيْتَهُ الْبَيِّنَاتِ وَ آيَدْتَهُ بَدُونَ پَدْرِ بَه وَ جُودِ آوَرْدِي وَ نِشَانِه هَايِ آشْكَارِي بَه او دَادِي وَ يَارِي فَرْمُودِي او رَا بِرُوحِ الْقُدُسِ ، وَ كُلُّ شَرَعَتْ لَهُ شَرِيْعَةً ، وَ نَهَجَتْ بَه رُوحِ الْقُدُسِ (جبرئیل) ، وَ بَرَايِ هَمِه آنهَا دِيْنِ وَ قَانُونِي مَقْرَرِ دَاشْتِي ، وَ مَعِيْنِ كَرْدِي لَهُ مِنْهَا جَاءً ، وَ تَخَيَّرَتْ لَهُ أَوْصِيَاءَ مُسْتَحْفِظًا بَعْدَ بَرَايِشِ طَرِيْقَه وَ بَرْنَامِه اِي ، وَ جَانِشِيْنَانِي بَرَايِ او اِنْتِخَابِ كَرْدِي تَا يَكِي پَسِ از دِيْگَرِي

مُسْتَحْفِظًا ، مِنْ مُيَدِّهِ إِلَىٰ مُيَدِّهِ ، اِقَامَةً لِدِيْنِكَ وَ حُجَّةً نَكْهَبَانَ (دین) باشد ، از زمانی تا زمان معینی برای برپا داشتن دین تو و حجتی باشند علی عبادك

، وَ لَيْلًا يَزُولَ الْحَقُّ عَنْ مَقَرِّهِ ، وَ يَغْلِبُ بِرَبِّدِ الْبَاطِلِ عَلَى أَهْلِهِ ، وَ لَا يَقُولُ أَحَدٌ لَوْلَا أَرْسَلْتَ بَاطِلًا بِرَبِّهِ ، وَ كَسَى نَكْوَيْدَ چَرَا نَفَرَسْتَادِي إِلَيْنَا رَسُولًا مُنْذِرًا ، وَ أَقَمْتَ لَنَا عِلْمًا هَادِيًا فَتَتَّبِعْ بِهِ سَوِي مَا پِيَامِبِرِي كِه مَا رَا بَتَرَسَانَدِ ، وَ چَرَا بِه پَا نَدَاشْتِي پَرچَمِي رَاهِنَمَا رَا تَا پِيروي كَنِيم آيَاتِك مِنْ قَبْلِ أَنْ نَنْزِلَ وَ نَخْزِي ، إِلَى أَنْ انْتَهَيْتَ از آيَاتِ تُو پيش از آن كِه خُوَارِ وَ رَسُوَا كَرْدِيم ، تَا اَيْن كِه رَسَانَدِي بِالْأَمْرِ إِلَى حَبِيبِكَ وَ نَجِيبِكَ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ كَار رَا بِه دَسْتِ دُوسْتِ خُودِ وَ بَر كَزِيدِه ات (حَضْرَت) مُحَمَّد - كِه دَرُودِ خُداوند بَر او وَ آلِهِ ، فَكَانَ كَمَا انْتَجَبْتَهُ سَيِّدًا مِنْ خَلْقَتِهِ ، وَ صَفْوَةً وَ خَانْدَانِش بَاد - ، پَس او چَنان بُوَد كِه او رَا بَر كَزِيدِي سَرُورِ آفَرِيدِ كَانْت ، وَ بَر كَزِيدِه

مَنْ اصْطَفَيْتَهُ ، وَ أَفْضَلَ مِنْ اجْتَبَيْتَهُ ، وَ أَكْرَمَ مِنْ بَر كَزِيدِ كَانْت ، وَ بَر تَرِينِ انْتِخَابِ شَدِ كَانْت ، وَ كَرَامِي تَرِينِ اعْتَمَدْتَهُ ، قَدَّمْتَهُ عَلَى أَنْبِيَاءِكَ ، وَ بَعَثْتَهُ إِلَى الثَّقَلَيْنِ مَعْتَمِدِينَ تُو بُوَد ، وَ او رَا بَر پِيَامِبِرَانْتِ مَقْدَمِ دَاشْتِي ، وَ مَبْعُوثِ فَرْمُودِي بِه سَوِي جَنَّ وَ انْسِ مِنْ عِبَادِكَ ، وَ أَوْطَأْتَهُ مَشَارِقَكَ وَ مَغَارِبَكَ ، وَ سَيَّخَرْتَهُ مِنْ بَنَدِ كَانْت ، وَ مَشْرِقِهَا وَ مَغْرِبِهَايِ عَالَمِ رَا زِيرِ فَرْمَانِ رَسَالَتِشِ كَزَارْدِي ، لَهُ الْبُرَاقُ ، وَ عَزَّجَتْ بِرُوحِهِ (بِه) إِلَى سَمَائِكَ ، وَ اسْبَ تِيزَرُو رَا مَسْخَرُو كَرْدَانْدِي ، وَ بِالْأَبْرَدِي بِه آسْمَانِ خُودِ او رَا ، وَ أَوْدَعْتَهُ عِلْمَ مَا

كَانَ وَمَا يَكُونُ إِلَىٰ انْقِضَاءِ خَلْقِكَ، وَعِلْمَ غَاضِقِ وَأَيُّدِهِ رَا بِي أَو سِيرِدِي تَا هِنِكَا مِ پَايَا نِ آفَرِينِش ، ثُمَّ نَصِيْرَتُهُ بِالرُّعْبِ وَحَفْفَتُهُ بِجَبْرِ آئِيْلٍ وَ مِيكَائِيْلٍ أُنْ گَا هِ أَو رَا بِي وَسِيْلِهِ تَرَسِ وَ رَعْبِ دَر دَلِ دَشْمَنْشِ يَارِي كَرْدِي وَ گَرْدَا گَرْدَشِ جِبْرِيْلٍ وَ مِيكَائِيْلٍ وَ الْمَسْوْمِيْنَ مِنْ مَلَائِكَتِكَ ، وَ وَعْدَتُهُ أَنْ تُظْهَرَ وَ فَرَشْتَا گَا نِشَا نِ دَارْتِ رَا وَا دَا شْتِي ، وَ بِي أَو وَعْدِهِ دَادِي كِي پِيْرُو زِ گَرْدَا نِي

دِيْنُهُ عَلَيِ الدِّيْنِ كُلِّهِ ، وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ ، وَ ذَلِكُمْ دِيْنِشِ رَا بَرِ هَمِهِ دِيْنِ هَا ، اگَر چِه مَشْرِكَا نِ خُوشِ نِدَا شْتِه بَا شَنْدِ ، وَ اِيْنِ جَرِيَا نِ بَعِيْدِ أَنْ بَوَّأْتَهُ مَبُوءًا صِدْقٍ مِنْ أَهْلِهِ ، وَ جَعَلْتَ لَهُ پَسِ ازِ آ نِي بُوْدِ كِي جَا يِشِ دَادِي دَرِ جَا يِگَا هِ رَا سْتِي ازِ خَا نْدَا نِشِ ، وَ قَرَارِ دَادِي بَرَا يِ أَوِ وَ لَهُمْ أَوَّلَ بَيْتٍ وَضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بَيَّكَهٗ مُبَارَكًا وَ خَا نْدَا نِشِ نَخَسْتِيْنِ خَا نِهِ اِيِ رَا كِي بَرَا يِ مَرْدَمِ بِنَا شْدِ كِي مَكِهِ اَسْتِ وَ مَا يِهِ بَرَكْتِ وَ هِيْدِي لِّلْعَالَمِيْنَ ، فِيْهِ آيَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيْمَ وَ مَوْجِبِ رَا هِنْمَا يِي جِهَانِيَا نِ اَسْتِ ، وَ دَرِ آ نِ نِشَا نِهِ هَا يِ آ شْكَا رِيِ اَسْتِ چُوْنِ مَقَامِ اِبْرَاهِيْمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ كَانَ آمِنًا ، وَ قُلْتَ: اِنَّمَا يُرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ وَ هَرَكِهِ بِي آ نِ وَا رْدِ شُوْدِ اِيْمَنْ اَسْتِ ، وَ فَرْمُوْدِي: «جَزِ اِيْنِ نِيْسْتِ كِي خُدا اِرَادِهِ فَرْمُوْدِهِ تَا دُورِ كَنْدِ عَنكُمْ الرَّجْسَ اَهْلَ الْبَيْتِ وَ يُطَهِّرْكُمْ تَطْهِيرًا ، ثُمَّ ازِ شَمَا خَا N\_D\_A\_Nِ ، پَلِيْدِيِ رَا وَ بِي خُوبِيِ شَمَا رَا پَا كِ گَرْدَا N\_Dِ» ، آ نِ گَا هِ جَعَلْتَ اَجْرَ مُحَمَّدٍ صِلَاوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَوَدَّتَهُمْ قَرَارِ دَادِي مَزْدِ مُحَمَّدِ رَا - كِي دَرُودِهَا يِ تُو بَرِ اَوِ وَ خَا N\_D\_A\_Nِشِ بَا Dِ - دُوسْتِيِ وَ مَوْدَّتِ اِيْشَا Nِ

فِي كِتَابِكَ ،

فَقُلْتُ: قُلْ لَا أَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا در کتاب خود و فرمودی: «بگو من از شما برای رسالت مزدی نخواهم جز المَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى ، وَ قُلْتُ: مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرِ دُوسْتِي خَوِيشَانِم» ، و فرمودی: «آنچه مزد از شما خواستم آن هم فَهُوَ لَكُمْ ، وَ قُلْتُ: مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرِ إِلَّا به سود شماس» ، و فرمودی: «من از شما برای رسالت مزدی نخواهم مگر مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَى رَبِّهِ سَبِيلًا ، فَكَانُوا هُمْ كَسَى كَه بِخَوَاهِد به سوی پروردگار خویش راهی پیش گیرد» ، و این ها بودند السَّبِيلَ إِلَيْكَ وَ الْمَسْئَلَةَ إِلَى رِضْوَانِكَ ، فَلَمَّا آن راه به سوی تو و طریقه سلوک به سوی خوشنودی ات ، و چون انْقَضَتْ أَيَّامُهُ أَقَامَ وَلِيُّهُ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ رُوزگار آن حضرت سپری شد برگماشت علی فرزند ابی طالب را صِلُوا تَكَ عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا هَادِيًا إِذْ كَانَ هُوَ الْمُنْدِرَ - که دروهای تو بر آن دو و بر خاندانشان باد - برای راهنمایی ، زیرا آن جناب بیم دهنده بود

وَ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ ، فَقَالَ وَ الْمَلَأُ أَمَامَهُ: مَنْ كُنْتُ وَ برای هر ملّتی راهنمایی است ، و در برابر مردمی که نزدش حاضر بودند فرمود: هر که من مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ مَوْلَايَ اُويم علی مولای اوست . خدایا دوست بدار هر که دوستش دارد ، و دشمن بدار هر که عاده ، وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ ، وَقَالَ: دشمنش باشد ، و یاری کن هر که یاری اش کند ، و خوار کن هر که خوارش کند ، و فرمود: مَنْ كُنْتُ أَنَا نَبِيُّهُ فَعَلِيٌّ أَمِيرُهُ ، وَ



خون من است ، صلح تو صلح من وَ حَرْبُكَ حَرْبِي ، وَ الْإِيمَانُ مُخَالَطُ لَحْمِكَ وَ دَمِكَ ، وَ جَنَگُ تُو جَنَگُ مَن اَسْتُ ، وَ اِيْمَانُ بَا گوشت و خون تو آمیخته شده ،

كَمَا خَالَطَ لَحْمِي وَ دَمِي ، وَ اَنْتَ غَدَاً عَلَيَّ الْحَوْضِ چنان که با گوشت و خون من آمیخته ، و تو در فردای محشر بر سر حوض (کوثر) خَلِيفَتِي ، وَ اَنْتَ تَقْضِي دِيْنِي وَ تُنْجِزُ عِدَاتِي ، جانشین من هستی ، و تو می پردازی قرض مرا و وفا می کنی به وعده های من ، وَ شَيْعَتُكَ عَلَيَّ مَنَابِرٍ مِّنْ نُورٍ ، مُبَيِّضَةً وُجُوْهُهُمْ وَ شِيْعِيَانَتِ بَرِ مَنبَرهایی از نور ، با چهره های (نورانی و) سفید حوْلی فِي الْجَنَّةِ وَهُمْ جِيرَانِي ، وَ لَوْلَا اَنْتَ يَا عَلِيُّ در بهشت اطراف منند در حالی که همسایگان من هستند ، و اگر تو نبودی ای علی لَمْ يُعْرِفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِي ، وَ كَانَ بَعْدَهُ هَيْدِي مِّنْ مُؤْمنان پس از من شناخته نمی شدند ، و آن جناب بود پس از رسول خدا راهنمای (مردم) از الضَّلَالِ وَ نُوراً مِّنَ الْعَمَى ، وَ حَبِيْلَ اللّٰهِ الْمَتِيْنَ گمراهی و مایه روشنایی از کوری جهالت ، و رشته محکم خدا وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيْمَ ، لَا يُسْبِقُ بِقَرَابَةٍ فِي رَحِمٍ وَ رَاةِ اَسْتِ اُو ، کسی پیشی نگرفت بر او در نزدیکی و خویشاوندی به رسول خدا

وَ لَا- بِسَابِقِهِ فِي دِيْنٍ ، وَ لَا يُلْحَقُ فِي مَنْقَبِهِ مِنْ وَ نَهْ اَزْ نَظَرِ سَابِقِهِ دَرِ دِيْنٍ ، وَ نَهْ كَسِي تُو اَسْتُ بَهْ اُو بَرَسَدِ دَرِ وَ صَفِي اَزْ مَنَاقِبِهِ ، يَحْدُو حَدَّو الرُّسُوْلِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِمَا اَوْصَافِ پَسَنَدِيْدَه ، قَدَمِ مِي گَدَاَشْتُ



به جای پای پیامبر - که درود خدا بر هر دوی ایشان و آل‌هما، و يُقَاتِلُ عَلَى التَّوِيلِ وَلَا تَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ و خاندان ایشان باد - ، و او بود که بر طبق تأویل و باطن قرآن می جنگید و درباره خدا باکی از لَوْمَهُ لَائِمٌ ، قَدْ وَتَرَ فِيهِ صَيْدَ نَادِيدِ الْعَرَبِ ، و قَتَلَ سِرْزَنْش ملامت کنندگان نداشت ، در راه خدا خون بزرگان عرب را به خاک ریخت ، و بکشت اَبْطَالَهُمْ و نَاوَشَ ذُؤَابَانَهُمْ ، فَأَوْدَعَ قُلُوبَهُمْ أَحْقَادًا ، دلاوران‌شان را و با گرگان‌شان درافتاد ، و همین سبب شد در دل‌های ایشان کینه‌ها بگذارد ، بَدْرِيَّةٌ وَ خَيْبَرِيَّةٌ وَ حُنَيْنِيَّةٌ وَ غَيْرُهُنَّ ، فَأَضَبَتْ عَلَى كَيْنِهِ هَيْ جَنَگِ بَدْر و خَيْبَر و حَنِین و غیر آنها ، پس به دل گرفتند عِدَاوَتِهِ ، وَاكْبَتْ عَلَى مُنَابَذَتِهِ ، حَتَّى قَتَلَ دَشْمَنِی او را ، و به جنک و مخالفت با او برخاستند ، تا کشت

النَّكِيثِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ ، وَلَمَّا قَضَى نَحْيَهُ پیمان شکنان (طلحه و زبیر و عایشه) و زورگویان (معاویه) و خوارج (اصحاب نهروان) را، و چون درگذشت و قَتَلَهُ أَشَقَى الْآخِرِينَ يَتَّبِعُ أَشَقَى الْأَوَّلِينَ ، و او را کشت بدبخت‌ترین مردم پسینیان که پیروی کرد از بدبخت‌ترین پیشینیان ، لَمْ يُمْتَلِ أَمْرُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ امثال نشد دستور رسول خدا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - ، فِي الْهَادِينَ بَعْدَ الْهَادِينَ ، وَ الْأُمَّةُ مُصَرَّةٌ عَلَى كَيْنِهِ هَيْ جَنَگِ بَدْر و خَيْبَر و حَنِین و غیر آنها ، پس از دیگری فرموده بود ، و اُمَّتِ پافشاری کردند بر مَقْتِهِ ، مُجْتَمِعَةً عَلَى قَطِيعِهِ رَحِمِهِ وَ إِقْصَاءِ

وُلْدِهِ ، دشمنی او ، و گرد آمدند برای قطع خویشاوندی او و تبعید و آواره کردن فرزندانش ، إِلَّا الْقَلِيلَ مِمَّنْ وَفِي لِرِعَايَةِ الْحَقِّ فِيهِمْ ، فَقَتَلَ جَزَائِدَ كَسَانِي كِه وفا کردند برای رعایت کردن حق در میان ایشان ، و در نتیجه جمعی مَن قُتِلَ ، وَ سُبِي مَن سُبِي ، وَ أَقْصَى مَن أَقْصَى ، کشته ، و گروهی اسیر ، و دسته ای از وطن آواره گشتند ،

وَ جَرَى الْقَضَاءُ لَهُمْ بِمَا يُرْجَى لَهُ حُسْنُ الْمُتُوبَةِ ، و قلم سرنوشت طوری بر ایشان جاری شد که امید پاداش نیک در آن می رود ، اِذْ كَانَتْ الْأَرْضُ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ، زیرا (کره) زمین از خداست و به هر که از بندگانش بخواهد آن را ارث دهد و بدو واگذارد ، وَ الْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ ، وَ سَيُجْحَنَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا وَ سِرَانِجَامِ از آن پرهیزکاران است ، و منزه است پروردگار ما که حتماً وعده پروردگارمان لَمَفْعُولًا ، وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ ، انجام شدنی است ، و خدا هرگز خلف وعده نمی کند و اوست ارجمند فرزانه ، فَعَلَى الْأَطَائِبِ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ صِلَاتِي پس بر پاکیزگان از خاندان محمد و علی - که درود الله عَلَيْهِمَا وَ آلِهِمَا ، فَلْيَبْكُوا الْبَاكُونَ ، وَ إِيَاهُمْ خِدا بر هر دوی ایشان و خاندانشان باد - ، باید گریه کنندگان بگریند ، و بر آنها فَلْيَنْدُبِ النَّادِبُونَ ، وَ لِمِثْلِهِمْ فَلْيَتَذَرَفِ الدَّمُوعُ ، باید زاری کنندگان زاری کنند ، و برای امثال آن ها باید اشک ها روان گردد ،

وَ لِيُصْرَخِ الصَّارِخُونَ ، وَ يَصْجِحِ الصَّاجُونَ ،

وَيَعِجَّ و فریاد زندگان فریاد زند ، و شیون کنندگان شیون نمایند ، و ناله کنندگان العاجون . أَيْنَ الْحَسَنُ أَيْنَ الْحُسَيْنُ ، أَيْنَ ابْنَاءِ نَالِه جَان سوز سر دهند که ، کجاست حسن ؟ کجاست حسین ؟ و کجایند فرزندان الحسین؟! صالحٌ بَعْدَ صَالِحٍ ، وَ صَادِقٌ بَعْدَ صَادِقٍ! حسین؟! شایسته ای پس از شایسته دیگر ، و راست گویی پس از راست گوی دیگر ، أَيْنَ السَّبِيلُ بَعْدَ السَّبِيلِ؟! أَيْنَ الْخَيْرَةُ بَعْدَ الْخَيْرَةِ؟! کجاست آن راه حق پس از راه دیگر؟! کجایند برگزیدگان (خدایی) هر یک پس از دیگری؟! أَيْنَ الشُّمُوسُ الطَّالِعَةُ؟! أَيْنَ الْأَقْمَارُ الْمُنِيرَةُ؟! أَيْنَ كَجَانِد خورشیدهای تابان؟! کجایند ماه های نورافشان؟! کجایند الْأَنْجُمُ الزَّاهِرَةُ؟! أَيْنَ أَعْلَامُ الدِّينِ وَ قَوَاعِدُ الْعِلْمِ؟! اختران فروزان؟! کجایند بزرگان دین و پایه های دانش؟! أَيْنَ بَقِيَّةُ اللَّهِ الَّتِي لَا تَخْلُو مِنَ الْعِتْرَةِ الْهَادِيَةِ؟! أَيْنَ كَجَانِد آن ذخیره خدا که بیرون نیست از خاندان راهنمای رسول خدا؟! کجاست

## قسمت دوم

الْمَعِيدُ لِقَطْعِ دَابِرِ الظُّلْمَةِ؟! أَيْنَ الْمُتَنَطِّرُ لِإِقَامِهِ آن که آماده شده برای بریدن ریشه ستمگران؟! کجاست آن که منتظر اویند برای راست کردن الْأَمْتِ وَ الْعَوَجِ؟! أَيْنَ الْمُزْتَجِي لِإِزَالَةِ الْجَوْرِ نادرستی ها و کجی ها؟! کجاست آن مایه امید برای از بین بردن ستم و الْعِيدُونَ؟! أَيْنَ الْمِدْخَرُ لِتَجْدِيدِ الْفَرَائِضِ وَالسُّنَنِ؟! و تجاوز؟! کجاست آن که ذخیره شده برای نو کردن فریضه ها و سنت های دین؟! أَيْنَ الْمُتَخَيِّرُ لِإِعَادَةِ الْمِلَّةِ وَ الشَّرِيعَةِ؟! أَيْنَ كَجَانِد آن که انتخاب گشته برای برگرداندن کیش و آیین؟! کجاست الْمُؤَمَّلُ لِإِحْيَاءِ الْكِتَابِ وَ حُدُودِهِ؟! أَيْنَ مُحْيِي آن که آرزویش داریم برای زنده کردن قرآن و حدود آن؟! کجاست زنده کننده مَعَالِمِ الدِّينِ وَ أَهْلِهِ؟! أَيْنَ قَاصِمُ شَوْكِهِ الْمُعْتَدِينَ؟! آثار دین و پیروان آن؟! کجاست درهم شکننده شوکت زورگویان؟! کجاست

أَيْنَ هَادِمِ أَيْتِهِ الشُّوكِ وَ النَّفَاقِ؟! أَيْنَ مُبِيدِ أَهْلِ كِجَاسْتِ وَيرانِ كُننده بِنیان های شرک و دورویی؟! كِجَاسْتِ نابود كننده اهل

الْفُسُوقِ وَ الْعَصِيَانِ وَ الطُّغْيَانِ؟! أَيْنَ حَاصِدِ فُرُوعِ نَپَارَسَايِي وَ گردن كشی و گستاخی؟! كِجَاسْتِ آن كه بُرِدِ شاخه های العیِّ وَ الشَّقَاقِ؟! أَيْنَ طَامِسِ آثَارِ الرِّيغِ وَ الأَهْوَاءِ؟! گمراهی و اختلاف را؟! كِجَاسْتِ نابود كننده آثار كج روی و هوی و هوس ها؟! أَيْنَ قَاطِعِ حَبَائِلِ الكَذِبِ وَ الإِفْتِرَاءِ؟! أَيْنَ مُبِيدِ كِجَاسْتِ پاره كننده دام های دروغ و بهتان؟! كِجَاسْتِ نابود كننده العُتَاهِ وَ المَرَدَةِ؟! أَيْنَ مُسَيِّئِ مُتَأَصِّلِ أَهْلِ العِنَادِ سر كشان و گردن كشان؟! كِجَاسْتِ ریشه كن كننده ستیزه جویان وَ التَّضَلُّلِ وَ الإِلْحَادِ؟! أَيْنَ مُعْزِ الأَوْلِيَاءِ وَ مُبِذِلِّ وَ گمراهان و بی دینان؟! كِجَاسْتِ عزت بخش دوستان و خوار كننده الأَعْدَاءِ؟! أَيْنَ جَامِعِ الكَلِمَةِ عَلَى التَّقْوَى! أَيْنَ دُشْمَنان؟! كِجَاسْتِ گردآورنده سخنان (پراكنده) بر پرهیزكاری؟! كِجَاسْتِ بَابُ اللّهِ الَّذِي مِنْهُ يُؤْتَى! أَيْنَ وَجْهُ اللّهِ الَّذِي آن درگاه خداوند كه از آنجا به سوی خدا روند؟! كِجَاسْتِ آن آئینه خدایی كه

إِلَيْهِ يَتَوَجَّهُ الأَوْلِيَاءُ؟! أَيْنَ السَّبَبِ المُتَّصِلُ بَيْنَ به سويش رو كنند اولیا؟! كِجَاسْتِ آن پیوند دهنده ميان الأَرْضِ وَ السَّمَاءِ؟! أَيْنَ صَاحِبِ يَوْمِ الفَتْحِ وَ ناشِئِ زَمِينِ وَ آسْمَانِ؟! كِجَاسْتِ آن فرمانروای روز فتح و پیروزی و برافرازنده رايه الهیدی! أَيْنَ مُؤَلِّفِ شَمْلِ الصَّلَاحِ وَ الرِّضَا؟! پرچم هدایت و راهنمایی؟! كِجَاسْتِ آن كه پريشانی خلق را اصلاح و دل ها را خوشنود می سازد؟! أَيْنَ الطَّالِبِ بِمَدْحُولِ الأَنْبِيَاءِ وَ اَبْنَاءِ الأَنْبِيَاءِ؟! أَيْنَ كِجَاسْتِ آن خواهنده خون (پاك) پیامبران و فرزندان پیامبران؟! كِجَاسْتِ الطَّالِبِ بِدَمِ المَقْتُولِ بِكَرْبَلَاءِ؟! أَيْنَ المَنْصُورُ آن خواهنده خون كشته شده كربلا؟! كِجَاسْتِ آن یاری شده و پیروزمند علی مَنِ اعْتَدَى عَلَيْهِ وَ افْتَرَى! أَيْنَ المَضْطَرُّ

بر کسانی که بر او ستم کردند و دروغ بستند؟! کجاست آن درمانده ای الذی یُجابُّ إذا دَعی! اَیْنَ صِدْرُ الْخَلَائِقِ ذُو الْبِرِّ که چون دعا کند به اجابت رسد؟! کجاست صدرنشین مخلوقات عالم، آن صاحب نیکوکاری

وَ التَّقْوَى! اَیْنَ ابْنُ النَّبِیِّ الْمُصْطَفَى وَ ابْنُ عَلِیٍّ وَ باتقوا؟! کجاست فرزند پیامبر برگزیده خدا و فرزند علی المرتضی و ابْنُ خَدِیجَةَ الْعَرَّاءِ وَ ابْنُ فَاطِمَةَ پسنیدیده خدا و فرزند خدیجه روشن سیما و فرزند فاطمه الکبری! بِابِی أَنْتَ وَ أُمِّی وَ نَفْسِی لَكَ الْوَقَاءُ بزرگ منش؟! پدر و مادرم به فدایت و خودم بلاگردان وَ الْحِمَى، یَابْنَ السَّادَةَ الْمُقَرَّبِیْنَ، یَابْنَ النَّجَبَاءِ و سپر پیش روی تو باشم، ای فرزند بزرگان مقرب درگاه حق، ای فرزند پاک نژادان الاکرمین، یَابْنَ الْهُدَاهِ الْمَهْدِیِّیْنَ، یَابْنَ الْخَیْرَةِ گرامی، ای فرزند راهنمایان راه یافته، ای فرزند برگزیدگان الْمَهْدِیِّیْنَ، یَابْنَ الْعَطَارِفَ الْاَنْجَبِیْنَ، یَابْنَ الْاَطَّابِ پاکیزه، ای فرزند سروران شرافتمند، ای فرزند نیکوترین الْمُطَهَّرِیْنَ، یَابْنَ الْخَضَارِمَ الْمُنتَجِبِیْنَ، یَابْنَ پاکان جهان، ای فرزند جوانمردان برگزیده، ای فرزند

الْقَمَاقِمِ الْاَکْرَمِیْنَ، یَابْنَ الْبُدُورِ الْمُنِیْرَةِ، یَابْنَ دریاهاى بخشش و عطای گرامی، ای فرزند ماه های نورافشان، ای فرزند السُّرُجِ الْمُضْطَبِّیَّةِ، یَابْنَ الشُّهْبِ الثَّقِیْبِ، یَابْنَ الْاَنْجُمِ چراغ های تابان، ای فرزند ستارگان فروزان، ای فرزند اختران الزَّاهِرَةِ، یَابْنَ السُّبُلِ الْوَاضِحَةِ، یَابْنَ الْاَعْلَامِ درخشان، ای فرزند راه های روشن، ای فرزند نشانه های اللَّائِحَةِ، یَابْنَ الْعُلُومِ الْکَامِلَةِ، یَابْنَ السُّنَنِ آشکار، ای فرزند دانش های کامل، ای فرزند آیین های الْمَشْهُورَةِ، یَابْنَ الْمَعَالِمِ الْمَأْثُورَةِ، یَابْنَ الْمُعْجَزَاتِ معروف و

مشهور ، ای فرزند آثار و معالم رسیده (از خدا و انبیا) ، ای فرزند معجزات المَوْجُودِهِ ، یَابْنَ الدَّلَائِلِ المَشْهُودِهِ ، یَابْنَ الصَّرَاطِ موجود ، ای فرزند دلیل های آشکار ، ای فرزند راه المُسَدِّتِیْمِ ، یَابْنَ التَّبِیِّ العَظِیْمِ ، یَابْنَ مَنْ هُوَ فِی رَاسِطِ ، ای فرزند آن خبر بسیار بزرگ ، ای فرزند کسی که در

أُمِّ الكِتَابِ لَمَدَى اللّهِ عَلَیَّ حَکِیْمٍ ، یَابْنَ الآیَاتِ دَفْتَرِ اصْلِی نَزْدَ خِدا «علی» (والا) و فرزانه است ، ای فرزند نشانه ها وَ البَیِّنَاتِ ، یَابْنَ الدَّلَائِلِ الظَّاهِرَاتِ ، یَابْنَ البَراهِیْنِ و برهان های آشکار ، ای فرزند دلیل های هویدا ، ای فرزند برهان های الواضِحَاتِ البَاهِرَاتِ ، یَابْنَ الحُجَجِ البَالِغَاتِ ، یَابْنَ نَمایان و درخشان ، ای فرزند حَجَّتِ های رسا ، ای فرزند النُّعْمِ السَّابِغَاتِ ، یَابْنَ طه وَ الْمُحَكَّمَاتِ ، یَابْنَ یَسِ نِعْمَتِ های شایان و فراوان ، ای فرزند طه و نشانه های استوار قرآن ، ای فرزند سوره یَسِ وَ الذَّارِیَاتِ ، یَابْنَ الطُّورِ وَ العَادِیَاتِ ، یَابْنَ مَنْ وَ ذاریات ، ای فرزند سوره طور و عادیات ، ای فرزند کسی که (در شب معراج) دَنَى فَتَدَلَّى ، فَكَانَ قَابَ قَوْسَیْنِ أَوْ أَدْنَى ، دُنُوًّا نَزْدِیْكَ شَدَّ پَسِ آوِیْخَتِ ، وَ نَزْدِیْكَ تَرَشَّدَ بِه فَاصِلَه دُو كَمَانِ یَا نَزْدِیْكَ تَر ، در نَزْدِیْكَ وَ اقْتِرَاباً مِنَ العَلِیِّ الأَعْلَى ! لَیْتَ شِعْرِی آئِنَ وَ قَرَبِ نَسَبِ بِه خِداى وَالای بَلَنْدِ مَرْتَبَه ! ای كَاش می دانستم كَجا

اسْتَقَرَّتْ بِكَ النُّوی ، بَلْ أَىَّ اَرْضٍ تُقَلِّكَ أَوْ ثَرَى ! دَلْ هَا بِه وَجُودِ تُو آرَامِ می شُونَد ، وَ چَه سِرْزَمِیْنِ وَ مَكَانِی تُو رَا نَگَه دَاشْتَه؟! اَبْرَضُوی أَوْ غَیْرَهَا أَمْ ذِی طُوی ! عَزِیْزُ

عَلَيَّ أَنْ آيَا در کوه رضوایی یا غیر آن یا در ذی طوایی؟! سخت است بر من که اَرَى الخَلْقَ وَلَا تُرَى ، وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيصًا وَ  
لا- مردم را بینم ولی تو دیده نشوی ، و نشنوم از تو صدایی و نه نجوی . عَزِيزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبَلْوَى ، زمزمه ای .  
سخت است بر من که احاطه کند فقط بر تو بدون من بلا ، وَلَا يَنَالُكَ مِنِّي ضَجِيحٌ وَلَا شَكْوَى . بِنَفْسِي أَنْتَ وَ صَدَاي زَارِي وَ  
شکایت من به تو نرسد . جانم به قربانت مِنْ مُعَيَّبٍ لَمْ يَخْلُ مِنَّا . بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَازِحِ اِي پنهانی که از میان ما بیرون نیستی .  
جانم به قربانت ای دور از نظری که ما نَزَحَ عَنَّا . بِنَفْسِي أَنْتَ أُمِّيَّةٌ شَائِقٌ يَتَمَنَّى از ما جدا نیستی . جانم به قربانت ای آرمان هر  
مشتاقی که آرزویت کنند

مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ ذَكَرًا فَحَنَّا . بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ اَز مردان و زنان باایمانی که به یاد تو ناله از دل کشند . جانم به قربانت ای عَقِيدِ  
عَزَّ لَا يُسَامِي . بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ اَثِيْلٍ مَجْدٍ بَسْتَه به عزتی که کسی بر تو برتری نگیرد . جانم به قربانت ای بزرگوار ریشه داری لا  
يُجَارِي . بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ تِلَادٍ نَعَمٍ لَا تُضَاهِي . که هم طراز ندارد . جانم به قربانت ای نعمت دیرینه ای که شبیه ندارد . بِنَفْسِي  
أَنْتَ مِنْ نَصِيْفٍ شَرَفٍ لَا يُسَاوِي . اِلَى مَتِي جانم به قربانت ای هم نشین بزرگواری که برابر ندارد ، تا کی اَحَارُ فَيْكَ يَا مَوْلَايَ!  
وَ اِلَى مَتِي وَ اَيَّ خِطَابٍ سرگردان

وجودت باشم ای مولای من؟! و تا کی و با چه زبانی اَصِفُ فِیْكَ وَ اَیُّ نَجْوٰی! عَزِیْزُ عَلَیَّ اَنْ اُجَابَ وَ صَفِ تُو گُویم و راز دل کنم؟! سخت و ناگوار است بر من که پاسخ بشنوم دُونَكَ وَ اُنَاغٰی . عَزِیْزُ عَلَیَّ اَنْ اُبْکِیْكَ وَ یُخْذَلْکَ از دیگری جز تو و با او گفتگو کنم . سخت است بر من که بر تو بگیریم ولی مردم تو را

الوٰری . عَزِیْزُ عَلَیَّ اَنْ یَجْرِی عَلَیْكَ دُوْنَهُمْ مَا سَخَتْ وَ اَکْذَارُنْد . سخت است بر من که بر تو بگذرد نه بر دیگران آنچه جَری ، هَیْلٌ مِنْ مُعِیْنٍ فَاطِیْلٌ مَعَهُ الْعَوِیْلُ وَ الْبُکَاآءُ؟ می گذرد ، آیا کمک کاری هست که با او فریاد و گریه را طولانی کنم؟ هَلْ مِنْ جَزُوْعٍ فَاَسَاعِدَ جَزَعُهُ اِذَا خَلَا؟ هَلْ قَمَدِیْتُ اَیَا بٰی تَابٰی (چون من) هست که چون به خلوت رود در زاری و جزع کمکش کنم؟ آیا چشمی عَیْنٌ فَاَسَاعَدَتْهَا عَیْنِی عَلَی الْقَدٰی هَلْ اِلَیْكَ هَسْت که خار فراق در آن رفته و گریان باشد تا چشم پر خار من نیز یاری اش دهد؟ آیا بسویت یَابْنَ اَحْمَدَ سَبِیْلٌ فَتَلْقٰی هَلْ یَتَّصِلُ یَوْمًا مِنْکَ اٰی پسر احمد راهی هست تا دیدارت کنم؟ آیا روز جدایی ما پیوست می شود بَعْدَهُ فَنَحْطٰی مَتٰی نَرِدُ مَنَا هَلْکَ الرَّوِیَّهَ فَنَزُوٰی به وعده تو تا بهره مند گردیم؟ کی می شود به سرچشمه های پر آبت در آیم و سیراب شویم؟ مَتٰی نُنْتَفِعُ مِنْ عَذْبِ مَا نِیْکَ فَقَدْ طَالَ الصَّدٰی مَتٰی کی می شود که سیراب گردیم از آب وصل تو که تشنگی ما طولانی شد؟ کی می شود

نُعَادِیْکَ وَ نُرَاوِحُکَ فَتَقَرُّ عَیْنًا؟ مَتٰی تَرَانَا وَ نَرَاکَ؟ صَبْحِ وَ



شام را با تو بسر بریم و دیده روشن کنیم؟ کی می شود تو ما را بینی و ما تو را بینیم؟ وَقَدْ نَشَرْتَ لَوَاءَ النَّصْرِ تَرِي؟ اترانا نَحْفُ بِعِكَ و پرچم نصرتت را برافراشته باشی و مردم بینند؟ آیا می بینیم روزی که گرداگردت را گرفته باشیم وَأَنْتَ تَوُمُّ الْمَلَأَ، وَقَدْ مَلَأْتَ الْأَرْضَ عَيْدَلًا، وَأَذَقْتَ و تو رهبر مردم باشی، و زمین را پر از عدل و داد کنی، و بچشانی اَعْدَاءَكَ هَوَانًا وَ عِقَابًا، وَ أَبْرَتَ الْعُنَاةَ وَ جَحْدَةَ به دشمنان خواری و کیفر را، و نابود کنی سرکشان و منکران الحق، وَ قَطَعْتَ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ وَ اجْتَنَنْتَ أُصُولَ حَقِّ رَا، و بزنی ریشه گردن کشان را، و از بیخ بر کنی اساس الظالمین، وَ نَحْنُ نَقُولُ: الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، ستم کاران را، و ما در آن حال می گوئیم: ستایش خاص خدا پروردگار جهانیان است. اَللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَفْتَ الْكُرْبَ وَ الْبَلْوَى، وَ الْيَكَّ خَدَايَا! تویی برطرف کننده گرفتاری ها و بلاها، و از تو

أَسْتَعْدِي فَعِنْدَكَ الْعَدْوَى، وَ أَنْتَ رَبُّ الْآخِرَةِ دَادِرْسِي و یاری جویم که در نزد تو است دادخواهی، و تویی پروردگار آخرت وَ الدُّنْيَا، فَاعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَعِيثِينَ عَيْنِدَكَ و دنیا، پس فریادرسی کن ای فریادرس درماندگان! از بنده کوچک المبتلی، وَ أَرِهِ سَيِّدَهُ يَا شَدِيدَ الْقُوَى، وَ أَزِلْ عَنْهُ و گرفتارت، و بنمایان به او آقایش را ای پرتوان، و زایل کن از او به الّاسی وَ الْجَوَى، وَ بَرِّدْ غَلِيلَهُ يَا مَنْ عَلَى بِهِ

دیدار آن حضرت اندوه و سوز دلش را، و فرو نشان سوز عطشش را، ای که بر العرش استوی، و منْ اِلَيْهِ الرَّجْعِي وَ الْمُنْتَهَى .  
عرش پابرجایی، و ای که به سوی اوست بازگشت و سرمنزل هر چیز. اَللّٰهُمَّ وَ نَحْنُ عَبِيدُكَ التَّائِقُونَ اِلَى وَّلِيِّكَ الْمَذْكُورِ خدایا  
این ماییم بندگان تو که شیفته دیدار دوست هستیم، آن که مردم را به یاد بک و بِنَبِيِّكَ، خَلَقْتَهُ لَنَا عِضْمَهُ وَ مَلَاذًا، وَ اَقَمْتَهُ لَنَا  
تو و به یاد پیامبرت اندازد، و تو او را آفریدی که نگهدار و پناه گاه ما باشد، و برپایش داشتی

قَوَامًا وَ مَعَاذًا، وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مَنًا اِمَامًا، فَبَلِّغْهُ تَا مَایه پایداری و نگهدار ما باشد، و او را پیشوای مؤمنین از ما گردانی، پس  
برسان به آن مَنَّا تَحِيَّهً وَ سَيِّلًا، وَ زِدْنَا بِحَدِّكَ يَا رَبِّ اِكْرَامًا، جناب از طرف ما درود و سلامی، و بیفزا بدین وسیله ای  
پروردگار ما بر کرامت و مقام ما، وَ اجْعَلْ مُسْتَقَرَّهُ لَنَا مُسْتَقَرًّا وَ مُقَامًا، وَ اَتِمِّمْ نِعْمَتَكَ وَ جَايْگَاهِ او را جایگاه و اقامت گاه ما  
قرار ده، و کامل کن نعمتت را بر ما بِتَقْدِيمِكَ اِيَّاهُ اَمَامَنَا، حَتَّى تُورِدَنَا جَنَّاتِكَ وَ مُرَافَقَهُ به مقدم داشتن آن بزرگوار در پیش  
روی ما، تا ما را به بهشت های خود درآوری، و به رفاقت الشُّهَدَاءِ مِنْ خُلَصَاءِكَ. اَللّٰهُمَّ صِلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ هَمِ نَشِينِي  
شهیدان از بندگان خالصت برساند. خدایا درود فرست بر محمد و آلِ مُحَمَّدٍ، وَ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ جَدِّهِ

وَرَسُولِكَ وَخَانِدَانِ مُحَمَّدٍ ، وَدَرُودِ فَرَسْتِ بِرِ مُحَمَّدٍ جَدِّ بَزْرگَوَارِ اَوْ وَرَسُولِ تَوِ السَّيِّدِ الْاَكْبَرِ ، وَ عَلِيٍّ اَبِيهِ السَّيِّدِ الْاَضْيَعْرِ ، وَ  
جَدَّتِهِ اَنْ اَقَايِ بَزْرگِ ، وَ بِرِ عَلِيٍّ بِدْرِ بَزْرگَوَارِشِ اَنْ اَقَايِ كُوجَكِ تَرِ ، وَ بِرِ جَدِّهِ اَشِ

الصَّدِيقَةِ الْكُبْرَى فَاطِمَةَ بِنْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللهُ رَاسْتِ گُويِ بَزْرگِ مَنْشِ فَاطِمَةَ دَخْتَرِ مُحَمَّدٍ - كِهْ دَرُودِ خَدَاوَنْدِ عَلَيِّهِ وَ آلِهِ ، وَ  
عَلِيٍّ مَنِ اَضْيَطْفَيْتِ مِنْ اَبَائِهِ الْبَرَرَةِ ، بِرِ اَوْ وَ خَانِدَانِشِ بَادِ - ، وَ بِهْ بِرِ گَزِيْدِ گَانِ نِيَكِ رِفْتَارِ اَزِ پَدْرَانِ اَنْ حَضْرَتِ ، وَ عَلَيِّهِ اَفْضَلُ وَ  
اَكْمَلُ ، وَ اَتَمُّ وَ اَدْوَمُّ ، وَ اَكْثَرُ وَ اَوْفَرُ وَ بِرِ خُودِ حَضْرَتِ فَزُوْنِ تَرِيْنِ وَ كَامَلِ تَرِيْنِ ، وَ تَمَامِ تَرِيْنِ وَ مَدَامِ تَرِيْنِ ، وَ بِيَشْتَرِيْنِ وَ فِرَاوَانِ  
تَرِيْنِ مَا صَيَّلْتِ عَلَيِّ اَحَدٍ مِنْ اَضْفِيَاءِكَ وَ خِيَرَتِكَ مِنْ دَرُودِيْ كِهْ فَرَسْتَادِهْ اِيْ بِرِ يَكِيْ اَزِ بِرِ گَزِيْدِ گَانِ وَ نِيَكَانِ اَزِ خَلْقِكَ ، وَ صَلِّ  
عَلَيِّهِ صَيَّلَاةً لَّا - غَايَةَ لِعَدَدِهَا ، وَ لَّا - نِهَايَةَ خَلْقِ خُودِ ، وَ دَرُودِ فَرَسْتِ بِرِ اَنْ جَنَابِ دَرُودِيْ بِيْ پَايَانِ اَزِ حَيْثِ شَمَارِهْ ، وَ بِيْ پَايَانِ  
لِمَدَدِهَا ، وَ لَّا نَفَادَ لِمَدَدِهَا . اَللّٰهُمَّ وَ اَقِمِّ بِهِ الْحَقَّ ، اَزِ حَيْثِ زَمَانِ ، وَ بِيْ پَايَانِ اَزِ حَيْثِ مَدَّتِ . خَدَايَا حَقِّ رَا بِهْ وَ سَيِّلِهْ اَنْ حَضْرَتِ  
بِرِ پَا دَارِ ، وَ اَذْحِضْ بِهِ الْبَاطِلَ ، وَ اَدِلْ بِهِ اَوْلِيَاءَكَ ، وَ اَذِلِّ بِهِ وَ بَاطِلِ رَا بِدُوْ نَابُودِ گَرْدَانِ ، وَ رَاهِنْمَايِيْ كَنْ دُوسْتَانْتِ رَا بِهْ وَ سَيِّلِهْ  
اَوْ ، وَ خُوَارِ گَرْدَانِ بِهْ دَسْتِ اَوْ

اَعْدَاءَكَ ، وَ صِلِ اللّٰهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ وَصْلَةً تُؤَدِّيْ دُشْمَنَانْتِ رَا ، وَ پِيُوْنْدِ كَنْ خَدَايَا مِيَانِ مَا وَ اَوْ رَا بِهْ پِيُوْنْدِيْ كِهْ

برساند إلى مُرَافِقِهِ سَلْفِهِ ، وَ اجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ مَا رَا بِهِ هَمَّ نَشِينِي پدران گذشته او ، و قرار بده ما را از کسانی که دامن آنها را بگیرند وَ يَمْكُثُ فِي ظِلِّهِمْ ، وَ اعْنَا عَلٰى تَادِيَةِ حُقُوقِهِ الْاِيَّهٖ ، و در سایه لطف آنها بایستند ، و کمک کن ما را بر ادای حقوق آن حضرت ، وَ الاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ ، وَ اجْتِنَابِ مَعْصِيَةِ بَيْتِهِ ، وَ اٰمِنُنْ و سعی و کوشش در فرمانبرداری اش ، و دوری از نافرمانی اش ، وَ مَنّت بگذار عَلَيْنَا بِرِضَاہٖ ، وَ هَبْ لَنَا رَافِعَتَهُ وَ رَحْمَتَهُ وَ دُعَاةَهُ بر ما به خوشنودی اش ، و بیخش بر ما دلسوزی و مهربانی و دعا وَ خَيْرَهُ ، مَا نَنَالُ بِهِ سِعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ وَ فَوْزًا عِنْدَكَ ، و خیر آن حضرت را ، بدان حدّ که برسیم بدان وسیله به رحمت وسیع تو و کامیابی از نزد تو ، وَ اجْعَلْ صِلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً ، وَ ذُنُوبَنَا بِهِ مَغْفُورَةً ، و قرار بده نمازهای ما را به وسیله او پذیرفته ، و گناهانمان را آمرزیده ،

وَ دُعَاةَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا ، وَ اجْعَلْ اَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً ، و دعاهایمان را مستجاب شده ، و قرار ده روزی های ما را بدان حضرت گسترده ، وَ هُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً ، وَ حَوَانِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً ، وَ اَقْبِلْ و اندوه های ما را به وسیله اش برطرف شده ، و حاجت هایمان را روا شده ، و رو کن اِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ ، وَ اَقْبِلْ تَقَرُّبَنَا اِلَيْكَ ، وَ اَنْظُرْ به سوی ما (پروردگارا) بدان چهره بزرگواریت ، و بپذیر تَقَرُّبِ جویی ما را به درگاہت ، و بنگر اِلَيْنَا نَظْرَةً

رَحِيمَةً ، نَسَيْتُكُمْ بِهَا الْكَرَامَةَ عِنْدَكَ ، به سوی ما نگاهی مهربانانه ، تا بدان وسیله بتوانیم مقام خود را در پیش تو به کمال رسانیم ، ثُمَّ لَا تَصْرِفْهَا عَنَّا بِجُودِكَ ، وَاسْتَقِنَا مِنْ حَيْوُضِ حَيْدِهِ وَهَرَكِزِ آن مقام را از ما بازنگردان به بخشش خودت ، و سیرابمان کن از حوض جدش صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِكَأْسِهِ وَبِيَدِهِ رِيًّا رَوِيًّا هَنِيئًا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - از جام او و به دست آن جناب و سیر و سیراب و گوارا سَائِغًا لَا ظَمًا بَعْدَهُ ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ .

و خوش که تشنگی پس از آن نباشد ، ای مهربان ترین مهربانان .

## دعای سمات

### قسمت اول

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْأَعْظَمِ الْأَعَزِّ خَدَايَا از تو درخواست می کنم به حَقِّ نام بزرگ تو که از همه نام ها بزرگ تر و عزیزتر الاجل الْأَكْرَمِ ، الَّذِي إِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى مَغَالِقِ وَبِرَجْسَةِ تَرَوِ كَرَامِي تَرَأَسَتْ ، همان نامی که هرگاه خوانده شوی بدان نام برای گشودن أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَةِ انْفَتَحَتْ ، وَإِذَا دُعِيَ دَرَاهِي بَسْتَةِ آسْمَانِ ، به رحمت گشوده شود ، و هرگاه خوانده شوی بِهِ عَلَى مَضَائِقِ أَبْوَابِ الْأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ ، بدان نام برای گشایش تنگناهای درهای زمین باز شود ، وَإِذَا دُعِيَ بِهِ عَلَى الْعُسَيْرِ لِلْيُسْرِ تَيْسَّرَتْ ، وَإِذَا وَهَرَكاه خوانده شوی بدان نام برای آسان شدن سختی آسان گردد ، و هرگاه دُعِيَ بِهِ عَلَى الْأَمْوَاتِ لِلنُّشُورِ انْتَشَرَتْ ، وَإِذَا وَهَرَكاه خوانده شوی بدان نام برای زنده شدن مردگان زنده شوند ، و هرگاه

دُعِيَ بِهِ عَلَى كَشْفِ الْبُؤْسَاءِ وَالضَّرَائِ انْكَشَفَتْ ، خوانده شوی



آن را قرار دادی نهاراً، وَ جَعَلْتَ النَّهَارَ نُشُوراً مُبْصِراً، وَ خَلَقْتَ بِهَا رُوزاً، وَ رُوزاً رَا هَم (هنگام کار و) جنبش و مایه بینش قرار دادی، وَ بَدَانَ آفَریدی الشَّمْسَ وَ جَعَلْتَ الشَّمْسَ ضِیَاءً، وَ خَلَقْتَ بِهَا خُورشید رَا وَ خُورشید رَا نِیز فَرُوزَانَ کَرَدی، وَ بَدَانَ خَلْقَ کَرَدی الْقَمَرَ وَ جَعَلْتَ الْقَمَرَ نُوراً، وَ خَلَقْتَ بِهَا الْکَوَاکِبَ مَاهَ رَا وَ بَرَایَ آن نُورَ وَ رُوشنایی قَرَار دَادی، وَ بَدَانَ سِتَارِکَانَ رَا آفَریدی

وَ جَعَلْتَهَا نُجُوماً وَ بُرُوجاً وَ مَصَابِیحَ وَ زینَهَ وَ قَرَارشان دَادی اخْتِرَانی تَابَناکَ وَ بَرَجَها وَ چَرَاغَهایی وَ زیوربَخشِ آسْمَانَ وَ رُجُوماً، وَ جَعَلْتَ لَهَا مَشَارِقَ وَ مَغَارِبَ، وَ جَعَلْتَ وَ وَسِیلَه رانَدن (شیاطین)، وَ قَرَار دَادی بَرَایَ آن هَا شَرْقَها وَ غَرْبَها، وَ نِیز قَرَار دَادی لَهَا مَطَالِعَ وَ مَجَارِیَ، وَ جَعَلْتَ لَهَا فَلْکاً وَ مَسَابِیحَ، بَرَایش طُلُوعَ گَاهَها وَ گَرْدَشَ گَاهَها، وَ قَرَار دَادی بَرَایَ هَر یَکِ از آن هَا مَدَار حَرکتَ وَ شَنَاوری وَ قَدَرْتَهَا فِی السَّمَاءِ مَنَازِلَ، فَأَحْسِنْتَ تَقْدِیرَهَا، وَ مَعینَ فَرمودی بَرَایَ آن هَا در آسْمَانَ مَنَازِلَ وَ خانَه هایی، وَ بَه خُوبی اَندازَه گَرَفْتی. وَ صَوَّرْتَهَا، فَأَحْسِنْتَ تَصْویرَهَا، وَ أَحْصَيْتَ يَتَهَا وَ چَهرَه پَردازی شان کَرَدی، وَ چَه نِیکو صُورَتشان دَادی، وَ بَرشْمردی آن هَا رَا بِأَسْمَائِكَ إِحْصَاءً، وَ دَبَّرْتَهَا بِحِکْمَتِكَ تَدْبِيراً، بَه نَام هَایِ خُویش بَرشْمردنی دَقِیقَ، وَ بَا حِکْمَتِ خُویش بَا کَمالَ تَدبیرِ اَدارَه نَمودی، وَ أَحْسَنْتَ تَدبیرَهَا، وَ سَخَّرْتَهَا بِسُلْطَانِ اللَّیْلِ وَ چَه نِیکو تَدبیر کَرَدی، وَ تَسْخیرشان کَرَدی بَه وَسِیلَه تَسَلُّطِ شَب

وَ سُلْطَانِ النَّهَارِ وَ

السَّاعَاتِ وَ عِدَدِ السِّنِينَ وَ تَسَلَّطَ رُوزَ بَرَاءِ تَنْظِيمِ سَاعَاتِهَا وَ شَمَارَهُ سَالِهَا وَ الْحِسَابِ ، وَ جَعَلَتْ رُؤْيَتَهَا لِجَمِيعِ النَّاسِ مَرِيئًا وَ بَرَقَارِي حِسَابِ ، وَ قَرَارِ دَادِي دِيدَنَشَانِ رَا بَرَاءِ هَمَه مَرْدَمِ بَه صُورَتِ وَاحِدًا ، وَ أَسْئَلُكَ اللَّهُمَّ بِمَعِيَدِكَ الَّذِي كَلَّمْتَهُ بِهِ يَكْنُوَاحَتِ ، وَ از تُو مِي خُوَاهِمِ خُدَايَا بَه حَقِّ آن بَزْرگُوَارِي اتِ كِه سَخْنِ كُفْتِي بَدَانِ عِبْدَكَ وَ رَسُولَكَ مُوسَى بَنِّ عَمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَا بَنْدَه وَ فَرَسْتَادَه اتِ مُوسَى پَسْرِ عَمْرَانَ - كِه دَرُودِ خُدَا بَرِ او بَادِ - فِي الْمُقَدَّسِينَ ، فَوْقَ إِحْسَاسِ الْكُرُوبِينَ ، فَوْقَ دَر مِيَانِ قَدَسِيَانِ ، بَرْتَرِ از دَرِيَا فْتِ مَهْتَرَانَ فَرَشْتِكَانَ ، بِالْأَنْتَرِ غَمَائِمِ النُّورِ ، فَوْقَ تَابُوتِ الشَّهَادَةِ فِي عَمُودِ از اَبْرَهَائِ نُورِ ، وَ بِالْأَنْتَرِ از صَنْدُوقِ شَهَادَتِ كِه دَر مِيَانِ سَتُونِي النَّارِ ، وَ فِي طُورِ سَيْنَاءَ ، وَ فِي جَبَلِ حُورِيثِ فِي از آتَشِ (بُودِ) ، وَ هَمِ دَر طُورِ سِينَا ، وَ دَر كُوهِ حُورِيثِ دَر

الْوَادِي الْمُقَدَّسِ ، فِي الْبُقْعَةِ الْمُبَارَكَةِ مِنْ جَانِبِ سِرْزَمِينِ پَاكِيْزَه ، دَر بَقْعَه مَبَارَكِ از جَانِبِ الطُّورِ الْاَيْمَنِ مِنَ الشَّجَرَةِ ، وَ فِي اَرْضِ مِصْرَ بَشْعِ رَاسْتِ كُوهِ طُورِ از دَرِخْتِ ، وَ دَر سِرْزَمِينِ مِصْرَ بَا نُهْ آيَاتِ بَيِّنَاتِ ، وَ يَوْمَ فَرَقْتِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ ، مَعْجَزَه أَشْكَارِ ، (بَه حَقِّ بَزْرگُوَارِي اتِ دَر) رُوزِي كِه دَرِيَا رَا بَرَاءِ بَنِي إِسْرَائِيلَ شَكَا فْتِي ، وَ فِي الْمُتَبَجِّسَاتِ الَّتِي صَيَّغَتْ بِهَا الْعَجَائِبُ فِي وَ نِيْزِ دَر (رُوزِي كِه) چَشْمَه هَائِ جُوشِيْدَه وَ جَارِي (از سَنْگِ) كِه از آن عَجَائِبِي سَاخْتِي دَر بَحْرِ سُوفِ ، وَ عَقَدْتَ مَاءَ الْبَحْرِ فِي قَلْبِ الْعَمْرِ دَرِيَايِ سُوفِ ، وَ دَر دَلِ آنِ دَرِيَايِ عَظِيمِ



آب آن دریا را منجمد کرده و بستی کالجاره، و جاوزت بینی اسیر آئیل البحر، و تمت مانند سنگ، و بنی اسرائیل را از دریا عبور دادی و تمام کردی کلمتک الحسینی علیهم بما صبروا، و اوزتتهم وعده نیکت را به خاطر صبری که کردند بر ایشان، و وارث و مالک کردی آنان را

مشارق الارض و مغاربها التي باركت فيها بر شرق و غرب سرزمینی که مبارک گردانده بودی للعالمین، و اغرقت فرعون و جنوده و مراکبه فی برای جهانیان، و غرق کردی فرعون و سپاهیان را با مرکب هایشان در الیم. و باسمک العظیم الاعظم الاعز الاجل دریا. و سوگند به حق نام بزرگ و اعظم و عزیزتر و برتر الاکرم، و بمجدک الادی تجلیت به لموسی و گرامی تری، و به حق آن مجد و بزرگواری ات که تجلی کردی بدان بر موسی کلیمک علیه السلام فی طور سیناء، و لابراهیم کلیم خود - که درود خدا بر او باد - در طور سینا، و (تجلی کردی) پیش از آن نیز برای ابراهیم علیه السلام خلیک من قبل فی مسجد الخیف، - که درود خدا بر او باد - خلیل خود در مسجد خیف، و لاسحاق صفیک علیه السلام فی بئر شیع، و (تجلی کردی) برای اسحاق برگزیده ات - که درود خدا بر او باد - در چاه شیع،

ولیعقوب نیکک علیه السلام فی بیت ایل، و اوفیت و (تجلی کردی) برای یعقوب پیامبرت - که درود خدا بر او باد - در خانه ایل (خانه خدا)، و وفا لابراهیم علیه السلام بميثاقک،

وَلِإِسْحَاقَ بِحَلْفِكَ، کردی برای ابراهیم - که درود خدا بر او باد - به پیمان خود، و برای اسحاق وَلِيَعْقُوبَ بِشَهَادَتِكَ، وَلِلْمُؤْمِنِينَ بَوَعْدِكَ، وَلِلدَّاعِينَ به سوگندت، و برای یعقوب به گواهی ات، و برای مؤمنان به وعده ات، و برای خوانندگان بِاسْمَائِكَ فَاجَبْتِ، وَبِمَجْدِكَ الَّذِي ظَهَرَ لِمُوسَى به نام هایت که اجابتشان کردی، و به حق بزرگواری ات که آشکار گردید برای موسی بْنِ عِمْرَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى قُبَّةِ الرُّمَّانِ، وَبِآيَاتِكَ پسر عمران - که درود خدا بر او باد - در قبه الرمان (عبادت گاهش)، و به آن معجزات و نشانه هایت الَّتِي وَقَعَتْ عَلَى أَرْضِ مِصْرَ بِمَجْدِ الْعِزَّةِ وَالْغَلْبَةِ، که واقع شد که در سرزمین مصر با بزرگواری و ارجمندی و چیرگی، بِآيَاتٍ عَزِيزَةٍ، وَبِسُلْطَانِ الْقُوَّةِ، وَبِعِزَّةِ الْقُدْرَةِ، به آن معجزات باشکوه، و به آن تسلط نیرومند، و قدرت باعزت،

وَبِشَأْنِ الْكَلِمَةِ التَّامَّةِ، وَبِكَلِمَاتِكَ الَّتِي تَفَضَّلْتَ وَبِهِ مَقَامَ آن سخن کاملت، و به حق آن سخنانی که برتری دادی بِهَا عَلَى أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَهْلِ الدُّنْيَا به وسیله آن ها بر اهل آسمان ها و زمین، و اهل دنیا وَ أَهْلِ الْآخِرَةِ، وَ بِرَحْمَتِكَ الَّتِي مَنَنْتَ بِهَا عَلَى وَ أَهْلِ آخِرَتِ، و به آن مهربانی ات که مَنَنْتَ نِهَادِي بَدَانِ بِرَجْمِ خَلْقِكَ، وَ بِاسْتِطَاعَتِكَ الَّتِي أَقَمْتَ بِهَا عَلَى هَمِّهِ مَخْلُوقَاتِ، و به آن توانایی ات که برپا داشتی بَدَانِ الْعَالَمِينَ، وَ بِنُورِكَ الَّذِي قَدْ خَرَّ مِنْ فَرْعِهِ طُورُ جَهَانِيَانِ رَا، و بدان روشنی و نورت را که

درافتاد از هراس آن طور سَینَاءَ ، وَبِعِلْمِكَ وَجَلَالِكَ وَكِبْرِيَايِكَ وَعِزَّتِكَ سينا ، و بدان علم و جلال و بزرگواری و عزت و جَبْرُوتِكَ الَّتِي لَمْ تَسْتَقِلَّهَا الْأَرْضُ ، وَانْخَفَضَتْ وَ جبروتت که زمین توان کشیدن آن را نداشت ، و به زانو درآمد

## قسمت دوم

لَهَا السَّمَاوَاتُ ، وَأَنْزَجَرَ لَهَا الْعُمُقُ الْأَكْبَرُ ، وَرَكَدَتْ در برابرش آسمان ها ، و اعماق بزرگ زمین در برابرش خود را واپس کشید ، و از جنبش ایستاد لَهَا الْبِحَارُ وَالْأَنْهَارُ ، وَخَضَعَتْ لَهَا الْجِبَالُ ، در برابرش دریاها و رودخانه ها ، و کوه ها در برابرش فروتن گشت ، وَ سَاكَنَتْ لَهَا الْأَرْضُ بِمَنَاجِبِهَا ، وَاسْتَسَلِمَتْ لَهَا وَ زمین با همه پست و بلندی هایش برای او ساکن شد ، و در برابرش تسلیم گردیدند الْخَلَائِقُ كُلُّهَا ، وَ خَفَقَتْ لَهَا الرِّيحُ فِي جَرِيَانِهَا ، تمام مخلوقات ، و بادها به خاطر آن در جریان خود مضطرب گردید ، وَ خَمِدَتْ لَهَا النَّيْرَانُ فِي أَوْطَانِهَا ، وَ بَسِطَانِكَ وَ آتش ها به واسطه آن در جاهای خود خاموش شد ، و به فرمانروایی مطلق (يا حِجَّتِ الذِّي عُرِفَتْ لَكَ بِهِ الْعَبَةُ دَهْرَ الدُّهُورِ ، وَ حُمِدَتْ وَ بَرَهَانَتْ) که شناخته شدی به واسطه آن همیشه به پیروزی و غلبه ، و ستایش شدی به فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ ، وَ بِكَلِمَتِكَ كَلِمَهُ به واسطه آن در آسمان ها و زمین ها ، و به حَقِّ آن سخن و کلمه

الْصُّدُقِ الَّتِي سَبَقَتْ لَابِينَا آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَاسْتِينت که سبقت جست پیش از این پدر ما آدم - که درود خدا بر او باد - وَ ذُرِّيَّتِهِ بِالرَّحْمَةِ . وَ أَسْأَلُكَ بِكَلِمَتِكَ الَّتِي

عَلَبَتْ و فرزندانش به لطف و رحمت . و می خوانم تو را به حق آن گفتارت که غلبه کرده کُلَّ شَيْءٍ ، وَ بِنُورِ وَجْهِكَ الَّذِي تَجَلَّيْتَ بِهِ لِلْجَبَلِ بِر هر چیز . و به نور ذاتت که به وسیله آن جلوه فرمودی بر کوه فَجَعَلْتَهُ دَكًّا ، وَ خَرَّ مُوسَى صَعِقًا . وَ بِمَجْدِكَ الَّذِي وَ آن را از هم متلاشی ساختی ، و موسی مدهوش درافتاد . و به مجد و بزرگواری ات که ظَهَرَ عَلَى طُورِ سَيْنَاءَ ، فَكَلَّمْتَ بِهِ عَبْدَكَ وَرَسُولَكَ آشکار شد بر طور سینا ، و به وسیله آن سخن گفתי با بنده و پیامبرت مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ ، وَ بَطَّلَعْتِكَ فِي سَاعِيرٍ ، وَ ظُهُورِكَ مُوسَى پسر عمران ، و به طلوع پرتوت در ساعیر (جای مناجات عیسی) ، و به آشکار شدنت فی جَبَلِ فَارَانَ ، بِرَبَوَاتِ الْمُقَدَّسِينَ وَ جُنُودِ در کوه فاران (جای مناجات رسول خدا) ، در جایگاه مرتفع بهشتیان و صفوف

الْمَلَائِكَةِ الصَّافِينَ ، وَ خُشُوعِ الْمَلَائِكَةِ الْمَسِيَّبِينَ ، لشکر فرشتگان ، و در میان فروتنی فرشتگان تسبیح کننده ، وَ بِبَرَكَاتِكَ الَّتِي بَارَكْتَ فِيهَا عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِكَ وَ به حق آن برکاتت که برکت دادی در آنها بر ابراهیم دوست مهربانت عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أُمِّهِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، - که درود خدا بر او باد - در میان اُمّت محمد - که درود خدا بر او و خاندانش باد - ، وَ بَارَكْتَ لِإِسْحَاقَ صَيْفِيكَ فِي أُمِّهِ عِيسَى عَلَيْهِمَا وَ برکت دادی بر اسحاق برگزیده ات در میان اُمّت عیسی - که درود خدا بر آن دو السَّلَامُ ، وَ بَارَكْتَ لِيَعْقُوبَ إِسْرَائِيلِكَ فِي أُمِّهِ باد -

، و برکت دادی بر یعقوب اسرائیلت در امت مُوسى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ ، وَ بَارَكْتَ لِحَبِيبِكَ مُحَمَّدٍ مُوسَى - که درود خدا بر آن دو باد - ، و برکت دادی بر حبیب محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِي عِزَّتِهِ وَ ذُرِّيَّتِهِ وَ أُمَّتِهِ . - که درود خداوند بر او و خاندانش باد - در عترت و فرزندان و امتش .

اللَّهُمَّ وَ كَمَا غَبْنَا عَنْ ذَلِكَ وَ لَمْ نَشْهَدْهُ ، وَ آمَنَّا بِهِ خدایا چنان که ما در آن جریانات نبودیم و آنها را مشاهده نکرده ، و بدان ایمان آوردیم وَ لَمْ نَرَهُ صِدْقاً وَ عِدْلاً ، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ در حالی که ندیده ایم از روی راستی و درستی ، همان طور می خواهیم درود فرستی بر محمد وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ أَنْ تُبَارِكَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، و خاندان محمد ، و این که مبارک گردانی بر محمد و خاندان محمد ، وَ تَرَحَّمْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ رَحِمْتَ فرستی بر محمد و خاندان محمد ، مانند بهترین درود وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ ، و برکت و رحمتی که بر ابراهیم و خاندان ابراهیم فرستادی ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ ، فَعَالَ لِمَا تُرِيدُ ، وَ أَنْتَ عَلَيَّ كُلُّهُ که به راستی تو ستوده و بزرگواری ، و انجام دهی هر چه را اراده کنی ، و تو بر هر شیئی قَدِيرٌ .

چیز توانایی.

پس هر حاجت داری ذکر کن و بگو: يَا اللَّهُ يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ ، ای خدا ، ای دوستدار بندگان ، و نعمت بخش به آنان ، يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ

وَالْأَرْضِ، يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، ای آفریننده آسمان ها و زمین ، ای خدای با جلال و عظمت و بخشش و کرامت ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ. پس بگوئید: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا اِی مَهْرَبَانَ تَرِیْن مَهْرَبَانَ. خدایا به حقّ این الدُّعَاءِ ، وَ بِحَقِّ هَذِهِ الْاَسْمَاءِ الَّتِی لَا یَعْلَمُ تَفْسِیْرَهَا دَعَا ، وَ بِه حَقِّ اِیْن نَام هَایِی کِه نَمِی دَانَد تَفْسِیْرِش رَا وَ لَا یَعْلَمُ بِاطْنِهَا غَیْرُکَ ، صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَ آلِ وَ نَدَانَد حَقِیْقَتِ اَنّهَا رَا کَسِی جَز تُو ، دَرُود فَرَسْت بَر مُحَمَّدٍ وَ خَانْدَانِ مُحَمَّدٍ ، وَ اَفْعَلُ بِی مَا اَنْتَ اَهْلُهُ ، وَ لَا تَفْعَلُ بِی مَا اَنَا مُحَمَّدٌ ، وَ اِنْجَام بَدَه دَرَبَارَه مِنْ اَنْچِه رَا تُو شَایِسْتَه اَنِی ، وَ اِنْجَام نَدَه دَرَبَارَه مِنْ اَنْچِه مِنْ اَهْلُهُ ، وَ اَغْفِرْ لِی مِنْ ذُنُوبِی مَا تَقَدَّمَ مِنْهَا وَ مَا تَاَخَّرَ ، سَزَاوَار اَنَم ، وَ بِیَاْمَرَز گَنَاهَانَم رَا اَنْچِه گَزِشْتَه وَ اَنْچِه پَس از اِیْن سَر مِی زَنَد ،

وَ وَسَّعَ عَلَیَّ مِنْ حَلَالِ رِزْقِكَ ، وَ اَكْفَيْتَنِي مَوْوَنَه وَ گَشَایِش دَه بَر مِنْ اَز رُوزِی حَلَالَتِ ، وَ كَفَایَتِ فَرَمَا مَرَا از زَحْمَتِ وَ شَرِّ اِنْسَانِ سَوِّءٍ ، وَ جَارِ سَوِّءٍ ، وَ قَرِیْنِ سَوِّءٍ ، وَ سُلْطَانِ اِنْسَانِ بَدِ ، وَ هَمْسَایِه بَدِ ، وَ رَفِیْقِ بَدِ ، وَ فَرَمَانِ رُوی سَوِّءٍ ، اِنَّكَ عَلَی مَا تَشَاءُ قَدِیْرٌ ، وَ بِكُلِّ شَیْءٍ عَلِیْمٌ ، بَدِ ، کِه تُو بَر هَر چِه بَخَوَاهِی تُو اِنَایِی . وَ بِه هَر چِیْزِ دَانَایِی ، اَمِیْنُ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ .

اِجَابَتِ فَرَمَا اِی پَرُورَد گَار جِهَانِیَانِ . وَ بَعْدَ از دَعَا ، اِیْن دَعَا رَا بَخَوَانَد: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاءِ ، خدایا به حقّ این دَعَا وَ بِحَقِّ هَذِهِ

الْأَسْمَاءِ الَّتِي لَا يَعْلَمُ تَفْسِيرَهَا وَلَا وَبِهِ حَقُّ أَيْنَ نَامِ هَائِي كِه نَمِي دَانَد تَفْسِيرِش رَا وَ نِه تَأْوِيلَهَا وَلَا بَاطِنَهَا وَلَا ظَاهِرَهَا غَيْرُكَ ،  
أَنْ تُصَلِّيَ تَأْوِيلِش رَا وَ نِه حَقِيقَتِش رَا وَ نِه ظَاهِرِش رَا كَسِي جِز تُو ، (از تُو مِي خَوَاهَم) كِه دَرُود فِرَسْتِي بِر

عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ ، وَ أَنْ تَرْزُقَنِي خَيْرَ الدُّنْيَا مُحَمَّدَ وَ خَانِدَانَ مُحَمَّدَ ، وَ اَيْن كِه رُوزِي مَن كَرْدَانِي خَيْرِ دُنْيَا وَ الْآخِرَةِ .

وَ آخِرَتِ رَا . بِسِ حَاجَاتِ خُود رَا بَطَلِبِد وَ بَكُوِيِد : وَ أَفْعَلُ بِي مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ اِنْجَامِ دِه دَرْبَارِه مَن اَنْجِه رَا تُو شَايِسْتِه اَنِي وَ لَا  
تَفْعَلُ بِي مَا اَنَا أَهْلُهُ ، وَ اِنْتَقِمُ لِي مِّنْ فُلَانِ بِنٍ وَ مَكْنِ بَا مَن اَنْجِه رَا مَن سِزَاوَارِ اَنَم ، وَ اِنْتِقَامِ بَكِيرِ بَرَايِ مَن اَز فُلَانِ پَسِر فُلَانِ نَامِ  
دَشْمَن رَا بَكُوِيِد وَ اَغْفِرُ لِي مِّنْ ذُنُوبِي مَا تَقَدَّمَ فُلَانِي وَ بِيَاْمَرِزِ كِنَاهَانِم رَا اَنْجِه كِذْشْتِه مِنْهَا وَ مَا تَأَخَّرَ ، وَ لِوَالِدَيَّ وَ لِجَمِيعِ  
الْمُؤْمِنِينَ وَ اَنْجِه اَز اَيْن پَسِ سِر مِي زَنَد ، وَ بِيَاْمَرِزِ پَدِرِ وَ مَادِرْمِ رَا وَ هَمِه مَرْدَانَ بَا اِيْمَانَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ . وَ وَسَّعَ عَلَيَّ مِنْ حَلَالِ  
رِزْقِكَ . وَ زَنَانَ بَا اِيْمَانَ رَا ، وَ كِشَايِشِ دِه بِر مَن اَز رُوزِي حَلَالَتِ .

وَ اَكْفِنِي مُؤُونَةَ اِنْسَانِ سَوْءٍ ، وَ جَارِ سَوْءٍ ، وَ سَيِّطَانِ وَ كِفَايَتِ فِرْمَا اَز زَحْمَتِ وَ شَرِّ اِنْسَانِ بَدِ ، وَ هَمْسَايِه بَدِ ، وَ فِرْمَانِرُوِي  
سَوْءٍ ، وَ قَرِيْنِ سَوْءٍ ، وَ يَوْمِ سَوْءٍ ، وَ سَاعَةِ سَوْءٍ . بَدِ ، وَ رَفِيْقِ بَدِ ، وَ رُوزِ بَدِ ،

و ساعت بد . وَ اَنْتَقِمَ لِي مِمَّنْ يَكِيدُنِي ، وَ مِمَّنْ يَبْغِي عَلَيَّ ، وَ اَنْتَقَامَ بَكِيرٍ اَزْ كَسِيٍّ كَهْ بِهٖ مِنْ نَيْرِنِكْ زَنْد ، وَ بَرِّ مِنْ سَتْمِ كَنْد ، وَ يُرِيْدُ بِي وَ بِاَهْلِي وَ اَوْلَادِي وَ اِخْوَانِي وَ جِيرَانِي وَ مِي خَوَاهِدْ ظَلَمَ كَنْد بِهٖ مِنْ وَ بِهٖ خَانْدَانِ وَ فَرْزَنْدَانِ وَ هَمْسَايْكَانِ وَ قَرَابَاتِي ، مِنْ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ ظُلْمًا ، اِنَّكَ وَ نَزْدِيْكَانَمْ ، اَزْ مَرْدَانِ بَا اِيْمَانِ وَ زَنَانِ بَا اِيْمَانِ ، كَهْ تُو عَلِيٍّ مَا تَشَاءُ قَدِيْرٌ ، وَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيْمٌ ، اَمِيْنَ رَبِّ بَرِّ هَرِّ چِهْ بِخَوَاهِي تُوَانَايِي ، وَ بِهٖ هَرِّ چِيْزِ دَانَايِي ، اِجَابَتْ فَرْمَا اِي پَرُوْرْدْكَاَرِ الْعَالَمِيْنَ . سَبَسْ بَكُو: اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ هَذَا الدُّعَاةِ تَفَضَّلْ جَهَانِيَانِ . خُدَايَا بِهٖ حَقِّ اَيْنِ دَعَا (بَرِّ هَمِهٖ اَهْلِ اِيْمَانِ) تَفَضَّلْ كَنْ

عَلِيٍّ فُقْرَاءِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْغِنَى وَ الثَّرْوَةِ ، (اَمَّا) بَرِّ فُقْرَايِ مُؤْمِنِيْنَ وَ مُؤْمِنَاتِ بِهٖ ثَرْوَتِ وَ تُوَانْكَرِي ، وَ عَلِيٍّ مَرَضِي الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالشُّفَاةِ وَ بَرِّ بِيْمَارَانِ اَزْ مُؤْمِنِيْنَ وَ مُؤْمِنَاتِ بِهٖ شَفَا وَ بِهَبُوْدِي وَ الصَّحَّةِ ، وَ عَلِيٍّ اَحْيَاءِ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ تَنْدَرْسْتِي ، وَ بَرِّ زَنْدْكَاَنِ مُؤْمِنِيْنَ وَ مُؤْمِنَاتِ بِاللُّطْفِ وَ الْكِرَامَةِ ، وَ عَلِيٍّ اَمْوَاتِ الْمُؤْمِنِيْنَ بِهٖ مَهْرَبَانِي وَ بَزَرْكَوَارِي ، وَ بَرِّ مَرْدْكَاَنِ مُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالْمَعْفَرَةِ وَ الرَّحْمَةِ ، وَ عَلِيٍّ مُسَاْفِرِيْ وَ مُؤْمِنَاتِ بِهٖ اَمْرَزْشِ وَ دَلِ سُوْزِي ، وَ بَرِّ مُسَاْفِرِيْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ بِالرَّدِّ اِلَى اَوْطَانِهِمْ سَالِمِيْنَ مُؤْمِنِيْنَ وَ مُؤْمِنَاتِ بِهٖ بَا زْكَشْتَنْ بِهٖ سُوِي وَ طَنْ هَايِ خُوِيْشِ بِهٖ سَلَامْتِيْ غَانِمِيْنَ ، بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ . وَ صَلَّى اللّٰهُ وَ بِهْرِهٖ مَنْدِي ، بِهٖ رَحْمَتِ اِي مَهْرَبَانِ تَرِيْنَ مَهْرَبَانَانِ . وَ



عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَعِزَّتِهِ الطَّاهِرِينَ، بر آقای ما محمد آخرین پیامبران و عترت پاکیزه اش و سَلَّمَ تَسْلِيمًا كَثِيرًا.

و سلام فرستد سلام فرستادنی بسیار. و مستحب است که بعد از دعای سمات بگویند: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ خَدَايَا! از تو اَسْئَلُكَ بِحُرْمَةِ هَذَا الدُّعَاءِ، وَ بِمَا فَاتَ مِنْهُ مِنْ مِیْ خَوَاهِمِ بِه حَرَمَتِ اَیْنِ دَعَا، وَ بِه اَنچِه در اَن ذِکْرِ نَشْدِه از الِاسْمَاءِ، وَ بِمَا یَشْتَمِلُ عَلَیْهِ مِنْ التَّفْسِیْرِ وَ التَّدْبِیْرِ، نَامِ هَايْتِ، وَ بِه اَنچِه دربر دَارِد از تَفْسِیْرِ وَ تَدْبِیْرِ، اَلَّذِیْ لَا یُحِیْطُ بِه اِلَّا اَنْتَ، اَنْ تَفْعَلَ بِیْ کَذَا وَ کَذَا. که کسی جز تو بر اَن احاطه ندارد، که درباره من چنین و چنان کنی. پس حاجات خود را بخواهد.

### حدیث کساء

بِسَیِّدِ صَیِّحِ عَن جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْأَنْصَارِيِّ: به سند صحیح از جابر بن عبد الله انصاری عن فاطمة الزهراء علیها السلام بنت رسول الله از فاطمه زهرا - که درود خدا بر او باد - دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله، قال: سَمِعْتُ فَاطِمَةَ اَنْهَا - که درود خداوند بر او و خاندانش باد -، جابر گویند: شنیدم از فاطمه زهرا که قالت: دَخَلَ عَلَيَّ اَبِي رَسُولُ اللَّهِ فِي بَعْضِ الْاَيَّامِ فَرَمَدَ: وارد شد بر من پدرم رسول خدا در یکی از روزها فقال: اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ يَا فَاطِمَةُ! فَقُلْتُ: عَلَیْكَ وَ فَرَمَدَ: درود بر تو ای فاطمه! در پاسخش گفتم: بر تو باد السَّلَامُ! قال: اِنِّیْ اَجِدُ فِی بَدَنِی ضَعْفًا، فَقُلْتُ لَهُ: فَرَمَدَ: من در بدنم سستی و ضعفی احساس می کنم.

عرض کردم: اُعِيدُكَ بِاللَّهِ يَا أَبَتَاهُ مِنَ الضُّعْفِ! فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! پناه می دهم تو را به خدا ای پدر جان از سستی و ضعف! فرمود: ای فاطمه!

إِثْنَيْنِ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي فَعَطِينِي بِهِ ، فَآتَيْتُهُ بِيَاوِرٍ بَرَايِمٍ عَبَايَ يِمَانِي رَا و مَرَا بَدَانَ بِيُوشَانِ ، مَن بَرَايشِ آوَرْدَمَ بِالْكِسَاءِ الْيَمَانِي فَعَطَيْتُهُ بِهِ ، وَ صِرْتُ أَنْظُرُ إِلَيْهِ عَبَايَ يِمَانِي رَا و او رَا بَدَانَ بِيُوشَانِدَمَ ، وَ هُمَوَارِهِ بِيَهُ اُو مِي نَغْرِيَسْتَمَ وَ إِذَا وَجْهُهُ يَتَلَأَأُ ، كَأَنَّهُ الْبَدْرُ فِي لَيْلِهِ تَمَامِهِ وَ دَرِ اَنِّ حَالِ چِهْرِهِ اَشِ مِي دَرِخَشِيدِ ، هَمَانِدَمَ مَاهِ شَبِّ چِهَارْدِهِ وَ كَمَالِهِ ، فَمَا كَانَتْ اِلَّا سَاعَةً وَ إِذَا بَوَلَدِي الْحَسَنِ بِيَهُ طَوْرٍ كَامِلٍ ، پَسِ سَاعَتِي نَغْدَشْتِ كِه دِيدَمَ فَرَزَنْدَمَ حَسَنٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ أَقْبَلَ ، وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمِّيَّةُ! - كِه دَرُودِ خُدَا بَرِ اُو بَادِ - وَارْدِ شُدِ ، وَ كَفْتِ: دَرُودِ بَرِ تُو اِي مَادِرِ! فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا قُرَّةَ عَيْنِي وَ ثَمَرَةَ فُوَادِي! كَفْتَمَ: بَرِ تُو بَادِ دَرُودِ اِي نُوْرِ دِيدِهِ اَمِ وَ مِيُوِهِ دَلَمِ! فَقَالَ: يَا أُمِّيَّةُ! اِنِّي اَشْتُمُّ عِنْدَكَ رَائِحَةَ طَيِّبَةٍ ، كَأَنَّهَا كَفْتِ: مَادِرِ جَانِ! مَن دَرِ نَزْدِ تُو بُوِي خُوْشِي اسْتَشْمَامِ مِي كَنَمَ ، گُوِيَا

رَائِحَةَ حَيْدِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ، بُوِي جَدِّمَ رَسُولِ خُدَا - كِه دَرُودِ خُدَاوَنْدِ بَرِ اُو وَ خَانْدَانَشِ بَادِ - اسْتِ ، فَقُلْتُ: نَعَمْ ، اِنَّ جَدَّكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ ، فَاقْبَلِ الْحَسَنُ كَفْتَمَ: آرِي ، هَمَانَا جَدِّ تُو دَرِ زِيْرِ عَبَاَسْتِ ، پَسِ حَسَنُ نَحْوِ الْكِسَاءِ ، وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ ، يَا بِيهِ طَرَفِ عَبَا رَفْتِ

، و گفت: درود بر تو ای جد بزرگوار، ای رَسُولَ اللَّهِ! أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَدْخُلَ مَعَكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ رسول خدا! آیا به من اجازه می دهی که وارد شوم با تو در زیر عبا؟ فَقَالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا صَاحِبَ فَرْمُود: بر تو باد سلام ای فرزندم و ای صاحب حَوْضِي! قَدْ أَذِنْتُ لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُ تَحْتَ الْكِسَاءِ. حوض من! اجازه دادم تو را، پس حسن با آن جناب به زیر عبا رفت. فَمَا كَانَتْ إِلَّا سَاعَةً وَإِذَا بَوْلَدِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ سَاعَتِي نَكَدْتُ كَمَا فَارَسْتُكَ يَا حَسَنُ - که درود خدا

السَّلَامُ قَدْ أَقْبَلَ، وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُمَّهُ! بر او باد - وارد شد، و گفت: درود بر تو ای مادر! فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي وَ يَا قُرَّةَ عَيْنِي كَفْتُمْ: بر تو باد درود ای فرزندم و ای نور دیده ام وَ ثَمَرَةَ فُؤَادِي، فَقَالَ لِي: يَا أُمَّهُ! إِنِّي أَشَمُّ عِنْدَكَ وَ مِيوَه دَلْم، كَفْتُمْ: مادر جان! من استشمام می کنم در نزد تو رَائِحَةَ طَيِّبَةً، كَأَنَّهَا رَائِحَةُ جِدِّي رَسُولِ اللَّهِ، فَقُلْتُ: بوی خوشی را، گویا بوی جدّم رسول خدا است، كَفْتُمْ: نَعَمْ، إِنَّ جَدَّكَ وَأَخَاكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، فَدَنَى الْحُسَيْنُ آرِي هَمَانَا جَدُّ تُو وَ بَرَادِرْتِ دَر زِيرِ عِبَا هَسْتَنْد، حَسِينِ نَزْدِيكَ نَحْوِ الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَدَّاهُ! السَّلَامُ عِبَا رَفْتَه وَ كَفْتُمْ: درود بر تو ای جد بزرگوار! درود عَلَيْكَ يَا مَنِ اخْتَارَهُ اللَّهُ! أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ مَعَكُمْ بِرِ تُو آي كَسِي كَه

خدا او را برگزید! آیا به من اجازه می دهی که داخل شوم با شما

تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ فَقَالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا وَلَدِي در زیر عبا؟ فرمود: و بر تو باد درود ای فرزندم و یا شافعِ اُمَّتِي! قَدْ اَذْنُتُ لَكَ، فَدَخَلَ مَعَهُمَا تَحْتَ و ای شفاعت کننده امتم! به تو اجازه دادم، پس او نیز با آن دو وارد شد در زیر الْكِسَاءِ. فَاقْبَلَ عِنْدَ ذَلِكَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ عَبَا. در این هنگام ابوالحسن علی فرزند ابی طالب و قَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتُ رَسُولِ اللَّهِ! ابی طالب وارد شد و فرمود: درود بر تو ای دختر رسول خدا! فَقُلْتُ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا اَبَا الْحَسَنِ و یا امیرِ گفتیم: و بر تو باد درود ای ابوالحسن و ای پیشوای الْمُؤْمِنِينَ! فَقَالَ: يَا فَاطِمَةُ! اِنِّي اَشْتُمُ عِنْدَكَ رَائِحَةَ مُؤْمِنَانِ! فرمود: ای فاطمه! من استشمام می کنم در نزد تو طَبِيَّهً، كَانَتْهَا رَائِحَةُ اَخِي وَ ابْنِ عَمِّي رَسُولِ اللَّهِ، بوی خوشی، گویا بوی برادرم و پسر عمویم رسول خداست.

فَقُلْتُ: نَعَمْ، هَا هُوَ مَعَ وَلَدَيْكَ تَحْتَ الْكِسَاءِ، گفتیم: آری، این اوست که با دو فرزندت در زیر عبا هستند، فَاقْبَلَ عَلِيُّ بْنُ عَبَا الْكِسَاءِ وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا پسر علی نیز به طرف عبا رفت و گفت: درود بر تو ای رَسُولَ اللَّهِ! اَتَاذُنُ لِي اَنْ اَكُونَ مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ رسول خدا! آیا اجازه می دهی که من نیز با شما در زیر عبا باشم؟ قَالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا اَخِي وَ وَصِيِّي وَ خَلِيفَتِي رسول خدا

به او فرمود: و بر تو باد درود ای برادر من و ای وصی و جانشین من و صاحبِ لَوَائِي! قَدْ أَذِنْتُ لِمَكَ، فَدَخَلَ عَلَيَّ تَحْتَ و پرچمدار من! به تو اجازه دادم، پس علی نیز وارد در زیر عبا شد، الْكِسَاءِ، ثُمَّ أَتَيْتُ نَحْوَ الْكِسَاءِ وَقُلْتُ: السَّلَامُ در این هنگام من نیز به طرف عبا رفتم و عرض کردم: درود عَلَيْكَ يَا أَبَتَاهُ يَا رَسُولَ اللَّهِ! أَتَأْذُنُ لِي أَنْ أَكُونَ بِرِ تَوَايِ پدر جان ای رسول خدا! آیا به من هم اجازه می دهی که با شما

مَعَكُمْ تَحْتَ الْكِسَاءِ؟ قَالَ: وَ عَلَيْكَ السَّلَامُ يَا بِنْتِي در زیر عبا باشم؟ فرمود: و بر تو باد درود ای دخترم و ای وَا يَا بَضْعَتِي! قَدْ أَذِنْتُ لِمَكَ، فَدَخَلْتُ تَحْتَ الْكِسَاءِ، پاره تنم! به تو هم اجازه دادم، پس من نیز به زیر عبا رفتم، و چون فَلَمَّا اكْتَمَلْنَا جَمِيعًا تَحْتَ الْكِسَاءِ، أَخَذَ أَبِي رَسُولُ هَمْغِي در زیر عبا جمع شدیم، پدرم رسول خدا اللَّهُ بِطَرْفِي الْكِسَاءِ، وَأَوْمَأَ بِيَدِهِ الْيَمْنِي إِلَى السَّمَاءِ، دو طرف عبا را گرفت، و با دست راست به سوی آسمان اشاره کرد، وَقَالَ: اللَّهُمَّ إِنَّ هَؤُلَاءِ أَهْلُ بَيْتِي وَخَاصَّتِي و فرمود: خدایا! اینان خاندان من و برگزیدگان قوم من وَ حَامَتِي، لَحْمُهُمْ لَحْمِي وَ دَمُهُمْ دَمِي، يُؤَلِّمُنِي وَ نَزْدِيكَانِم هَسْتَنَد، گوشتشان گوشت من و خونشان خون من است، می آزارد مرا مَا يُؤَلِّمُهُمْ، وَ يَحْزُنُنِي مَا يَحْزُنُهُمْ، أَنَا حَرْبٌ لِمَنْ هَرْجَه أَنَهَا را بیازارد،

و غمگین کند مرا هر چه آنها را غمگین کند ، من در جنگم با هر که با

حَارِبُهُمْ ، وَ سَلَّمْ لِمَنْ سَأَلَهُمْ ، وَ عِدُّوْ لِمَنْ عَادَاهُمْ ، آنها بجنگد ، و در صلحم با هر که با آنها در صلح است ، و دشمنم با هر که با آنها دشمنی کند ، وَ مُحِبُّ لِمَنْ أَحَبَّهُمْ ، إِنَّهُمْ مِنِّي وَ أَنَا مِنْهُمْ ، فَاجْعَلْ و دوست دارم هر که آنها را دوست دارد ، اینان از منند و من از ایشانم ، پس بفرست صِلْ لِمَوَاتِكْ وَ بَرَكَاتِكْ وَ رَحْمَتِكَ وَ غُفْرَانِكَ وَ رِضْوَانِكَ درودهای خود و برکت هایت و مهرت و آمرزشت و خوشنودی ات را عَلَيَّ وَ عَلِيَّهُمْ ، وَ أَذْهَبْ عَنْهُمْ الرَّجْسَ ، وَ طَهِّرْهُمْ بَرِّمَنْ وَ بَرِّ اِيْشَان ، و دور کن از ایشان پلیدی را ، و پاکیزه شان کن تَطْهِيراً . فَقَالَ اللّٰهُ عَزَّ وَ جَلَّ : يَا مَلَأْنِيْكَتِيْ وَيَا سُبْحَانَكَ خَيْرِي . پس خدای عزوجل فرمود: ای فرشتگان من و ای ساکنان سِجَاوَاتِيْ ! اِنِّيْ مَا خَلَقْتُ سَمَاءً مَّبِيَّئَةً ، وَ لَا اَرْضًا اَسْمَانِ هَايْم ! به راستی که من نیافریدم آسمان بنا شده ، و نه زمین مَدْحِيَّةً ، وَ لَا قَمَرًا مُنِيْرًا ، وَ لَا شَمْسًا مُضِيئَةً ، وَ لَا گسترده ، و نه ماه تابان ، و نه آفتاب درخشان ، و نه

فَلَكًا يَدُوْرًا ، وَ لَا بَحْرًا يَجْرِي ، وَ لَا فُلُكًا يَسِيْرِي ، سپهر آسمان که بچرخاند ، و نه دریای روان ، و نه کشتی در جریان را ، اِلَّا فِيْ مَحَبَّتِهِ هُوْلَاءِ الْخَمْسَةِ ، الَّذِيْنَ هُمْ تَحْتَهُ مَكْرَبًا بِخَطَرِ دُوسْتِيْ اِيْنِ پَنْجِ تَنْ ، اِيْنَانِ كِهْ دَر زِيْرِ الْكِسَاءِ . فَقَالَ الْاَمِيْنُ

جبرائیل: یارب! و مَنْ تَحْتَ عَابِنْد . پس جبرئیل امین عرض کرد: پروردگارا! کیانند در زیرِ اِکْسَاء؟ فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: هُمْ اَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَعِيْدُنْ عِبا؟ خدای عزوجل فرمود: آنان خاندان نبوت و بنیاد الرِّسَالِه ، هُمْ فَاطِمَهْ وَاَبُوها وَبَعْلُها وَبَنُوها . فقال رسالتند ، آنان فاطمه و پدرش و شوهر و دو فرزندش هستند . عرض کرد جبرائیل: یا رَبِّ اَتَاذَنْ لِي اَنْ اَهْبِطَ اِلَى الْاَرْضِ جبرئیل: پروردگارا! آیا به من هم اجازه می دهی که فرود آیم به زمین لِاَكُوْنَ مَعَهُمْ سَادِساً؟ فَقالَ اللهُ: نَعَمْ ، قَدْ اَذِنْتُ لَكَ ، تا ششمین آنها باشم؟ خدا فرمود: آری ، همانا به تو اجازه دادم ،

فَهَبِطِ الْاَمِيْنُ جبرائیل ، وَقَالَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يا پس جبرئیل امانت دار به زمین آمد ، و گفت: درود بر تو ای رَسُولَ اللهِ! الْعَلِيُّ الْاَعْلَى يُقْرِؤُكَ السَّلَامَ وَيَخُصُّكَ رَسُولَ خِدا! (پروردگار) والای والاتر درودت می رساند و مخصوص داشته تو را بِالتَّحِيَّةِ وَ الْاِكْرَامِ ، وَيَقُوْلُ لَكَ: وَ عِزَّتِي وَ جَلالِي به تحیت و اکرام ، و می فرماید: به عِزَّتِ وَ جَلالِمِ سوگند اِنِّي ما خَلَقْتُ سَماءً مَبِيئَةً ، وَ لا اَرْضاً مِدْحِيَةً ، که من نیافریدم آسمان بنا شده ، و نه زمین گسترده ، وَ لا قَمَراً مُنْبِراً ، وَ لا شَمْساً مُضِيئَةً ، وَ لا فَلَکاً وَ نه ماه تابان ، وَ نه خورشید درخشان ، وَ نه سپهر آسمان يَدُوْرُ ، وَ لا بَحْراً يَجْرِي ، وَ لا فَلَکاً يَسْرِي ، اِلَّا که بچرخاند ، وَ نه دریای روان ، وَ نه کشتی در جریان را ، مگر





! که ذکر نشود این خبر (و سرگذشت) ما در مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ الْأَرْضِ ، وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ أَنْجَمِ وَ محفلی از محافل مردم زمین ، که در آن گروهی از شایعینا وَ مُحَبِّبِنَا ، إِلَهِمَّ وَ نَزَلَتْ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ ، شیعیان و دوستان ما باشند ، جز آنکه نازل شود بر ایشان رحمت (حق) ، وَ حَفَّتْ بِهِمُ الْمَلَائِكَةُ ، وَ اسْتَغْفَرَتْ لَهُمْ إِلَى أَنْ وَ فرا گیرند ایشان را فرشتگان ، و برایشان آمرزش خواهند مادامی که از دور هم یَتَفَرَّقُوا! فَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَفَارَ پراکنده شوند! علی - که درود خدا بر او باد - فرمود: به خدا سوگند ما رستگار شدیم شایعینا وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ ، فَقَالَ النَّبِيُّ ثَانِيًا: يَا عَلِيُّ! و سوگند به پروردگار کعبه شیعیان ما رستگار شدند ، دوباره پیغمبر فرمود: ای علی!

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ نَبِيًّا ، وَ اصْطَفَانِي بِالرَّسَالَةِ سوگند بدان که برانگیخت مرا به راستی برای پیامبری ، و برگزید مرا برای رسالت نَجِيًّا! ما ذَكَرَ خَبْرَنَا هَذَا فِي مَحْفَلٍ مِنْ مَحَافِلِ أَهْلِ وَ نجات دادن خلق ، ذکر نشده این خبر (و سرگذشت) ما در انجمن و محفلی از محافل مردم الْأَرْضِ ، وَ فِيهِ جَمْعٌ مِنْ شَيْعَتِنَا وَ مُحَبِّبِنَا ، وَ فِيهِمْ زَمِينٌ ، که در آن گروهی از شیعیان و دوستان ما باشند ، و در میان آنها مَهْمُومٌ إِلَّا وَ فَرَّجَ اللَّهُ هَمَّهُ ، وَ لَا مَعْمُومٌ إِلَّا وَ كَشَفَ اللَّهُ نَاكِيَةً بِأَنَّ كَمَا خَدَا انْدُوْهَشَ رَا بَرَطْرَفَ كُنْدَ ، و نه غمناکی جز آن که بگشاید اللَّهُ غَمَّهُ ، وَ لَا طَالِبٌ حَاجَهُ إِلَّا وَ

قَضَى اللَّهُ حَاجَتَهُ . خدا غمش را ، و نه حاجت خواهی باشد جز آن که خدا حاجتش را برآورد . فَقَالَ عَلِيُّ: إِذَا وَاللَّهِ فُزْنَا وَ سَعِدْنَا ، وَ كَذَلِكَ شَيَّعْتَنَا پس علی گفت: بدین ترتیب به خدا سوگند ما کامیاب و سعادتمند شدیم ، و هم چنین شیعیان ما فَاذُوا وَ سَعِدُوا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ وَ رَبِّ الْكَعْبَةِ . کامیاب و سعادتمند شدند در دنیا و آخرت ، به پروردگار کعبه سوگند.

## تاریخچه ی مسجد مقدس جمکران

بیش از هزارسال است که از تاریخ بنای این مسجد مقدّس می گذرد. در رابطه با احداث این مسجد، محدّث بزرگوار، آیت الله حاج میرزا حسین نوری طبرسی رحمه الله در کتاب نجم الثاقب حکایت مبسوطی دارد که خلاصه آن چنین است:

«شیخ عقیف صالح، حسن بن مثله جمکرانی چنین نقل می کند: ... من شب سه شنبه هفدهم ماه مبارک رمضان در سرای خود خفته بودم، ناگاه جماعتی مردم به سرای من آمدند، نصفی از شب گذشته مرا بیدار کردند و گفتند: برخیز و طلب مولایت حضرت صاحب الزمان علیه السلام را اجابت کن که تو را می خواند، برخاستم آماده شدم... چون به در سرای آمدم جماعتی از بزرگان را دیدم، سلام کردم جواب دادند... مرا بیاوردند تا بدان جایگاه که اکنون مسجد است. چون نیک بنگریستم تختی دیدم نهاده و فرش نیکو بر آن تخت گسترده و بالش های نیکو نهاده و جوانی سی ساله بر آن تخت بر چهار بالش تکیه کرده و پیری پیش او نشسته... و فزون از شصت مرد بر آن زمین بر گرد او نماز می خوانند و آن پیر حضرت خضر علیه السلام بود، پس آن پیر مرا نشانده و امام علیه السلام مرا با نام خواندند و

دستور ساخت مسجد را با تشریفات و مقدمات خاصی صادر فرمودند».

بنابر نقل مرحوم محدث نوری در کتاب شریف نجم الثاقب، حضرت امام عصر - ارواحنا له الفداء - خطاب به حسن بن مثله جمکرانی فرمودند: به مردم بگو تا بدین موضع رغبت نمایند و آن را عزیز دارند و در آن چهار رکعت نماز بجای آورند:

الف) دو رکعت نماز تحیت مسجد: در هر رکعت بعد از سوره حمد، هفت مرتبه سوره توحید «قل هو الله أحد» را بخوانید و در رکوع هفت مرتبه «سبحان ربی العظیم وبحمده» و در سجده هفت مرتبه «سبحان ربی الأعلی و بحمده» بگویید.

ب) دو رکعت نماز صاحب الزمان علیه السلام: در هر رکعت، هنگام خواندن سوره حمد، چون به آیه «إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» رسیدید، این آیه را صد مرتبه تکرار کنید، سپس سوره حمد را تمام کرده و سوره توحید «قل هو الله أحد» را یک مرتبه خوانده، و در رکوع هفت مرتبه «سبحان ربی العظیم وبحمده» و در سجده هفت مرتبه «سبحان ربی الأعلی و بحمده» بگویید. پس از پایان نماز، تسیحات حضرت زهرا علیها السلام را گفته، سپس سر به سجده گذارده و صد مرتبه صلوات بفرستید.

امام علیه السلام فرمودند: «مَنْ صَلَّى بِهَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ» هر کس این نماز را بخواند، گویا در کعبه نماز خوانده است.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: [www.ghaemiyeh.com](http://www.ghaemiyeh.com)

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می  
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه  
اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات قرآنی

اصفهان

# گام‌های

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

